اولین روزنامه سهامداری ایران (خبرنگاران و کارکنان)

صمت
صنعت معدن تجارت

شنبه
• ۲۶ فروردین ۱۴۰۲
• ۲۴ رمضان ۱۴۴۴
• ۱۵ آوریل ۲۰۲۳

• سال سی‌ودوم شماره پیاپی ۳۶۱۶ • دوره جدید سال نهم شماره ۲۲۹۸ • ۱۶ صفحه • قیمت: ۵۰۰۰ تومان

www.smtnews.ir - http://Telegram.me/smtnews



سرمقاله
اقتصاد بیمار ۲

گفت‌وگو
کارگران هم طرف مشورت باشند ۱۲
دولتی‌سازی با حداکثر سرعت ۴

یادداشت‌های امروز
بخش خصوصی متولی تولید مسکن ۱۰
وعده شتابزده ندهیم ۱۴
سیاست‌گذاری علمی حلقه گمشده اقتصاد ایران ۱۶








پرونده

صمت واکنش فعالان اقتصادی به برنامه دولت برای استفاده از نظر بخش خصوصی را بررسی کرد

تغییر رویه با سناریوهای تکراری

مشارکت بخش خصوصی؛ از گفته‌ها تا ناگفته‌ها ۴
غافلگیری و بی‌مهری به خرد جمعی ۶
بازتعریف دیپلماسی تجاری ۷
حذف امضاهای طلایی و ایجاد بازار رقابتی ۸
توسعه تجدیدپذیرها معطل نماند ۹
ملاقات خصوصی برای ساخت مسکن ۱۰
تعمیق رکود، نتیجه بانکداری خصوصی ۱۱
جای خالی کارآفرینی در اقتصاد ۱۳
پرداخت تسهیلات امکان‌پذیر نیست ۱۴

طرح: آیدا فریدی

فراخوان مناقصه عمومی یک مرحله‌ای
خرید میزهای کنفرانس، اداری، صندلی های گردان و مبلمان انتظار

شناسه آگهی: ۱۴۷۸۶۴۹ م الف / ۱۵۷

شرح در صفحه ۳

آگهی مناقصه
پلیت چمبر فیلترپرس

شرکت توسعه معدنی و صنعتی صبانور در نظردارد نسبت به تامین پلیت چمبر فیلترپرس برای کارخانه خود، واقع در استان کردستان، را به تامین‌کننده واجد شرایط واگذار نماید. لذا تامین کنندگان واجد شرایط می‌توانند جهت دریافت اطلاعات بیشتر با شماره ۰۲۱۲۷۶۴۵۳۲۵ تماس گرفته و یا به آدرس اینترنتی www.sabanour.com قسمت فراخوان - مناقصه مراجعه نمایند و پیشنهاد مالی و فنی خود را بصورت دربسته مهرو موم شده. (سه پاکت مجزا الف: ضمانتنامه ب: فنی ج: مالی) حداکثر ۱۰روز کاری پس از تاریخ انتشار به آدرس سعادت‌آباد نرسیده به خروجی هاشمی‌رفسنجانی شرق- خیابان ۲۶ (حق‌طلب غربی) پلاک ۴۹ - طبقه سوم (بخش بازرگانی) تحویل نمایند. مناقصه‌گزار اختیار کامل در زمینه رد یا قبول هر یک یا تمامی پیشنهادات را داشته و هیچگونه ادعا و اعتراضی در این زمینه مسموع نخواهد بود.

شرکت توسعه معدنی و صنعتی صبانور

آگهی مناقصه عمومی
تامین سولفات مس کریستالی

شرکت توسعه معدنی و صنعتی صبانور در نظردارد تامین سولفات مس کریستالی برای کارخانه خود، واقع در استان همدان، را به تامین‌کننده واجد شرایط واگذار نماید. لذا تامین کنندگان واجد شرایط می‌توانند جهت دریافت اطلاعات بیشتر با شماره ۰۲۱۲۷۶۴۵۳۲۵ تماس گرفته و یا به آدرس اینترنتی www.sabanour.com قسمت فراخوان - مناقصه مراجعه نمایند و پیشنهاد خود را مطابق شرایط مناقصه اعلام شده در پاکات دربسته مهرو موم شده (سه پاکت مجزا الف: ضمانتنامه ب: فنی ج: مالی) حداکثر ۱۰روز کاری پس از تاریخ انتشار به آدرس سعادت‌آباد نرسیده به خروجی هاشمی‌رفسنجانی شرق - خیابان ۲۶ (حق‌طلب غربی) پلاک ۴۹ - طبقه سوم (بخش بازرگانی) تحویل نمایند. مناقصه‌گزار اختیار کامل در زمینه رد یا قبول هر یک یا تمامی پیشنهادات را داشته و هیچگونه ادعا و اعتراضی در این زمینه مسموع نخواهد بود.

شرکت توسعه معدنی و صنعتی صبانور

مزایده عمومی
شرکت فولاد هرمزگان جنوب

شماره مزایده ۰۲۰۴۰۱

موضوع مزایده: پوسته اکسیدی

ردیف	شماره مزایده	شرح کالا	واحد	مقدار	مبلغ ضمانت شرکت در مزایده (ریال)
۱	۰۲۰۴۰۱	پوسته اکسیدی	کیلوگرم	۹.۸۰۰.۰۰۰	۱.۷۱۹.۲۰۰.۰۰۰

نحوه شرکت در مزایده:
کلیه اشخاص حقوقی برای شرکت در مزایده می‌توانند جهت بازدید و دریافت اسناد مزایده مبلغ ۵۰۰/۰۰۰ ریال به حساب ۰۱۱۱۱۱۱۱۰۰۰۰۸ بنام شرکت فولاد هرمزگان جنوب، نزد بانک ملی شعبه گمرک بندرعباس واریز نموده و با ارائه فیش واریزی و درخواست کتبی در ساعت اداری (بجز روزهای پنجشنبه و ایام تعطیل) پس از هماهنگی به شرکت فولاد هرمزگان مراجعه نمایند و یا با ارسال فیش واریزی از طریق فکس به شماره ۰۷۶-۳۳۵۳۰۰۵۵ و یا آدرس ایمیل Nikhalat.m@hosco.ir اسناد را از طریق الکترونیکی دریافت نمایند.
ارائه معرفی‌نامه، داشتن مهر شرکت (اشخاص حقوقی) و رسید واریزی هزینه خرید اسناد جهت دریافت حضوری اسناد الزامی است.

محل دریافت اسناد:
بندرعباس، کیلومتر ۱۳ جاده اسکله شهید رجایی، شرکت فولاد هرمزگان جنوب، واحد خرید مواد مصرفی و فروش کالای مازاد.

جدول زمانی انجام مزایده:

تاریخ شروع فروش اسناد	تاریخ پایان فروش اسناد	آخرین مهلت تحویل پاکت‌های مزایده	تاریخ گشایش پاکت‌ها
۱۴۰۲/۰۱/۲۶	۱۴۰۲/۰۲/۰۵	۱۴۰۲/۰۲/۱۰ تا ساعت ۱۲:۰۰	۱۴۰۲/۰۲/۱۲

متقاضیان برای آگاهی بیشتر می‌توانند در ساعات اداری با شماره تلفن ۰۷۶-۴۴۸۴۸۸۱۳ تماس حاصل فرمایند و یا به سایت فولاد هرمزگان به آدرس www.hosco.ir مراجعه نمایند.
جهت حضور افراد در فولاد هرمزگان و بازدید از موضوع مورد مزایده، هماهنگی با شماره فوق (۴۸ ساعت قبل از حضور) الزامیست.
هزینه درج آگهی با برنده مزایده می‌باشد.

روابط عمومی شرکت فولاد هرمزگان جنوب

مزایده عمومی
شرکت فولاد هرمزگان جنوب

شماره مزایده ۰۲۰۴۰۲

موضوع مزایده: غبار دیداستینگ

ردیف	شماره مزایده	شرح کالا	واحد	مقدار	مبلغ ضمانت شرکت در مزایده (ریال)
۱	۰۲۰۴۰۲	غبار دیداستینگ	کیلوگرم	۹۴.۰۰۰.۰۰۰	۲.۸۲۸.۰۰۰.۰۰۰

نحوه شرکت در مزایده:
کلیه اشخاص حقوقی برای شرکت در مزایده می‌توانند جهت بازدید و دریافت اسناد مزایده مبلغ ۵۰۰/۰۰۰ ریال به حساب ۰۱۱۱۱۱۱۱۰۰۰۰۸ بنام شرکت فولاد هرمزگان جنوب، نزد بانک ملی شعبه گمرک بندرعباس واریز نموده و با ارائه فیش واریزی و درخواست کتبی در ساعت اداری (بجز روزهای پنجشنبه و ایام تعطیل) پس از هماهنگی به شرکت فولاد هرمزگان مراجعه نمایند و یا با ارسال فیش واریزی از طریق فکس به شماره ۰۷۶-۳۳۵۳۰۰۵۵ و یا آدرس ایمیل Nikhalat.m@hosco.ir اسناد را از طریق الکترونیکی دریافت نمایند.
ارائه معرفی‌نامه، داشتن مهر شرکت (اشخاص حقوقی) و رسید واریزی هزینه خرید اسناد جهت دریافت حضوری اسناد الزامی است.

محل دریافت اسناد:
بندرعباس، کیلومتر ۱۳ جاده اسکله شهید رجایی، شرکت فولاد هرمزگان جنوب، واحد خرید مواد مصرفی و فروش کالای مازاد.

جدول زمانی انجام مزایده:

تاریخ شروع فروش اسناد	تاریخ پایان فروش اسناد	آخرین مهلت تحویل پاکت‌های مزایده	تاریخ گشایش پاکت‌ها
۱۴۰۲/۰۱/۲۶	۱۴۰۲/۰۲/۰۵	۱۴۰۲/۰۲/۱۰ تا ساعت ۱۲:۰۰	۱۴۰۲/۰۲/۱۲

متقاضیان برای آگاهی بیشتر می‌توانند در ساعات اداری با شماره تلفن ۰۷۶-۴۴۸۴۸۸۱۳ تماس حاصل فرمایند و یا به سایت فولاد هرمزگان به آدرس www.hosco.ir مراجعه نمایند.
جهت حضور افراد در فولاد هرمزگان و بازدید از موضوع مورد مزایده، هماهنگی با شماره فوق (۴۸ ساعت قبل از حضور) الزامیست.
هزینه درج آگهی با برنده مزایده می‌باشد.

روابط عمومی شرکت فولاد هرمزگان جنوب

آگهی استعلام عمومی شماره ۴۰۲/۰۲/س

شرکت معدنی و صنعتی گل گهر (سهامی عام) در نظر دارد "اندازه‌گیری عوامل زیست محیطی در هوا و پساب تصفیه‌خانه‌های فاضلاب بهداشتی (طرح خوداظهاری در پایش سازمان حفاظت محیط زیست" را از طریق برگزاری استعلام عمومی به پیمانکار واجد شرایط واگذار نماید. لذا کلیه متقاضیان می‌توانند جهت اخذ اسناد استعلام به آدرس الکترونیکی WWW.GEG.IR مراجعه و اسناد مذکور و دستورالعمل ارزیابی کیفی و فنی را به همراه فرم پرسشنامه ارزیابی تأمین کنندگان از قسمت - مناقصه و مزایده دانلود نمایند. مهلت تحویل پاکات ساعت ۹ الی ۱۴ روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۲/۰۲/۱۰ در محل دفتر کمیسیون معاملات مجتمع و یا دبیرخانه دفتر مرکزی تهران می‌باشد. لازم به ذکر است شرکت معدنی و صنعتی گل گهر در قبول و یا رد هر یک یا تمام پیشنهادات واصله بدون نیاز به ذکر دلیل و بدون جبران خسارت مختار می باشد.

کمیسیون معاملات شرکت معدنی و صنعتی گل گهر

سر مقاله

اقتصاد بیمار



ناصر بزرگمهر
nbozorgmehr@yahoo.com
به نام او که هرچه بخواهد همان می‌شود

اقتصاد بیمار است و اقتصاد بیمار با شعار دولتی‌ها و دکترهای معدل ۱۹ و مهندس‌های معدل ۲۰ دانشگاه نرفته و کنکور نداده و درس نخوانده، خوب نمی‌شود.

اقتصاد بیمار است و اقتصاد بیمار با وعده بخش خصوصی طماع و اتاق‌های صبحانه‌خوری رانتی با گذشته‌ای پر ابهام و سوال‌برانگیز خوب نمی‌شود.

اقتصاد بیمار با تقسیم‌بندی خودی و نخودی و بیخودی و دولتی و نیمه‌دولتی و کاملا دولتی و ۴۹ درصد دولتی و خصوصی و خصولتی و ۹۹ درصد خصوصی و انواع تقسیم‌بندی‌های دیگر و درصدهای من درآوردی خوب نمی‌شود.

دولتی‌ها باید حد و مرز خود را با بخش سرمایه‌داری حفظ و خط و ربط خود را مشخص کرده و خط قرمز دولت با بخش خصوصی را به صراحت تعیین و اعلام کنند.

دولت باید فریادهای مردم و اظهارنظرهای اساتید و یادداشت‌های کارشناسان و دلسوختگان را بشنود و بخواند و یاد بگیرد و عمل کند.

تاریخ هر روز فرصت مسئولیت و وزارت و ریاست را به ما نخواهد داد، بهتر است قدر این ریاست‌ها و وزارت‌ها و معاونت‌ها و مدیریت‌ها را بدانیم و شکرگزار خداوند رحمان باشیم که این فرصت‌ها را برای ما فراهم کرده و یک بار دیگر با مردم و برای مردم کار و تلاش کنیم.

اقتصاد و تجارت و گمرک و بورس و صنعت و معدن و کشاورزی و خودرو و ارز و سکه و طلا و بانک و نان و گوشت و مرغ و برنج و میوه و شیر و ماست و پوشاک و حمل‌ونقل و لوازم خانگی و کاغذ و کتاب و لوازم‌التحریر و چند قلم ناقابل دیگر چندهزارتایی بزرگ و کوچک، در بدترین شرایط قیمتی خود در طول تاریخ حیات خودشان در این سرزمین قرار گرفته‌اند که صدای عالم و آدم را در آورده است.

اینکه ریاست محترم مجلس بفرمایند که افتخارشان این است که از ۴۰ روز قبل می‌دانستند که قیمت‌ها چنین و چنان خواهد شد، چه افتخاری دارد؟

اینکه ریاست محترم جمهوری هر جلسه هیات دولت دستور بفرمایند که قیمت‌ها رشد نکند و قیمت اقلام موردنیاز مردم ثابت بماند و ارز و طلا و سکه ارزان شود و در مقابل، قیمت‌ها گوش نکنند و هر روز از ارزش ریال کاسته شده و قیمت جدیدی اعلام شود، چه مشکلی از مردم حل می شود؟

اینکه معاون اول محترم فرمان بدهد که قیمت خودرو تغییر نکند و خودروها، حتی قیمت این پراید فکسنی، حرف گوش نکنند و دوبرابر و سه‌برابر بشوند و وزارت صمت و شورای رقابت و خودروسازان و واردکنندگان، کار خودشان را بکنند و بازار بر سبیل دلال‌ها بچرخد و بچرخد، چه سودی برای خریداران در به در به همراه می‌آورد؟

اینکه مرغ رئیس بانک مرکزی همچنان یک پا داشته باشد و ایشان دلار ۲۸۵۰۰ تومانی را باور داشته و دلارهای ۵۰ و ۶۰ هزارتومانی را قبول نداشته باشد، چه مشکلی از مسافر درمانده‌ای که باید از بازار آزاد همان ۵ هزارتای دستوری را بخرد، حل می‌کند؟

اینکه وزیر صمت، از همه حوزه بزرگ خود، از صبح تا شب فقط دنبال خودرو باشد و خودرو هم، کار خودش را بکند و هر روز بی‌کیفیت‌تر از قبل و ده‌ها برابر قیمت جهانی و ارزش خود به دست مشتری برسد، چه خاصیتی برای مردم دارد؟

اینکه وزیر مسکن فکر کند صد روزه و صدساله می‌تواند مشکل مسکن و این قیمت‌های نجومی را با شعار مهرورزی و مسکن مهرسازی حل کند و آرزوی مسکن را برای هزاران جوان که اگر درآمد همه عمر خود را جمع کنند به چندمتر هم نخواهد رسید، حل خواهد کرد، به چه درد جوانی که در پیری هم صاحبخانه نخواهد شد، خواهد رسید؟

اینکه ریاست بورس فرمایشی، در خدمت چند خودروساز قرار بگیرد و برای اولین بار در تاریخ بورس جهان، مرکز بورس را به مرکز مزایده تغییر بدهد و برای خرید فروش اتومبیل، چکش بزند و کشف قیمت کند، چه مشکلی از این سرزمین را حل کرده است؟

حاکمیت باید باور کند که اقتصاد، دستوری، فرمایشی و دلبخواهی نیست، اقتصاد یک علم است که بر پایه داد و ستد و عرضه و تقاضا شکل می گیرد و پیچیدگی‌های خاص خودش را در جهان امروز دارد.

حاکمیت باید باور کند که بسیاری از منتقدان و کارشناسان ساده و روزنامه‌نگاران و امثالهم، از اساتید توده‌ای با تفکر کمونیستی و سرمایه‌داران اتاق‌های پستودار پنج‌دری بخش خصوصی که فقط به منافع شخصی می‌اندیشند و حتی بعضی از دولتمردان، دلسوزتر به این سرزمین ومردم ومنافع ملی هستند و باید دست همکاری آنها را صمیمانه‌تر بفشارد، قبل از آنکه خیلی دیر بشود.

واکنش فعالان اقتصادی به برنامه دولت برای استفاده از نظر بخش خصوصی را بررسی کرد

تغییر رویه با سناریوهای تکراری

از نیمه فروردین و با پایان تعطیلات نوروزی نشست‌ها و دیدارهای رئیس‌جمهوری به عنوان رئیس دولت سیزدهم با مسئولان بخش‌های مختلف آغاز شده و تولیدکنندگان و کارآفرینان برتر کشور نیز یکی از گروه‌های برگزاری این نشست بودند. در این نشست سیاست‌های اقتصادی دولت از سوی رئیسی و وزرای اقتصادی وی عنوان شد و کارآفرینان و تولیدکنندگان نیز به تشریح مشکلات و نظرات خود در زمینه راهکارهای رفع موانع و رونق تولید پرداختند.

یکی از ابعاد قابل توجه این نشست تاکید دولت بر تسریع بررسی و رفع موانع تولید بود که رئیس دولت نیز برای تحقق این هدف و رفع مشکلات، وعده برگزاری جلسات مشترک با تولیدکنندگان و کارآفرینان را داد و مقرر کرد به‌منظور اطمینان از اجرایی شدن خواسته‌های تولیدکنندگان و کارآفرینان تا پایان سال این نشست تکرار و حداقل به صورت فصلی برگزار شود.

رئیس‌جمهوری حمایت مالی و تامین اعتبارات، حمایت حقوقی و رفع موانع اداری و سامان دادن به بخشنامه‌های متعدد و متکثر را سه اولویت اصلی دولت برای حمایت از تولیدکنندگان و کمک به رشد تولید در کشور عنوان کرد و گفت: دولت همچنین در راستای وظایف خود نظارت بر زنجیره تولید تا مصرف را در دستور کار دارد، اما معتقد به نظارت سطح‌بندی شده و اثربخش است، نه نظارت موازی که خود از موانع پیش روی تولیدکننده و کارآفرین محسوب می‌شود.

رئیس‌جمهوری با بیان اینکه هنوز بسیاری از ظرفیت‌های کشور در مسیر تولید به کار گرفته نشده، بر توجه جدی دولت به بخش خصوصی و تعاونی‌ها تاکید کرد و گفت: معتقدیم میدان اقتصاد باید در اختیار بخش خصوصی، تولیدکنندگان و کارآفرینان باشد و دولت صرفا نقش هدایت، حمایت و نظارت و تنظیم‌گری را بر عهده داشته باشد.

رئیس‌جمهوری همچنین بخشی از زمان سخنرانی خود را به تعداد دیگری از تولیدکنندگان و کارآفرینان حاضر در این نشست برای طرح مشکلات ارزی‌شان با رئیس بانک مرکزی اختصاص داد و دکتر فرزین، رئیس کل بانک مرکزی پس از شنیدن مسائل و مشکلات آنان در سخنانی به تشریح اقدامات صورت گرفته از سوی بانک مرکزی برای تامین ارز تولیدکنندگان، تثبیت نرخ ارز و مدیریت منابع ارزی کشور پرداخت. سید احسان خاندوزی، وزیر اقتصاد نیز در این نشست در سخنان کوتاهی با تاکید بر عزم وزارت اقتصاد برای کاهش ریسک‌های اقتصادی تولید، از جلوگیری از تغییر بخشنامه‌های تسهیل‌کننده فعالیت تولیدکنندگان به‌ویژه در حوزه گمرکات کشور از نخستین روز کاری سال جدید خبر داد.

«تلاش برای رفع دغدغه تولیدکنندگان در مسئله قیمت‌گذاری با نگاه حمایت توامان از تولیدکننده و مصرف‌کننده»، «ایجاد تعامل و تعادل بیشتر بین بخش خصوصی و دولت»، «پیگیری و رفع سریع مشکلات تولیدکنندگان با تلاش کارگروه تعیین ماهیت»، «بررسی و تجدیدنظر وزارت صمت در فروش مواد اولیه تولیدکنندگان در بورس کالا»، «خروج مدیریت دولتی از شرکت‌هایی که سهام آنها به بخش خصوصی واگذار شده»، «تاکید بر ممنوعیت واردات کالاهایی که امکان تولید آن در کشور وجود دارد» و «حمایت عملی از شرکت‌های دانش‌بنیان با محوریت معاونت علمی ریاست جمهوری» از دیگر محورهای سخنان رئیس‌جمهوری، ناظر به درخواست‌های تولیدکنندگان و کارآفرینان برتر کشور در این نشست بود که دستگاه‌های اجرایی مربوطه از سوی رئیسی مکلف به پیگیری و اجرای آنها شدند.

در پرونده این شماره صمت در گفت‌وگو با کارشناسان حوزه‌های مختلف سعی در پاسخگویی به چند سوال کلیدی داریم. اینکه اساسا جایگاه بخش خصوصی در اقتصاد ایران چقدر است و در نقطه مقابل عملکرد این بخش در اقتصاد تا امروز چقدر قابل دفاع بوده است؟

در بعدی دیگر طرف مشورت قراردادن فعالان اقتصادی و تولیدکنندگان با چه نگاهی دنبال می‌شود؟ آیا نظرات تمام کارشناسان و فعالان اقتصادی از تمام طیف‌ها و جناح‌های موافق و مخالف جویا و در نظر گرفته می‌شود یا دست‌چین افراد هم‌نظر در این بخش نیز اتفاق می‌افتد؟

همچنین حتی در صورت طرف مشورت قرار گرفتن فعالان اقتصادی و تولیدکنندگان، در نهایت تصمیمات کلان و موثر اقتصادی پشت درهای بسته گرفته می‌شود و یا به درستی با اعمال نظر کارشناسی این مسیر طی خواهد شد؟

برای پاسخ به این سوالات و بخشی دیگر از سوالات با این پرونده صمت همراه شوید.

یادداشت

شرایط فعلی، ماحصل کژکارکردی اقتصاد در چند دهه است

سیدمحمد بحرینیان - پژوهشگر توسعه صنایع:

طبق اصل ۴۴ قانون اساسی، بخش خصوصی جزو سه بخش اصلی اقتصاد کشور است، اما متاسفانه امروز بخش خصوصی را عمدتا زینت‌المجالس می‌بینند و با بزک کردن واژه‌هایی ازجمله «عمومی غیردولتی» که به خصولتی مشهور شده و هیچ جایگاهی نیز در قانون اساسی ندارد، توانسته بر بخش عظیمی از اقتصاد سلطه یابد.

به نظرم اگر تحقیق مستقل دانشگاهی در این خصوص صورت پذیرد، بیم آن دارم این احتمال بالا باشد که ثابت شود صعود موارد فساد و رانت‌خواری‌های عظیم در کشورمان از همین‌جا نشات گرفته باشد. تجربه نشان می‌دهد که در بیش از یک سده گذشته هیچ‌یک از دولت‌ها آنچنان که شایسته و بایسته بوده، با بخش خصوصی همراهی لازم را نداشته‌اند، این مسئله درخصوص قوانین کشور نیز صدق می‌کند. در عرصه عمل، تصمیم‌سازی‌ها و اقدام‌ها عمدتا ضدتولید تلقی می‌شوند؛ حتی قوانینی نیز که در راستای حمایت از تولید تدوین شده‌اند، روی عمل به خود نمی‌بینند. با این اوصاف، بخش خصوصی باید به مدد ظرفیت‌های خود که برجسته‌ترین آن نهادی مهم همچون اتاق بازرگانی است و میراث هویتی آن بیش از یک‌صد سال قدمت دارد؛ مسیر مطالبه‌گری را پُرتوان‌تر دنبال کند.



با سوءاستفاده از نام بخش خصوصی طی دو دهه گذشته، اقدامات نامبارکی در اقتصاد ما رقم خورده است که وضعیت اسفناک امروز اقتصاد ما بی‌ارتباط با این اتفاقات نیست.

امروز باید نام بخش خصوصی را از میان افراد سودجو و ذی‌نفعی که منافع فردی و نه ملی را دنبال می‌کنند، بیرون کشید. درحال‌حاضر، خصوصی‌سازی به شکل خصولتی‌سازی آفتی بزرگ برای اقتصاد ما شده و بازی با واژه‌ها محلی برای کسب منافع نامشروع شده است.

دموکراسی ناپخته‌ای که متکی به توسعه اقتصادی و صنعتی شدن کشور نبوده و عدم گذراندن مراحل انقلاب صنعتی غرب که طی چند سده شکل گرفت، به این موضوع انجامید که گاهی قوه مقننه، تبدیل به کارخانه قانون‌گذاری و قوای مجریه تبدیل به کارخانه دستورالعمل‌سازی شدند. ما مدرنیته را از طریق مصرف آموختیم و نه از مسیر تولید. طی این یک سده شاهدیم که شاخص‌های کمی مورد افتخار و نمایش قرار می‌گیرد، اما شاخص‌های کیفی مورد غفلت هستند.

هر چند به یقین باید اشاره کرد طی پنج دهه گذشته به‌هیچ‌عنوان شاخص‌های کمی رشد اقتصادی، درآمد سرانه، سرمایه‌گذاری‌های مولد و تورم قابل دفاع نیستند، آن‌هم برای کشوری که ادعای حرکت به سوی توسعه اقتصادی را دارد و بخش خصوصی با جدیت منتقد سیاست‌هایی است که این وضعیت را رقم زده است، زیرا میلیاردها دلار منابع ارزی طی این سال‌ها در اختیار داشته‌ایم، اما به ناکارآمدترین شکل ممکن شاخص‌های نازلی در سطوح ذکر شده، رقم زده‌ایم. از این رو تعارضات بی‌شماری بین قوانین عموما غیرکیفی و دستورالعمل‌ها و آیین‌نامه‌های ناقص قابل تفسیر و کشدار را شاهدیم و نتیجه آن همین وضعیت اقتصادی کشور است.

همچنین قانون اساسی سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی را ارکان اقتصاد کشور می‌داند، اما می‌بینیم که در عمل در تصمیم‌گیری‌ها هیچ نقش موثری را برای بخش خصوصی قائل نیستند و رای آنها اثری ندارد.

این درحالی است که وفق داده‌های رسمی مرکز آمار در سالنامه ۱۳۹۹ در صفحه ۲۰۱، بیش از ۸۵ درصد اشتغال کشور را بخش خصوصی ایجاد کرده است، ولی تصمیم‌گیران کشور تمایلی برای به رسمیت شناختن این سهم از مشارکت بخش خصوصی در اقتصاد را ندارند و عملا بخش خصوصی را فقط در مواقع بحران برای یاری می‌طلبند.

به نظر می‌رسد دولت‌ها هرگاه از مشکلات فارغ می‌شوند، حقوق و حضور این بخش را در مراکز تصمیم‌گیری‌های اقتصادی به رسمیت نمی‌شناسند و واژه خصوصی‌سازی هم طی حداقل دو دهه گذشته محلی برای کسب رانت و منافع خاص برای عده‌ای ذی‌نفع شده است و دیدیم که چگونه به‌عنوان نمونه در حوزه بانکی این نوع به‌اصطلاح خصوصی‌سازی، ضربه‌های مهلکی بر پیکره توزیع منابع پولی کشور زد و منجر به گسترش فسادهای بی‌حد و اندازه شد و آنچه به محاق رفت، بخش تولید واقعی کشور در پس این نوع تصمیم‌گیری‌ها و سوءاستفاده از واژه خصوصی‌سازی بود.

بدون شک شرایط فعلی جامعه ماحصل کژکارکردی اقتصاد در چند دهه است که برضرورت تغییر رویه‌ها صحه می‌گذارد. این کژکارکردی ماحصل دهه‌ها فقر اندیشه، درماندگی نظری، نداشتن دانش کاربردی و نابلدی در تدوین برنامه و راهبرد برای توسعه کشور است.

نظرگاه

سنگینی سایه سیاست بر اقتصاد

غلامحسین شافعی - فعال بازرگانی:



تحول در اقتصاد کشور و استان از واسپاری امور به مردم و دست کشیدن دولت از تصدی‌گری و رقابت با بخش خصوصی آغاز می‌شود. البته که همه این‌ها در یک بستر مشترک قابل تحقق خواهد بود و آن «اعتماد» دولت و بخش خصوصی به همدیگر است.

البته همچنان فاصله آنچه باید در سایه فعالیت بخش خصوصی اتفاق بیفتد، با آنچه اکنون شاهد آن هستیم، بسیار است. میزان تاثیرگذاری بخش خصوصی نیز در مجامع و شوراها بسیار اندک است؛ گرچه نظر بخش خصوصی در این مجامع منعکس می‌گردد؛ ولی در بسیاری موارد انگار شنیده نمی‌شود و گاها یک رای بخش خصوصی در مقابل ده‌ها رای نمایندگان دولت نمی‌تواند اثرپذیری قابل توجهی ایجاد کند. بنابراین به نظر می‌رسد بازتعریف جایگاه بخش خصوصی در اقتصاد و ارتقای ظرفیت نقش‌آفرینی آن، زمینه‌ساز «توسعه» خواهد بود. وزن‌دهی به نظرات بخش خصوصی، ضرورتی است که باید مورد توجه نهادهای متولی تصمیم‌ساز قرار بگیرد. نمی‌توان وعده رشد اقتصادی داد منهای توجه به بنیان‌ها و ظرفیت‌ها و حتی اقضائات موجود. اقتصاد رو به توسعه در گرو بخش خصوصی توانمندی است که مقابل هر گام خود یک سد یا مانع نبیند. در این بین از ظرفیت حضور بخش‌خصوصی در بازارهای جهانی و البته موانع آن نیز نمی‌توان به راحتی گذشت. سال‌هاست که در حوزه اقتصاد بین‌الملل، با مسائل و مشکلات فراوانی روبه‌رو هستیم. در اصل شکاف تکنولوژیکی مورد استفاده در بخش تولید و عدم استفاده از فناوری‌های جدید، کالاها را هم از نظر کیفیت و هم قیمت، غیررقابتی نموده است؛ به طوری که سهم کمتر از یک درصدی صادرات کالاهای با فناوری بالا را شاهدیم. علاوه بر آن، تحریم‌های ظالمانه در بخش‌های بانکی، حمل‌ونقل، بیمه و... ما را با دشواری در بازارهای جهانی روبه‌رو کرده است. متاسفانه در چنین شرایطی آنچه مزید بر علت شده، اتخاذ سیاست‌های اشتباهی است که به جای تسهیل در امر صادرات، مستمر و مداوم تنگنا ایجاد نموده است. این درحالی است که دیپلماسی قوی اقتصادی، توسعه مناسبات در این بخش را به دنبال دارد و ارتقای این تعاملات است که پایداری روابط سیاسی را رقم می‌زند. امروزه در بسیاری کشورهای توسعه‌یافته، سیاست در خدمت اقتصاد است؛ اما در کشور ما متاسفانه اقتصاد همواره به سیاست یارانه داده و سایه بزرگ سیاست، بر سر اقتصاد سنگینی می‌کرده است. این عارضه کلیدی، باید مورد توجه و دقت سیاست‌گذارانی باشد که آینده بهتری را برای اقتصاد وعده می‌دهند. در جلسات متعددی مسئولان کشور از ما می‌پرسند که برای بهبود وضعیت اقتصادی کشور چه باید کرد؟ در یک کلام پاسخ ما این است که حل مشکل اقتصادی کشور و بهبود وضعیت اقتصادی عموم مردم نیازمند سرمایه‌گذاری‌های اصلی در بخش‌های زیربنایی و تسهیل دسترسی به فناوری‌های به‌روز است. وی برای ترسیم شرایط موجود، رجوع به برخی آمار کمک‌کننده خواهد بود. طبق محاسبات انجام شده، درآمد سرانه ایران از سال ۲۰۱۰ (طی دهه ۹۰) روند کاهشی داشته و طی این دهه تقریبا ۳۰ درصد کم شده است. همچنین به استناد ارقامی که مسئولان اعلام نموده‌اند؛ حدود ۱۰ میلیون ایرانی زیر خط فقر قرار دارند. این ارقام نگران‌کننده هستند و گواه تشدید چالش معیشتی برای عمده جامعه می‌باشد. معیشت جامعه در پیوند با مسائل اقتصادی کشور است و اگر اقتصاد کشور تحلیل برود، نشانه‌های آن در سفره مردم بروز می‌کند. پاره‌ای آمارهای هشداردهنده دیگر هم وجود دارد که نمی‌توان از اقتصاد حرف زد و از آنها چشم‌پوشی نمود. به اذعان نهادهای متولی، درحال‌حاضر استهلاک سرمایه در ایران از حجم سرمایه‌گذاری پیشی گرفته است. با توجه به حجم طرح‌های عمرانی نیمه‌تمام در کشور که بعضا قدمت زیادی هم دارند، باید اذعان کرد که اقتصاد ایران برای بازسازی مسیر توسعه خود، کار سختی پیش رو خواهد داشت. از طرفی نمی‌توان انکار کرد که در این سال‌ها، حجم بی‌اعتمادی و نااطمینانی مرتب افزایش یافته و برای دسترسی به فناوری‌های جدید، مستمرا با محدودیت‌های بیشتری مواجه شده‌ایم. ریشه بخشی از این وضعیت نامطلوب در کند شدن و توقف روند سرمایه‌گذاری و رشد تولید در کشور است که به انضمام ده‌ها معضل دیگر، شرایط اقتصاد کشور را دشوار و آینده آن را مبهم نموده است. همچنین با وجود همه زحمات سیاست‌گذاران در قوای مختلف، طبق آخرین گزارش پایش ملی محیط کسب‌وکار در ایران، شاخص ملی محیط کسب‌وکار نسبت به گذشته نامساعدتر شده است. نااطمینانی سَم مُهلکی برای تصمیمات اقتصادی است. عارضه‌ای که هم ریشه در سیاست‌های اقتصادی داخلی دارد و هم در تحریم‌های ظالمانه خارجی. واقعیت آن است که هنوز همانند گذشته ماهیت سیاست‌های اقتصادی دولت برای بخش خصوصی روشن نیست. سیاست‌های دولت و مجلس درباره قیمت‌گذاری انرژی و خوراک برای صنایع چیست؟ سیاست کشور درباره نرخ ارز، نرخ سود بانکی، قیمت‌گذاری کالا و خدمات و انواع نهاده‌های تولیدی چیست؟ منطق سیاست‌های مالیاتی دولت و مجلس چیست؟ وضعیت بورس که دماسنج اقتصاد نامیده می‌شود در دو سال اخیر به وضوح نتیجه سردرگمی سیاست‌های اقتصادی و راهبردهای سیاسی کشور را نشان می‌دهد. بدون چشم‌انداز روشنی درباره این سیاست‌ها، یک فعال اقتصادی نمی‌تواند تصمیمات میان‌مدت و بلند مدت اخذ نماید.

آنچه مسلم است مردم نتیجه سیاست‌های اتخاذشده دولت‌ها را در زندگی خود می‌بینند. ممکن است بخشی از اقدامات، با انگیزه‌های بسیار خوب و تلاش‌های فراوانی انجام شده باشد؛ اما چون بر اساس یک نقشه راه مشخص با تفاهم عمومی حرکت نشده، به رضایت عمومی و توسعه و رفاه ختم نشده است. مشکلات اقتصادی ایران محصول بینش‌های نادرست درباره اقتصاد و مدیریت اقتصادی بوده نه فقدان دانشمندان اقتصادی یا بسته‌های سیاستی. برای توسعه اقتصادی نیازمند نهادسازی‌های نوین هستیم؛ نه بی‌ثباتی در مدیریت‌های کلان و تغییرات بی‌حاصل. در واقع اتخاذ رویکردهای دولتی‌زده تکراری که بسیار گرفتار آن بوده‌ایم، چاره کار نیست.

در نهایت اینکه توسعه اقتصادی کشور به معنای واقعی بیش از آنکه نیازمند حمایت‌های مالی باشد، نیازمند دولت، مجلس و قوه قضاییه‌ای است که توسعه‌گرا باشند؛ قوایی که حرف دانشگاهیان و فعالان اقتصادی را بشنوند، قول و قرارشان معتبر باشد و مبنای امور را در روابط بین‌المللی، منافع ملی کشور قرار دهند و حقوق مالکیت را نیز رعایت نمایند.

رسالت این نهادها آن است که اقتصاد را پیش‌بینی پذیر کنند و مدیریت یک‌طرفه دولتی را به یک جاده دوطرفه تبدیل نمایند و بپذیرند که توسعه اقتصادی و گسترش رفاه عمومی که راه عبور از بحران‌های اجتماعی به شمار می‌رود، بدون مشارکت جدی بخش خصوصی امکان‌پذیر نیست.

«آگهی مناقصه عمومی خرید انرژی برق مورد نیاز سایت سیرجان شرکت مجتمع جهان فولاد سیرجان از نیروگاه‌های خود تامین»

«مناقصه شماره ۰۲۱۶-خ-م»

شرکت مجتمع جهان فولاد سیرجان در نظر دارد نسبت به خرید انرژی برق مورد نیاز سایت سیرجان از طریق برگزاری مناقصه عمومی اقدام نماید؛ لذا از تمامی نیروگاه‌های خود تامین معتبر که دارای توانایی مناسب، سوابق و تجارب مورد قبول می‌باشند، دعوت به عمل می‌آید اسناد مناقصه را از طریق مراجعه به آدرس اینترنتی WWW.SJSCO.IR دریافت نمایند.

شرایط:
۱. آخرین فرصت تحویل پاکات: حداکثر تا پایان وقت اداری روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۲/۰۲/۰۴.
۲. تضمین شرکت در مناقصه مبلغ ۱۰۰،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰ (یکصد میلیارد) ریال چک صیادی شرکتی ثبت شده.
۳. شرایط تحویل: تحویل در پست ۴۰۰ کیلوولت اختصاصی شرکت مجتمع جهان فولاد سیرجان واقع در کرمان، شهرستان سیرجان، کیلومتر ۵۰ جاده سیرجان- شیراز، کیلومتر ۲ جاده اختصاصی گل گهر
۴. محل تحویل پاکات: استان کرمان، شهرستان سیرجان، دبیرخانه کمیسیون معاملات شرکت مجتمع جهان فولاد سیرجان و استان تهران، شهر تهران، دفتر شرکت مجتمع جهان فولاد سیرجان.
۵. شرکت مجتمع جهان فولاد سیرجان در قبول یا رد هر یک از پیشنهادات مختار می‌باشد.
۶. هزینه چاپ آگهی، بر عهده برنده مناقصه می‌باشد و ارائه اسناد و مستندات مذکور هیچگونه حقی برای متقاضیان ایجاد نمی‌کند.
۷. جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره‌های ۰۹۹۱۲۹۳۸۳۱۷ و آدرس ایمیل TENDER@SJSCOSTEEL.COM ارتباط برقرار نمایند.

دبیرخانه کمیسیون معاملات شرکت مجتمع جهان فولاد سیرجان

جایگاه جهانی ایران در شاخص عملکرد رقابت صنعتی بررسی شد

رتبه ۵۵ ایران در بین ۱۵۴ کشور

وقتی صحبت از تولید می‌شود بدون شک اهمیت رشد اقتصادی به‌عنوان بارزترین شاخصی که قدرت و توان تولید یک کشور را نشان می‌دهد، برجسته می‌شود. واقعیت این است که رشد اقتصادی مبنای رسیدن به رفاه کل جامعه است. البته نمی‌توان حضور عوامل دیگری مانند سیستم عادلانه توزیع ثروت در تحقق این امر را منکر شد، اما از نظر درجه اهمیت بدون شک رتبه اول با رشد اقتصادی است. برهمین اساس بسیاری از کارشناسان معتقدند اگر افزایش توان رقابت صنعتی و به‌طور کل رقابت‌پذیری اقتصاد کشور در داخل و سطح بین‌الملل هدف باشد، باید از طریق خصوصی‌سازی واقعی و با عبور از اقتصاد دولتی فضا را برای شکل‌گیری یک اقتصاد رقابتی فراهم کنیم.



عکس: آیدا فریدی

در گزارش ۲۰۲۲ یونیدو، رتبه ایران در شاخص عملکرد رقابت صنعتی طی سال‌های ۲۰۱۶ تا ۲۰۲۰، بین ۵۲ تا ۵۷ متغیر بوده و رتبه آن در سال ۲۰۲۰ از ۱۵۴ کشور، ۵۵ بود که نسبت به سال ۲۰۱۹ تغییری نداشت

تمرکز بر یک شاخص مهم جهانی

شاخص عملکرد رقابت صنعتی یکی از شاخص‌هایی است که یونیدو (سازمان توسعه صنعتی ملل متحد) برای ارزیابی توان رقابت و عملکرد صنعتی اقتصادهای گوناگون مورداستفاده قرار می‌دهد.

در این شاخص با بهره‌گیری از مجموعه‌ای از زیرشاخص‌های مرتبط توان تولید و صادرات کالاهای صنعتی یک کشور موردارزیابی قرار گرفته و با سایر کشورها مقایسه می‌شود که این شاخص‌ها عبارتند از سرانه ارزش‌افزوده صنعت (دلار ۲۰۰۵)، سرانه صادرات صنعت دلار جاری، سهم ارزش‌افزوده صنعتی از تولید ناخالص داخلی، سهم کالاهای صنعتی با تکنولوژی متوسط و بالا در ارزش‌افزوده صنعت، سهم صادرات صنعت در کل صادرات، سهم کالاهای با فناوری متوسط و بالا در صادرات صنعت، سهم از کل ارزش‌افزوده صنعت جهان و سهم از کل تجارت صنعت جهان.

عوامل موثر بر افزایش رشد اقتصادی

افزایش رشد اقتصادی خود به عوامل مختلفی از جمله میزان سهم دولت و بخش خصوصی در اقتصاد بستگی دارد. برخی معتقدند رشد سریع اقتصادی از طریق واگذاری تصمیم‌گیری‌های اقتصادی بر عهده افراد یا نهادهای خصوصی که با هم در حال رقابت هستند، میسر است.

طرفداران این دیدگاه دولت را کارفرمای اقتصادی خوبی نمی‌دانند و معتقدند بهره‌وری فعالیت‌های اقتصادی دولت به مراتب پایین‌تر از بخش غیردولتی است و مقررات و مداخله دولت، به‌ویژه در بازارهای سرمایه و کار و کالاهای قابل تجارت مانع از آن می‌شود که افراد و بنگاه‌ها، سودبخش‌ترین راه‌های سرمایه‌گذاری را آزادانه انتخاب کنند.

در مقابل دیدگاه مخالفی نیز وجود دارد که دخالت دولت را مثبت ارزیابی می‌کند. این گروه به‌دلیل توان دولت در هماهنگ کردن سلیقه‌های فردی و اجتماعی و در عین حال، ایجاد امنیت و افزایش سرمایه‌گذاری‌های موثر و فراهم کردن جهت‌های اجتماعی مطلوب برای رشد و توسعه اقتصادی از نکات عمده‌ای است که دخالت دولت در امور اقتصادی را توجیه می‌کند.

البته استدلال یادشده درست است ما به‌هیچ‌عنوان نمی‌تواند به معنای کارفرمایی دولت، به‌ویژه در تولید تعبیر و تفسیر شود. دولت باید در اقتصاد دخالت کند، اما نه به‌عنوان مالک کارخانه‌ها و کارگاه‌ها و در کسوت کارفرما بلکه به‌عنوان ناظر و کنترل‌کننده.

سهم دولت از صنعت

آنچه در اقتصاد ایران در جریان است ایفای نقش دولت یا نهادهای زیرمجموعه به‌عنوان کارفرمای صنایع بزرگ و کوچک است. یکی از شاخص‌های اندازه‌گیری حجم و اندازه دولت، شاخص نسبت بودجه کل کشور به GDP است. هراندازه حجم سهم دولت (در بودجه) از ظرفیت اقتصادی کشور (تولید ناخالص داخلی) بیشتر باشد، درجه بالای دولتی بودن اقتصاد و درجه و سهم کم فعالیت‌های بخش خصوصی را نشان می‌دهد. طبق آخرین برآوردهای انجام‌شده نسبت بودجه عمومی دولت و شرکت‌های دولتی از تولید ناخالص داخلی در سال ۱۳۹۷ حدود ۷۴ درصد بوده که رقم بالای است.

▣ شاخص آزادی اقتصادی

رتبه جهانی ایران در «شاخص آزادی اقتصادی» نیز بیانگر دولتی بودن اقتصاد کشور و ضعف آن در رقابت‌های بین‌المللی است. شاخص آزادی اقتصادی که توسط بنیاد هریتیج (Heritage) به‌صورت سالانه برای تمام کشورهای جهان محاسبه و منتشر می‌شود، از جمله شاخص‌های مطرح در ارزیابی و تحلیل محیط کسب‌وکار کشورها است.

در گزارش سال ۲۰۱۸ هنگ‌کنگ با امتیاز ۹۰.۲ از نظر شاخص آزادی اقتصادی در رتبه اول قرار دارد و پس از آن کشورهای سنگاپور با امتیاز ۸۸.۸، نیوزیلند با امتیاز ۸۴.۲، سوئیس با امتیاز ۸۱.۷ و استرالیا با امتیاز ۸۰.۹ در رتبه‌های دوم تا پنجم قرار دارند.

میانگین جهانی این شاخص ۶۱.۱ و برای کشورهای منطقه خاورمیانه و شمال افریقا ۶۱.۵ است؛ بنابراین، ایران نیز با امتیاز ۵۰.۹ رتبه ۱۵۶ را دارد که خیلی مناسب به نظر نمی‌رسد.

▣ خوب و بد اقتصاد دولتی

یکی دیگر از شاخص‌های جهانی که می‌توان به‌عنوان شاخصی مکمل (در کنار شاخص آزادی اقتصادی) دولتی بودن اقتصاد و اثرات منفی آن بر توان تولید و رقابت بین‌المللی کشور را نشان دهد، شاخص رقابت صنعتی است. طبق تعریف، رقابت‌پذیری صنعتی عبارت است از توان کشورها برای افزایش حضورشان در بازارهای داخلی و بین‌المللی ضمن توسعه بخش‌های صنعتی و فعالیت‌هایی با ارزش‌افزوده بالاتر و حجم فناوری بیشتر. شاخص رقابت‌پذیری صنعتی شامل ۸ زیرشاخص فرعی است که سه بُعد رقابت‌پذیری صنعتی را در برمی‌گیرد. این سه بُعد عبارتند از: ظرفیت کشورها از نظر تولید و صادرات محصولات صنعتی؛ تعمیق و ارتقای فناوری و در نهایت، سومین بعد رقابت‌پذیری در برگیرنده اثرات کشورها روی تولیدات صنعتی جهان است.

توان رقابت صنعتی ایران

در جدول زیر رتبه و جایگاه ایران از نظر توان رقابت صنعتی آمده است. همان‌طور که مشاهده می‌شود از سال ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۶ رتبه ایران در میان ۱۴۸ کشور از ۶۱ به ۵۹ رسیده و در واقع ۳ پله صعود داشته است.

در سال ۲۰۱۵ در میان ۱۵۰ کشور حائز رتبه ۵۸ شده که به معنای کاهشی یک پله‌ای است، اما یک سال بعد؛ یعنی در ۲۰۱۶ از ۵۸ به ۵۳ رسیده که نسبت به سال‌های گذشته بهبود قابل توجه‌تری است.

با این حال وقتی در سطح جهان از ۲۰ قدرت اقتصادی دنیا صحبت می‌شود به ترکیه به‌عنوان یکی از همسایگان ایران می‌رسیم که دارای اقتصادی توسعه یافته‌تر از ایران و عضو گروه ۲۰ است؛ بنابراین نمی‌توان گفت داشتن رتبه ۵۳ قابل‌قبول و مطلوب است.

امتیاز و رتبه ایران در شاخص رقابت صنعتی					
سال	۲۰۱۲	۲۰۱۳	۲۰۱۴	۲۰۱۵	۲۰۱۶
تعداد کشور	۱۴۸	۱۴۸	۱۴۸	۱۵۰	۱۵۰
رتبه	۶۲	۶۱	۵۹	۵۸	۵۳

▣ رتبه ۵۵ ایران در گزارش ۲۰۲۲

همچنین در گزارش ۲۰۲۲ یونیدو، رتبه ایران در شاخص عملکرد رقابت صنعتی طی دوره سال‌های ۲۰۱۶- ۲۰۲۰، بین ۵۲ تا ۵۷ متغیر بوده و رتبه آن در سال ۲۰۲۰ از ۱۵۴ کشور، ۵۵ بود که نسبت به سال ۲۰۱۹ تغییری نداشت.

۱۰ کشور برتر جهان در شاخص عملکرد رقابت صنعتی شامل آلمان، چین، ایرلند، ژاپن، کره جنوبی، امریکا، سوئیس، تایوان، سنگاپور و هلند می‌شود. در ۲۴ کشور منطقه ایران بعد از ۶ کشور ترکیه، رژیم اشغالگر قدس، امارات، عربستان، بحرین و قطر در جایگاه هفتم قرار گرفته است. در سال ۲۰۲۰ در ارتباط با زیرشاخص‌های عملکرد رقابت صنعتی، ایران در بین کشورهای برتر منطقه در زیرشاخص‌های سهم در کل ارزش‌افزوده صنعت «جهان» و «سهم در کل تجارت صنعت جهان»، نسبت به سایر زیرشاخص‌ها از امتیاز بالاتری برخوردار بوده است.



روند رتبه و امتیاز ایران در شاخص عملکرد رقابت صنعتی طی سال‌های ۲۰۲۰-۲۰۱۶

یک معادله دومجهولی

طبق شواهد موجود توان رقابت صنعتی و به‌طور کل وضعیت رقابت‌پذیری اقتصاد کشور زیاد نیست. این امر تا حدود زیادی از دولتی بودن اقتصاد ناشی می‌شود. راه چاره در خصوصی‌سازی اقتصادی است. اما صاحب‌نظران اقتصادی معتقدند در صورتی که به دلایلی همچون انحصارهای طبیعی، کمبود اطلاعات، محدودیت‌های ارزی یا محدودیت‌های تکنولوژیک و... درجه رقابت فعالیت‌ها در یک اقتصاد اندک باشد، تغییر مالکیت دولتی به مالکیت خصوصی نیز موجب عدم‌کارآیی بیشتر می‌شود.

با توجه به موارد یادشده، می‌توان گفت از یک سو دولتی بودن اقتصاد توان رقابت را کاهش می‌دهد و از سوی دیگر پایین بودن قدرت رقابت فرآیند خصوصی‌سازی را با مشکل مواجه می‌کند.

اهمیت این امر از آنجا ناشی می‌شود که ما چندین سال است تجربه خصوصی‌کردن بنگاه‌های اقتصادی دولتی را شروع کرده‌ایم، اما به نظر می‌رسد تجربه موفقی نبوده است.

ضروری است که نهادها و سازمان‌های مرتبط با فرآیند خصوصی‌سازی، از جمله سازمان خصوصی‌سازی، سازمان بورس اوراق بهادار و وزارت امور اقتصادی و دارایی کشور تلاش حداکثری خود را به افزایش انگیزه و توان بخش خصوصی برای مشارکت فعال در خصوصی‌سازی و خرید سهام شرکت‌های دولتی واگذار شده معطوف کنند.

اگر افزایش توان رقابت صنعتی و به‌طور کل رقابت‌پذیری اقتصاد کشور در داخل و سطح بین‌الملل هدف باشد باید از طریق خصوصی‌سازی واقعی از اقتصاد دولتی عبور کرده و فضا را برای شکل‌گیری یک اقتصاد رقابتی فراهم کنیم.

سخن پایانی

در این راستا باید برای افزایش انگیزه بخش خصوصی در زمینه مشارکت موثر در اقتصاد اقداماتی انجام شود که برخی از آنها عبارتند از: ثبات قوانین ناظر برای فعالیت شرکت‌های واگذار شده تحت مالکیت بخش خصوصی، افزایش شفافیت و رقابتی شدن واگذاری شرکت‌های دولتی، ایجاد تسهیلات بانکی لازم برای بخش خصوصی فعال، ممانعت از دخالت دولت در مدیریت شرکت‌های واگذار شده، ممانعت از فعالیت دولتی در حوزه‌های اقتصادی که شرکت‌های دولتی مرتبط با آن حوزه واگذار شده‌اند، کنترل و کاهش حضور شرکت‌های شبه‌دولتی در خرید سهام شرکت‌های دولتی.

نوبت اول
شناسه آگهی ۱۴۷۴۹۶۳

«تجدید مناقصه عمومی یک مرحله ای»

اداره کل بنادر و دریانوردی استان سیستان و بلوچستان

شماره مناقصه: ۲۰۰۲۰۰۳۶۹۹۰۰۰۰۱

اداره کل بنادر و دریانوردی استان سیستان و بلوچستان - بندر چابهار در نظر دارد تجدید مناقصه عمومی یک مرحله‌ای قرارداد اجاره زمانی شناور آتشخوار را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید. کلیه مراحل برگزاری مناقصه از دریافت اسناد مناقصه تا ارائه پیشنهاد مناقصه گران و بازگشایی پاکت‌ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد و لازم است مناقصه گران در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت‌نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند.

تاریخ انتشار مناقصه در سامانه **۱۴۰۲/۱/۲۷** می‌باشد.

مهلت زمانی دریافت اسناد مناقصه از سایت: از تاریخ چاپ دومین آگهی در روزنامه کثیرالانتشار از روز **یکشنبه** مورخه **۱۴۰۲/۱/۲۷** لغایت تا ساعت **۱۸:۰۰** روز **چهارشنبه** مورخه **۱۴۰۲/۲/۶**.

مهلت زمانی ارائه پیشنهاد: از تاریخ اتمام فروش اسناد روز **پنجشنبه** مورخه **۱۴۰۲/۲/۷** لغایت تا ساعت **۱۸:۰۰** روز **شنبه** مورخه **۱۴۰۲/۲/۱۶**.

مهلت بازگشایی پاکت‌ها: ساعت **۰۹:۰۰** روز یکشنبه مورخ **۱۴۰۲/۲/۱۷** در محل اتاق کنفرانس طبقه چهارم ساختمان اداری شماره یک بندر شهید بهشتی.

* اصل ضمانتنامه بانکی یا فیش نقدی واریزی به حساب سپرده شرکت در مناقصه باید تحویل دبیرخانه بندر شهید بهشتی گردد.
* اطلاعات تماس دستگاه مناقصه گزار جهت دریافت اطلاعات بیشتر در خصوص اسناد مناقصه و ارائه پاکت‌ها

آدرس: چابهار - انتهای خیابان شهید ریگی - اداره کل بنادر و دریانوردی استان سیستان‌وبلوچستان بندر شهیدبهشتی - ساختمان شماره‌یک.

تلفن: ۳۱۲۸۳۰۰۰-۰۵۴ **فاکس:** ۳۵۳۲۱۴۱۴-۰۵۴

* اطلاعات تماس سامانه ستاد جهت انجام مراحل عضویت در سامانه:

مرکز تماس: ۴۱۹۳۴-۰۲۱ **دفتر ثبت‌نام:** ۸۸۹۶۹۷۳۷ - ۸۵۱۹۳۷۶۸ - ۰۲۱

م الف ۴۹ **اداره کل بنادر و دریانوردی استان سیستان و بلوچستان**

فراخوان مناقصه عمومی یک مرحله‌ای

خرید میزهای کنفرانس، اداری، صندلی های گردان و مبلمان انتظار

مرکز اطلاعات مالی در نظر دارد مناقصه عمومي یک مرحله‌ای "خرید میزهای کنفرانس، اداری، صندلی‌های گردان و مبلمان انتظار" (به میزان مندرج در اسناد مناقصه) به شماره ۲۰۰۲۰۹۴۳۸۸۰۰۰۰۰۱ را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکي دولت برگزار نماید. کلیه مراحل برگزاری مناقصه اعم از دریافت اسناد مناقصه تا ارائه پیشنهاد مناقصه‌گران و بازگشایی پاکت‌ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد و لازم است مناقصه‌گران در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت‌نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند.

تاریخ انتشار مناقصه در سامانه روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۲/۱/۲۷ ساعت ۱۰ صبح می‌باشد.

مهلت زمانی دریافت اسناد مناقصه از سایت: تا ساعت ۱۶ روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۲/۲/۴

مهلت زمانی ارائه پیشنهاد: تا ساعت ۱۶ روز شنبه مورخ ۱۴۰۲/۰۲/۱۶ (بصورت الکترونیکی و تحویل فیزیکی پاکت صرفا (الف) تا ساعت ۱۶:۰۰ همان روز)

زمان بازگشایی پاکت‌های (الف) و (ب) و (ج): ساعت ۱۱ صبح روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۲/۰۲/۱۷

مدت اعتبار قیمت پیشنهادی: ۳ ماه از تاریخ بازگشایی پاکت (ج) می باشد.

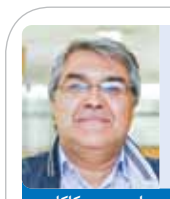
نوع تضمین: تضامین معتبر موضوع بند الف ماده(۵) آیین نامه تضامین دولتی

اطلاعات تماس دستگاه مناقصه‌گزار: جهت دریافت اطلاعات بیشتر درخصوص اسناد مناقصه و ارائه پاکت (الف) آدرس: تهران- میدان آرژانتین خیابان احمد قصیر (بخارست) کوچه دهم پلاک ۱۳ - تلفن ۸۶۱۲۲۴۶۵-۰۲۱ داخلی پشتیبانی ۲۳۰ - داخلی دبیرخانه ۴۱۹ و ۴۲۰ جهت تحویل پاکت (الف)

شناسه آگهی: ۱۴۷۸۶۴۹ **م الف / ۱۵۷**

یادداشت

دولتی‌سازی با حداکثر سرعت



امیرحسن کاکایی
عضو هیات علمی دانشگاه علم و صنعت

سال گذشته با شعار سال رهبر معظم انقلاب و دستورات رئیس‌جمهور محترم برای صنعت خودرو، بارقه‌هایی از امید در صنعت خودرو دیده شد. ابتدای سال همه منتظر اقدامات جدی و انقلابی وزارت صمت برای افزایش کیفیت، کاهش واقعی قیمت‌ها در بازار و رقابت‌پذیری صنعت خودرو در داخل و خارج از کشور و واردات گسترده برای رقابتی‌شدن بازار و حذف کامل قرعه‌کشی و بازگشت حالت عادی به بازارها بودند. البته در شعار سال، راهکار توجه به امور دانش‌بنیان و اشتغال مبتنی بر آن و همچنین در دستورات رئیس‌جمهوری به راهکار خصوصی‌سازی و واگذاری تصدیگری به بخش خصوصی مطرح شده بود. امسال هم حضرت آقا دوباره در شعار سال و البته سخنرانی‌های مهم ابتدای سالشان، خیلی واضح به توجه جدی به تولید و البته واگذاری عملیات به مردم از طریق بخش خصوصی و تعاونی توصیه فرمودند. اما وزارت صمت با وجود تمام دستورات، قانونگذاری‌ها و جلسات و تفاهم‌ها، نه‌تنها به سمت اجرای اصل ۴۴ در جهت واگذاری تصدیگری و رقابتی‌کردن بازار و صنعت حرکت نکرد، بلکه با سرعتی باورنکردنی به سمت دولتی‌کردن تمام‌مسیر کسب‌وکار خودرویی، حتی کار فروش خودرو رفت. کاری که از دهه ۶۰ بی‌سابقه بود. البته در دهه شصت همه‌چیز کوپنی بود و به‌خاطر جنگ شاید چنین کارهایی اجتناب‌ناپذیر می‌نمود، اما در سال ۱۴۰۱، بیست سال بعد از ابلاغ سیاست‌های ذیل اصل ۴۴، بااین‌همه دستور مقام اول مملکت، این راهبرد به سمت دولتی‌شدن کسب‌وکار، کمی عجیب است.

دولت در کل سال ۱۴۰۱، باوجود آگاهی از زیانده بودن دو خودروساز و لزوم اصلاح قیمت‌ها، با بازی که سر بورس درآمد و با این ادعا که مسئولان در حال اختراع یک روش جدید قیمت‌گذاری هستند، موضوع اصلاح قیمت‌ها و روش‌های قیمت‌گذاری را معطل کرد و دوباره خسارت بزرگی به این دو خودروساز وارد شد. در نتیجه این تعلل‌ها، قیمت‌ها در بازار هم برای خود بالا و پایین می‌شد. یک سال دیگر توزیع رانت از جیب سهامدار ادامه پیدا کرد. همچنین موضوع واردات در هزارتوی روابط نهادها آن‌قدر پیچید که نه‌تنها خودرویی تا آخر سال وارد نشد، بلکه به بهانه آن، کنترل، قیمت‌گذاری و فروش خودروهای وارداتی را که قرار بود عاملی برای رقابت و کاهش قیمت‌های بازار بشود، به‌طور کامل دست دولت افتاد. جالب اینجا بود که خود دولت مستقیم در مذاکرات واردکنندگان دخالت کرده و خود عملا جایگزین واردکنندگان حرفه‌ای شد. به‌طوری که امروز که ادعا می‌شود واردات خودرو آغازشده، نمی‌توانید اسمی از واردکنندگان حرفه‌ای با سابقه بشنوید و جالب اینجاست که یک خودروساز دولتی، شاگرد اول این فرآیند است. در انتهای سال هم توسط مصوبه شورای رقابت فروش و قیمت‌گذاری تمامی خودروهای تولیدی و وارداتی سواری بر عهده وزارت صمت افتاد. این دفعه آخر پیش‌فروش رانتی دولتی به‌گونه‌ای انجام شد که تقریبا تمام تولید سال ۱۴۰۲، توسط دولت یکجا تعیین‌تکلیف و فروخته شد و عملا بخش فروش و بازاریابی شرکت‌های خودروسازی، به‌مدت یک سال بی‌کار خواهند بود. در حقیقت در سال گذشته نه‌تنها دولت از قیمت‌گذاری دستوری کوتاه نیامد، بلکه وارد مرحله‌ای جدید از دخالت در صنعت خودرو شد و آن در اختیار گرفتن مهم‌ترین حلقه ارزش‌آفرینی کسب‌وکار خودرو، یعنی بازاریابی و فروش بود. البته مجلس هم با اجرای دو طرح خودروهای فرسوده و حمایت از جوانی جمعیت در شش ماه آخر سال به‌جای اینکه بازار خودرو را آرام کند و رقابت را توسعه دهد، ۷۰ درصد تولیدات خودروسازان اصلی را از مسیر مستقیم خارج کرد و بازار بیش‌ازپیش رانتی شد و دلال‌ها، فعال‌تر.

با این سطح از دولتی شدن کسب‌وکار، به بهانه کنترل برنامه فروش، دخالت در برنامه‌های تولید تمامی خودروسازان هم افزایش یافت. همچنین با توجه به مدیریت ارز و بحث حمایت از داخلی‌سازی، دخالت دولت در مسیر تامین و برنامه‌های آن بیشتر شد. در سال گذشته، دخالت وزارت صمت به کارهای جزیی‌تر اجرایی و فنی صنعت باز شد و حتی در تعیین نوع پلتفرم‌ها و فناوری‌ها وارد شد. در حالی که دو خودروساز برنامه‌های متعددی برای ارتقا داشتند، وزارت صمت طرحی به‌نام خودرو اقتصادی را به دو خودروساز تحمیل کرد. حتی اخیرا برنامه‌هایی برای تعیین نوع پلتفرم برای خودروهای تجاری هم دارد.

این وزارتخانه به‌جای اینکه تسهیلگر بخش خصوصی شود و تمام شهروندان و شرکت‌ها را به یک چشم نگاه کند، خود عملا مستقیم در مسیر حرکت‌های مالی، اقتصادی، بازاری و فنی بخش خصوصی مداخله می‌کند. اینها تنها گوشه‌ای از دولتی‌تر شدن فضای کسب‌وکار خودرو و خدمات پس از فروش آن بود. سوال اصلی اینجاست که آیا با این‌همه ورود به تصدیگری و دخالت مستقیم در اجراییات، باز هم انگیزه و فضا برای تحرک بخش خصوصی و ابتکار عمل و نوآوری و نهایتا رقابت‌پذیری می‌ماند؟ بخش خصوصی که قیمت‌گذاری، فروش، توسعه و حتی برخی ارکان اصلی خریدش دست دولت است، چه انگیزه‌ای برای تحول و تحرک برای چابک شدن خواهد داشت؟

اما یک نکته مهم در این میان ماند که حیف است از قلم بیفتد و آن موضوع خصوصی‌سازی بود که عملا در ابتدای سال ۱۴۰۲، تقریبا از برنامه‌های وزارتخانه حذف شده و کسی درباره آن صحبت نمی‌کند. وزارت اقتصاد با ریاست خود وزیر محترم و معاونش، حداقل سه جلسه علنی با حضور مطبوعات و رسانه‌ها برگزار کردند و نهایتا بعد چندین جلسه تکمیلی، دو معاون وزیر اقتصاد و صمت با هم بر سر واگذاری سهام محدود دولت در دو خودروساز توافق کردند، اما بعد به بهانه‌های مختلف این موضوع به تعویق افتاد. جالب‌تر اینکه وزارت صمت به‌جای اینکه این دستور رئیس‌جمهور و توافق دو وزارتخانه را اجرایی کند، دو زیرمجموعه مهم دو خودروساز را برای فروش گذاشت. اگر این روند انجام می‌شد، قطعا دو خودروساز اصلی تضعیف می‌شدند.

توجه داشته باشید که واگذاری خودروسازی‌های زیرمجموعه دو خودروساز به معنی تضعیف دو خودروسازی در صورت خصوصی‌شدن و کاهش احتمال رقابتی شدن صنعت و بازار خودرو است. به‌عبارتی وزارت صمت سعی می‌کند همچنان مسیر را طوری پیش ببرد که در عمل، خودروسازی‌ها، حتی در صورت خصوصی‌شدن کامل تحت امر مستقیم دولتی‌ها بمانند که به‌معنای تداوم تصدیگری دولت خواهد بود. با ادامه برنامه‌های فعلی وزارت صمت، خودروسازها عملا کارگر وزارتخانه خواهند شد. جالب‌ترین موضوع اینجاست که با این‌همه اختیار، دولت باز هم تمام مشکلات صنعت و بازار را به گردن خودروسازان می‌اندازد و مدعی است که مقصر اوضاع نابسامان بازار و صنعت، بخش خصوصی است.

صمت چندوچون حضور فعالان اقتصادی در تصمیم‌سازی‌ها را بررسی کرد

مشارکت بخش خصوصی؛ از گفته‌ها تا ناگفته‌ها

شهناز صفایی
editor@smtnews.ir

رئیس‌جمهوری اخیرا در دیداری که با تولیدکنندگان و کارآفرینان داشتند به صراحت بر مشارکت فعالان اقتصادی و استفاده از نظرات بخش خصوصی در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی کشور تاکید کردند.

واقعیت این است که محدودیت منابع مالی و توان اجرایی دولت در اجرای پروژه‌های گوناگون زیرساختی و خدماتی، دولت را بر آن داشته تا به‌طور جدی‌تر تمام تلاش خود را در بهره‌گیری از مشارکت فعال مردم، بخش خصوصی و ایجاد فضای رقابتی مناسب برای فعالیت آنها به‌کار بندد. مشارکت نیازمند بستری قانونمند، آگاه و مشارکت‌طلب است؛ از این‌رو بررسی ابعاد گوناگون محدودیت‌ها، موانع و تنگناهای مشارکت مردم در قالب سازمان‌های دولتی و چالش‌های خصوصی‌سازی از اهمیت بالایی برخوردار بوده و با توجه به وضعیت اقتصادی ایران، نیاز به توسعه پروژه‌های بزرگ زیرساختی و همچنین محدودیت‌های مالی دولت‌ها، اجرایی شدن مشارکت مردم و بخش خصوصی در توسعه اقتصادی و خدماتی دولت ضروری به نظر می‌رسد.

صمت اما واگرهای مشارکت بخش خصوصی در تصمیم‌گیری‌ها و تصمیم‌سازی‌های اقتصادی را از فعالان حوزه صنعت جویا شده که در ادامه می‌خوانید. با صمت همراه باشید.



عکس: آیدا فریدی

دولت و حاکمیت به لحاظ جایگاه حقوقی که دارند، در تصمیم‌گیری‌ها خود را محق می‌دانند و بخش خصوصی را نامحرم

رویکردی که منفعت ملی دارد



آرمان خالقی، کارشناس حوزه صنعت درباره اینکه چرا مشارکت بخش خصوصی به معنای واقعی اتفاق نمی‌افتد به صمت گفت: اهمیت مشارکت بخش خصوصی در اقتصاد قبل از اینکه به حدی برسد که حتی در قانون دیده شود، همیشه یکی از خواسته‌ها و مطالب این بخش بود.

به عبارتی همیشه این انتظار وجود داشت که نهاد حاکمیت، دولت و مجلس در تصمیم‌گیری‌هایی که کسب‌وکار بخش خصوصی را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد، نظرات ذی‌نفعان را جویا شده، با آنها مذاکره کنند و حتی‌المقدور پیشنهادات و نظرات آنها را در تصمیماتی که اتخاذ می‌کنند، لحاظ کنند. این رویکرد نه‌تنها آسیب‌رسان نیست، بلکه منفعت همگانی و نفع ملی را به‌دنبال دارد.

خالقی ادامه داد: دولت و حاکمیت به لحاظ جایگاه حقوقی که دارند، در تصمیم‌گیری‌ها خود را محق می‌دانند و بخش خصوصی را نامحرم. چنین نگاهی باعث می‌شود هر شخصی در هر جایگاه حاکمیتی خود را در تصمیم‌گیری‌ها ذی‌صلاح‌تر و صاحب‌اختیار بداند. این در حالی است که در قانون اساسی، اقتصاد در سه بخش دولتی، خصوصی و تعاونی دیده شده، پس باید در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی این سه بخش سهیم و در تصمیم‌سازی‌ها مداخله داشته باشند. چون این سهم نادیده گرفته شد، در نهایت در قانون بهبود محیط کسب‌وکار موردتاکید قرار گرفت و دولت و حتی مجلس مکلف شدند پیش از هر دستورالعمل، بخشنامه یا آیین‌نامه‌ای، نظرات بخش ذی‌نفع و ترجیحا تشکل‌های تخصصی را کسب کرده و پس از آن تصمیم بگیرند. البته در بخش‌هایی، به‌ندرت این رویکرد دولت را شاهد هستیم که سعی بر این دارد که آن را اجرایی کند و بگوید به اهمیت این قانون توجه دارد. هرچند هنوز با اجرایی شدن اینکه دولت بخواهد کسی را در تصمیم‌گیری‌های خود شریک کند، فاصله زیادی داریم و چه‌بسا بخش خصوصی که خیلی موردوثوق و شاید محل اعتماد و اعتبار دولت نیست. دولت هنوز سهمی برای حضور بخش خصوصی در تصمیم‌گیری‌ها ندیده و این در صورتی است که یک‌سوم سهم تصمیمات در بخش اقتصاد کشور متعلق به بخش خصوصی محض است که اگر بخش تعاونی را هم غیردولتی بدانیم؛ یعنی دولت باید تنها یک‌سوم برای خودش در تصمیم‌گیری‌ها سهم قائل باشد که این‌گونه نیست.

در سخنرانی‌ها و همایش‌ها همواره استفاده از ظرفیت بخش خصوصی برای حل مشکلات اقتصادی موردتاکید است، اما مهم این است که بتوانیم آن را عملیاتی کنیم

بخش خصوصی‌هم مطالبه‌گر نیست

این کارشناس حوزه صنعت در پاسخ به اینکه چرا بخش خصوصی در تصمیم‌گیری‌ها مشارکت داده نمی‌شود، گفت: هنوز این موضوع جا نیفتاده و در بدنه دولت اراده جدی برای اجرای واقعی آن وجود ندارد. در مقابل مجلس هم مطالبه‌گر نبوده و بخش خصوصی هم این موضوع را به‌طور جدی پیگیری نکرده و اصلا مطالبه‌گری در این زمینه نداشته است. ضمن اینکه دولت، الزامی برای مشارکت قوی بخش خصوصی نمی‌بینند. دولت به‌دنبال شریک نیست، تصمیمات را می‌گیرد و ابلاغ و اعمال می‌کند، کسی هم یارای حتی اعتراض ندارد و بعضا در مواردی هم برای نظرخواهی بخش خصوصی از فرد یا افرادی دعوت می‌کند که خاستگاه چندانی ندارند.

خالقی افزود: واقعیت این است که این موضوع باید قاعده‌مند باشد و دولت برای اینکه اراده خود را برای اجرای آن نشان دهد باید بخشنامه داشته باشد و در شیوه‌نامه تدوین بخشنامه حتما بر الزام به حضور بخش خصوصی تاکید کرده، از تشکل‌ها دعوت کند، اطلاعات در اختیارشان قرار بدهد و در نهایت مشخص باشد که چگونه می‌خواهد از نظرات این بخش در تصمیم‌گیری‌ها استفاده کند. اما متاسفانه هیچ بخشنامه مدونی در این زمینه که الزامی هم باشد وجود ندارد؛ بنابراین جدیت این قانون برای نهادهای دولتی روشن نیست و به‌نوعی می‌توان گفت خودشان هم خیلی به‌دنبال دردسرهای آن نیستند، چون می‌دانند در تصمیم‌گیری‌ها با حضور بخش خصوصی باید پاسخگوی آنها بوده و یکسری ادله داشته باشند، اما وقتی بخش خصوصی نیست، بی‌صدا تصمیم می‌گیرند و به‌دنبال شریک گرفتن در تصمیم‌گیری‌ها و تصمیم‌سازی‌ها نیستند.

وی در ادامه اظهار کرد: هر تصمیمی که درباره بخش خصوصی از سوی دولت گرفته می‌شود، اگر این بخش به آن باور نداشته باشد و آن را نپذیرد، موفقیت‌آمیز نخواهد بود. به فرض در حوزه مالیات قانون مصوب می‌شود و به مرحله اجرا می‌رسد، اما در نهایت از آن استقبال نشده و چند سالی طول می‌کشد که فقط بخشی از آن اجرا شود. در مقابل وقتی ذی‌نفعان در تصمیم‌سازی‌ها و تدوین دستورکارها و بخشنامه‌ها حضور داشته باشند و ایرادات را بگویند، مشکلات که برطرف و قانون تصویب شد، با کمترین ایراد و مقاومت مواجه خواهد شد و در اجرا ذی‌نفعان با آن همراهی می‌کنند.

این کارشناس حوزه صنعت در پایان و در پاسخ به این پرسش که حضور بخش خصوصی در عرصه تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی چقدر در وضعیت اقتصاد کنونی ما تاثیرگذار خواهد بود، گفت: واقعیت این است که نمی‌توان گفت معجزه اتفاق می‌افتد. بخش خصوصی اینقدر موردمراجعه قرار نگرفته که خودش نیاز به کسب تجربه دارد تا بتواند حداقل بدون لکنت و با صراحت خواسته‌های خود را مطرح کند و اگر در تدوین بخشنامه‌ای متوجه ایرادی شد آن را بگوید و هشدار بدهد. اینکه نهایتا میزان این تاثیرگذاری چقدر خواهد بود، می‌توانم بگویم به مرور کمک‌کننده خواهد بود. این موضوع به نسبت اینکه بخش خصوصی چقدر به دولت باور داشته باشد که دولت تبدیل به یک شریک اجتماعی بزرگ شده که حاضر است دیدگاه‌ها، نظرات و راهکارهای بخش خصوصی را بپذیرد، تاثیرگذار است. اگر این‌گونه باشد می‌توان گفت که تاثیر بسیار خوبی خواهد گذاشت و می‌تواند اقتصاد کشور را از برخی بن‌بست‌ها خارج کند.

از تمام تشکل‌ها و ذی‌نفعان نظرخواهی شود



سیدعلی صدری، عضو خانه صنعت، معدن و تجارت جوانان نیز در این‌باره که دولت چه میزان از نظرات بخش خصوصی در تصمیم‌سازی‌ها و تصمیم‌گیری‌ها استفاده می‌کند به صمت گفت: مشارکت بخش خصوصی یک موضوع بسیار مهم است و رئیس‌جمهوری نیز در دیدار اخیر با تولیدکنندگان اعلام کردند که هیچ تصمیمی را بدون نظر بخش خصوصی نمی‌گیرند. این رویکرد باید واقعا اجرایی شود و در حد حرف و شعار باقی نماند.

مشارکت بخش خصوصی در تصمیم‌گیری‌ها در قانون دیده شده، اما در کارگروه‌ها و جلسات فقط نماینده اتاق بازرگانی دعوت می‌شود، در حالی که بخش خصوصی ما فقط اتاق بازرگانی نیست در کنار آن خانه صنعت، اتاق اصناف، خانه معدن و تشکل‌های فراگیر در کل کشور هم هستند و اگر قرار است در تصمیم‌گیری برای لایحه یا قانونی در چارچوب اقتصاد نظر بخش خصوصی گرفته شود، دولت باید از تمام تشکل‌ها و ذی‌نفعان این بخش نظرخواهی کند.

صدری افزود: در دولت‌های قبل گاهی در جلسات از تشکل‌ها دعوت می‌شد، اما اینکه بگوییم صدرصد از ظرفیت بخش خصوصی استفاده می‌شده، نه این‌گونه نبوده است. دولت سیزدهم هم تاکنون آنچنان از ظرفیت بخش خصوصی در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی کشور استفاده نکرده است. در تصمیم‌گیری‌های اقتصاد کشور وزارتخانه‌های اقتصاد، صمت و کار، سازمان برنامه، جهاد کشاورزی و بسیاری از سازمان‌های بدنه دولت، عملا نقش دارند و باید ضمن اینکه وظایف خود را انجام می‌دهند، از ظرفیت بخش خصوصی هم استفاده کنند. این رویکرد باید فراگیر باشد و در کل بدنه دولت در تمام بخش‌ها به‌طور جدی دنبال شود.

وی ادامه داد: پیشنهاد من به دولت این است که در کمیسیون‌های زیربنایی یک کمیسیون تخصصی بخش‌خصوصی تشکیل و از تشکل‌های فراگیر استفاده شود و موضوعاتی که به اقتصاد مربوط است قبل از اینکه در دولت مصوب شود در آن کمیسیون موردبررسی قرار بگیرد. اگر بخش خصوصی حضور واقعی حضور داشته باشد، در ادامه نحوه استفاده از این ظرفیت هم مهم است.

در اینجا یکی از ضعف‌های بخش خصوصی این است که برخی مدیران دولتی بازنشسته در تشکل‌ها مدیر اجرایی و مشاور می‌شوند و در جلسات مذاکره با دولت حضور پیدا می‌کنند در حالی که در بدنه دولت بوده و تجربه‌ای از فعالیت در بخش خصوصی را ندارند. اولا اگر مشارکت دادن بخش خصوصی شعاری نباشد و این بخش در بدنه دولت و سیاست‌گذاری‌ها نقش داشته باشد، حتما باید از بخش خصوصی واقعی که فعالیت اقتصادی دارد، اظهارنظر شود و این بخش در تصمیم‌گیری‌ها مشارکت داده شود. دوم اینکه رهبری هم فرمودند که شعارها باید اجرایی و عملیاتی شود. مشارکت بخش خصوصی هم باید در عمل اجرایی شود و فقط در حد حرف نباشد. در سخنرانی‌ها و همایش‌ها همواره استفاده از ظرفیت بخش خصوصی در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی موردتاکید است، اما اجرایی نمی‌شود و مهم این است که بتوانیم آن را عملیاتی کنیم.

اگر می‌خواهیم از ظرفیت بخش خصوصی استفاده کنیم، همان‌طور که گفتم می‌توانیم در قالب یک کمیسیون تخصصی این موضوع را عملیاتی کنیم و از تشکل‌های سراسری نماینده ثابت حضور داشته و موضوعاتی که بر فضای اقتصادی کشور تاثیرگذار است، قبل از اینکه نهایی و تصویب شوند در این کمیسیون مطرح شوند. اگر این رویکرد دنبال شود، چون بخش خصوصی مشارکت داده شده و در جریان بوده، دیگر نمی‌تواند ایرادی به برنامه‌ها بگیرد. البته در این مسیر باید نظر بخش خصوصی واقعی را جویا شد و بخش خصوصی واقعی یعنی کسی که مدیریت یک بنگاه اقتصادی یعنی بنگاهی که سودده و درآمدزاست را برعهده دارد و می‌تواند خلق پول کند.

یک پیشنهاد

صدری در ادامه با اشاره به مثالی درباره اینکه حضور بخش خصوصی چقدر کمک‌کننده است، اظهار کرد: مثلا در معاونت سازمان صنایع کوچک از سال ۹۵ یکی از اعضای هیات مدیره از بخش خصوصی است که در تصمیمات مربوطه اظهارنظر می‌کند و حق رای دارد. این یک مورد تاثیرگذار بوده و چنین موارد باید افزایش پیدا کند. وی همچنین در ارائه پیشنهادی برای کمک به افزایش مشارکت بخش خصوصی در تصمیم‌گیری‌ها و تصمیم‌سازی‌ها اظهار کرد: تشکیل کمیسیون زیربنایی در دولت با عنوان بخش خصوصی با مشارکت ۹ تشکل سراسری از کل کشور که ۹ کرسی به تشکل‌های بخش خصوصی بدهد، می‌تواند کمک‌کننده باشد. یعنی هر موضوعی مطرح می‌شود، قبل از اینکه در دولت مطرح و مصوب شود، اظهارنظر اعضای این کمیسیون هم گرفته شود. این کمیسیون می‌تواند کارگروه‌های زیربنایی درست کند و در موضوعات تخصصی وقت بگذارد، خروجی داشته باشد و به دولت راهکار ارائه بدهد تا دولت مسیر اقتصاد را در چارچوب این راهکارها جلو ببرد. این پیشنهاد عملیاتی و شدنی است و دولت به‌راحتی می‌تواند آن را در دستور کار قرار دهد.

سخن پایانی

با توجه به تجربیات و آزمون‌وخطاهای سال‌های گذشته، راه برون‌رفت از شرایط موجود اقتصادی و سیاسی جلب و جذب مشارکت بخش خصوصی است و این موضوع زمانی محقق می‌شود که در کشور برای سرمایه‌گذاری امنیت بیشتری ایجاد شود تا هم تورم‌های افسارگسیخته مهار شود و هم تولید در کشور جان دوباره بگیرد.

توسعه معادن در گرو اصلاح قانون



عکس: آیدا فریدی

امروز دیگر نقش معدن در اقتصاد برای همه افراد جامعه اعم از سیاستمداران و مدیران، کارشناسان اقتصادی، معدنی و صنعتی و... کاملا روشن و معلوم است.

معدن به‌عنوان موتور محرکه بخش اقتصاد در شرایط کنونی مزیتی قابل‌توجه و شناخته‌شده است و هرروز نیز این مطلب شفاف‌تر می‌شود.

بعد از جنگ جهانی دوم که اقتصاد جهان در وضعیت فلاکت باری قرار گرفت، اقتصاددانان بر این اعتقاد بودند که معدن به‌عنوان یک مزیت در صنعت، اساس و زیربنای اقتصاد است و دریافتند که چنانچه بخواهند ماشین اقتصاد را در کشور خود به حرکت درآورند، باید بخش معدن را ساماندهی کنند و رونق و ارتقا دهند.

صمت در این گزارش به جایگاه فعالان بخش خصوصی در حوزه معدن پرداخته است.

شکی نیست که امروز نقش معدن موثرترین نقش در اقتصاد کشورهای توسعه‌یافته و درحال‌توسعه است. معدن در اقتصاد نقشی سازنده دارد و می‌توان آن را به‌عنوان تامین‌کننده مواد اولیه بخش صنعت، کشاورزی و رونق دهنده بازارهای داخلی و خارجی و اشتغال‌زایی و درنهایت... به‌عنوان محور اصلی در بخش اقتصادی و اجتماعی در نظر گرفت.

امروزه دیگر نمی‌توان ثروت کشورها را صرفا بر اساس پول، طلا، منابع طبیعی، ماشین‌آلات و سایر دارایی‌های فیزیکی باارزش ارزیابی کرد. در دنیای امروز دارایی‌های نامشهود مثل مهارت و دانش، نیروی انسانی، دارایی‌های فکری، برندها و نام‌های تجاری، قوانین و ساختارهای اقتصادی و اجتماعی جزو باارزش‌ترین دارایی‌ها محسوب می‌شوند که نقش اساسی در پیشرفت و توسعه بر عهده دارد.

با توجه به این نکته، بانک جهانی ثروت کشورهای مختلف را اندازه‌گیری می‌کند و آنها را بر اساس معیارهایی شامل منابع طبیعی (معادن، نفت و زغال و مانند آن)، منابع ساخته‌شده یا فیزیکی (راه‌ها و سایر زیرساخت‌های تولید)، منابع نامشهود (منابع انسانی، سازوکارها و فرآیندهای اقتصادی و اجتماعی و...) رتبه‌بندی می‌کند. کشور ما بر اساس ارزیابی بانک جهانی، امروزه در ردیف کشورهای معدن خیز دنیا قرارگرفته است، اما متأسفانه به دلیل نداشتن سازکارهای مناسب جهت شناسایی و استفاده کامل از این نعمت الهی، نتوانسته به اهداف برنامه‌های پنج‌ساله و بلندمدت کشور همچون سند چشم‌انداز ۱۴۰۴، دست پیداکند.

بنابراین به نظر می‌رسد سیاست‌گذاران و تصمیم سازان برای درک شرایط امروز کشور، باید تمرکز بیشتری بر اصلاح ساختارها و سازکارهای موجود برای توسعه این بخش مهم اقتصادی داشته باشند.

چالش‌های موجود بخش معدن

درحال‌حاضر اطلاعات پایه بخش معدن در کشور، که مهم‌ترین اطلاعات موردنیاز هر سرمایه‌گذار در این بخش از اکتشاف تا فرآوری است، به‌صورت کامل وجود ندارد.

کشور ما با توجه به داشتن سهم ۳ درصدی از ذخایر معدنی در جهان و با وجود سرمایه‌گذاری‌هایی جدید به دلیل عدم آگاهی کامل از سهم این بخش در اقتصاد کشور درمجموع ارقام بسیار ناچیزی را در این بخش جذب می‌کند.

درواقع اجرایی نشدن استراتژی اکتشاف مواد معدنی، که توسط سازمان زمین‌شناسی و اکتشافات معدنی تدوین‌شده، و نبود داده‌های ژئوفیزیک هوایی به‌صورت سراسری در کشور، کم‌توجهی به اکتشاف مواد معدنی استراتژیک و ذخایر پنهان با توجه به ریسک سرمایه‌گذاری و همچنین حمایت نشدن بخش خصوصی با توجه به عدم امنیت اقتصادی و محلی و همچنین مشکلاتی که ارگان‌های دولتی، که در قانون معادن از آنها نام برده شده به‌ویژه منابع طبیعی و محیط‌زیست، ایجاد کرده‌اند، همگی عواملی هستند که علاوه بر اینکه باعث افزایش روند سرمایه‌گذاری در این بخش نشده، در برخی سال‌ها کاهش ۳۳ درصدی سرمایه‌گذاری اکتشافی در کشور را نیز به ارمغان آورده‌اند. ازآنجایی‌که این بخش اقتصادی مهم به ازای هر شغل مستقیم بر اساس آمار سازمان جهانی کار ۱۷ شغل وابسته و تکمیلی ایجاد می‌کند و تقاضای جهانی نیز برای مواد معدنی در هر ۲۰ سال، دو برابر می‌شود معلوم نیست چرا مورد بی‌مهری برنامه‌ریزان و قانون‌گذاران و مجریان قرارگرفته است؟ شاید دلیل اصلی آن را بتوان عدم اطلاع از مزیت نسبی و استراتژیک این بخش در اقتصاد کشور دانست.

سرمایه جای امن می‌خواهد، وقتی برای سرمایه‌گذاری امنیتی وجود نداشته باشد نمی‌توان انتظار داشت که سرمایه‌گذار اعم از داخلی و خارجی سرمایه خود را به خطر اندازد.

از سوی دیگر بسیاری از فعالان معدنی در راستای اعطای تسهیلات ارزی به معادن، ایجاد تعامل صندوق بیمه با صندوق توسعه ملی را بسیار ضروری می‌دانند چراکه، معادن برای دریافت تسهیلات ارزی از بانک‌ها مجبور به ارائه تضمین مالی مطمئن هستند اما تنها مدرکی که در اختیار آنهاست پروانه بهره‌برداری از معادن است.

ازاین‌رو صندوق توسعه ملی باید با صدور بیمه‌نامه برای معادن به‌عنوان یک تضمین‌کننده وارد عمل شود و روند دریافت تسهیلات را در این بخش تسریع کند که به رشد جهشی در صنایع معدنی و همچنین ایجاد رشد کنسرسیوم‌های معدنی در کشور که از ضرورت‌ها است ختم می‌شود.

راه برون‌رفت از بن‌بست

کشور ما طیف بسیار گسترده و متنوعی از انواع گروه‌ها و گونه‌های ارزشمند معدنی به‌ویژه در حوزه کانی‌های فلزی و غیرفلزی مانند مس، سرب، روی، آهن، مولیبدن، طلا و سنگ‌های تزئینی و.. همراه با منابع عظیم ذخایر گاز طبیعی (حدود ۱۷ درصد از کل ذخایر گاز طبیعی دنیا) را در اختیار دارد و این‌همه ظرفیت، برای هر سرمایه‌گذار اعم از داخلی و خارجی مزیت غیرقابل‌چشم‌پوشی به شمار می‌رود.

بنابراین تنها راه برون‌رفت از بن‌بست فعلی فراهم ساختن فضای مناسب برای جذب سرمایه‌گذاری جدید خصوصا سرمایه‌گذاری خارجی در این بخش مهم اقتصادی در کشور است. علاوه بر این باید با اجرای کامل سیاست‌های اقتصادی دولت برای خروج غیرتورمی از رکود باعث رونق در بخش تولید خصوصا معدن و صنایع معدنی شد، اما متأسفانه تاکنون به دلیل دیدگاه‌های سلیقه‌ای خدمات پنجره واحد که نقش موثری در شفاف‌سازی و جذب سرمایه دارد، اجرایی نشده است.

این در حالی است در صورت اجرایی شدن این امکانات و خدمات می‌توان انتظار داشت کاهش فراوانی در جهت فرآیند صدور مجوزها و جذب سرمایه جدید در این حوزه رخ دهد.

لزوم تقویت متولی بخش معدن

در بخشی از سیاست‌های اقتصادی دولت برای خروج غیرتورمی از رکود عنوان‌شده است که مدت‌زمان صدور گواهی کشف باید به ۱۰ روز کاهش یابد. چنین کاری زمانی امکان‌پذیر است که، در شوراهای مربوط به صدور گواهی کشف در استان‌ها این کار به‌موقع انجام شود. فعالان معدنی معتقدند در برخی از شوراها به دلیل کمبود نیروی کارشناس گاهی صدور گواهی کشف با تاخیر زیادی مواجه می‌شود. چنانچه امور مربوط به بررسی و صدور گواهی کشف به تشکل‌های تخصصی شناسنامه‌دار واگذار شود، قطعا فرآیند این کار کاهش خواهد یافت.

اصلاح قانون معادن

همچنین اصلاح قانون معادن در چارچوب قانون جلب و تشویق سرمایه‌گذاری خارجی و ایجاد امکانات و خدمات موردنیاز آنها، از مهم‌ترین پیش‌نیازهای حضور سرمایه‌گذاران خارجی در بخش معدن است که می‌تواند از طریق انتقال علوم و فناوری‌های نوین و روش‌های پیشرفته مدیریت بنگاه‌های معدنی منجر به رشد تکنولوژیکی و بهبود و بهره‌وری بخش معدن شود.

سخن پایانی

درنهایت فرآیند صنعتی شدن کشور طی بیش از ۵۰ سالی که از عمر آن می‌گذرد، بیشتر بر اساس تامین مواد اولیه از منابع خارجی تعریف و تجربه شده و این مشکلی است که یک‌شبه نمی‌توان آن را حل کرد. نخستین انقلاب صنعتی جهان با معدن، به‌عنوان یک مزیت در کشورهای دارای مواد معدنی آغاز شد، اما در کشور ما متاسفانه مسیری کاملا معکوس را پیموده است.

آگهی دعوت به مجمع عمومی عادی سالیانه

شرکت صنایع برش ورق فولادی مبارکه (سهامی خاص)

بدینوسیله از سهامداران محترم **شرکت صنایع برش ورق فولادی مبارکه** (سهامی خاص) به شماره ثبت ۱۳۸۹۸ و شناسه ملی ۱۰۲۶۰۳۴۹۱۱۸ دعوت به عمل می‌آید در جلسه مجمع عمومی عادی سالیانه شرکت که در ساعت ۹ صبح روز **دوشنبه** مورخ **۱۴۰۲/۰۲/۱۱** در محل اصفهان، خیابان هزارجریب، خیابان ششم ملاصدرا، پلاک ۱۲/۱، ساختمان شرکت سرمایه‌گذاری توکافولاد تشکیل می‌گردد. حضور بهم رسانند. جهت رعایت حال سهامداران محترم جلسه به صورت آنلاین نیز برگزار می‌گردد. سهامداران محترم می‌توانند همزمان از طریق آدرس سایت پشتیبانی www.skyroom.online/ch/tukaco/live با استفاده از گزینه مهمان به صورت مجازی و آنلاین ما را در برگزاری مجمع یاری فرمایند. ضمنا سوالات سهامداران محترم در زمان برگزاری مجمع، از طریق درگاه سایت پخش‌کننده مراسم قابل دریافت می‌باشد.

دستور جلسه:

۱. استماع گزارش هیات‌مدیره
۲. استماع گزارش حسابرس مستقل و بازرس قانونی
۳. تصویب صورت‌های مالی منتهی به ۱۴۰۱/۱۲/۲۹
۴. انتخاب حسابرس مستقل و بازرس قانونی اصلی و علی‌البدل
۵. تعیین روزنامه کثیرالانتشار جهت درج آگهی‌های شرکت
۶. انتخاب اعضای هیات‌مدیره
۷. اتخاذ تصمیم درخصوص تقسیم سود
۸. تعیین پاداش هیات‌مدیره و حق حضور اعضای غیرموظف هیات‌مدیره
۹. تصویب معاملات مشمول ماده ۱۲۹ قانون تجارت
۱۰. سایر مواردی که در صلاحیت مجمع عمومی عادی سالیانه می‌باشد.

هیات‌مدیره شرکت صنایع برش ورق فولادی مبارکه (سهامی خاص)

آگهی مناقصه عمومی شماره ۱۴۰۲/۰۱/ع

شرکت معدنی و صنعتی گل گهر (سهامی عام) در نظر دارد "انجام خدمات مشاوره ارزیابی لرزه‌ای و مقاوم‌سازی سازه‌های" مجتمع خود را از طریق برگزاری مناقصه عمومی به شرکت مهندسین مشاور واجد و دارای گواهینامه صلاحیت خدمات مشاوره معتبر با رتبه یک در تخصص مقاوم‌سازی از سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور واگذار نماید. لذا متقاضیان می‌توانند جهت اخذ اسناد مناقصه به وبسایت این شرکت به نشانی WWW.GEG.IR بخش مناقصه و مزایده مراجعه نموده و اسناد مذکور را به همراه فرم پرسشنامه ارزیابی تأمین کنند گان دریافت نمایند. مهلت تحویل پاکات تا ساعت ۱۴:۰۰ روز شنبه مورخ ۱۴۰۲/۰۲/۱۶ در محل دفتر کمیسیون معاملات مجتمع و یا دبیرخانه دفتر مرکزی تهران می‌باشد. ضمناً حضور در جلسه پرسش و پاسخ روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۲/۰۲/۰۶ مقرر شده است. شایان ذکر است فرمت ضمانتنامه‌های شرکت در مناقصه بایستی عیناً مطابق با فرمت ارائه شده در اسناد مناقصه تهیه گردد. شرکت معدنی و صنعتی گل‌گهر در قبول یا رد هر یک از پیشنهادات بدون نیاز به ذکر دلیل و بدون جبران خسارت مختار می‌باشد.

کمیسیون معاملات شرکت معدنی و صنعتی گل گهر

آگهی مناقصه عمومی یک مرحله‌ای (۲۰۰۱۰۰۱۱۰۵۰۰۰۲۷۲)

نوبت دوم

مناقصه گزار: شرکت خطوط لوله و مخابرات نفت ایران – منطقه فارس

موضوع مناقصه: پروژه ترمیم نقاط خوردگی، پایین بردن و مگنت گذاری خطوط لوله ۱۰ اینچ نفت خام گچساران/شیراز ـ ۱۰ اینچ نفت خام سروستان/شیراز و ۸ اینچ انتقال میعانات گازی دالان/شیراز

مبلغ برآورد مناقصه: ۳۶/۰۱۶/۹۶۳/۹۵۷ ریال

۱ـ **محل و مکان اجرای کار:** مسیر خط گچساران/شیراز ،سروستان/شیراز و دالان/شیراز

۲ـ **مدت اجرای کار:** ۳۶۵ روز شمسی

۳ـ **نام دستگاه نظارت:** واحد حفاظت از خوردگی فلزات – منطقه فارس

۴ـ قیمت ها متناسب با کالای ساخت داخل با لحاظ کیفیت ارائه گردد.

۵ـ روش ارزیابی مالی عبارت است از " دستورالعمل ارزیابی مالی و فرآیند قیمت متناسب در مناقصات صنعت نفت به شماره ۷۹۶ـ۲۰/۲ مورخ ۱۳۹۹/۱۲/۱۱ وزارت نفت می باشد.

نوع و مبلغ تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار: مبلغ ۱/۸۰۰/۸۴۸/۱۹۸ ریال بصورت یك یا ترکیبي از ضمانت نامه هاي مندرج در بند هاي الف، ب، پ ،ج ، چ ،ح ،خ ماده ۴ آیین نامه تضمین معاملات دولتي به شماره ۵۰۶۵۹/۱۲۳۴۰۲ مورخ ۱۳۹۴/۹/۲۲ هیأت محترم وزیران می باشد. تضمین وجه نقد میبایست به شماره‌شبا IR ۲۴۰۱۰۰۰۰۴۱۰۱۰۴۶۸۷۱۲۰۰۳۴۴ بانك مرکزي واریز گردد ضمنا" ضمانتنامه یا رسیدوجه آن درسامانه بارگزاري گردد.

ـ درج کد اقتصادي و شناسه ملي جهت اشخاص حقوقیدر پیشنهاد قیمت مندرج درسامانه ستاد الزامی می باشد .

ـ دارابودن وبارگذاری گواهینامه صلاحیت معتبردریکی ازرشته های تأسیسات وتجهیزات یا نفت وگاز با رتبه ۵ ازسازمان برنامه وبودجه کشور الزامي مي‌باشد.

ـ دارا بودن و بارگذاری گواهي تایید صلاحیت ایمني معتبر از وزارت تعاون ,کار و رفاه اجتماعی الزامی می باشد.

زمان و نحوه خرید اسناد مناقصه از سامانه: شرکت کنندگان مهلت دارند تا ساعت ۱۵:۰۰ مورخ ۱۴۰۲/۰۱/۲۸ و با مراجعه به سامانه تدارکات الکترونیکي دولت(ستاد) به نشاني www.setadiran.ir نسبت به خرید اسناد و پرداخت هزینه از طریق اتصال به درگاه پرداخت الکترونیک اقدام نمایند.

لازم به ذکر است کلیه مراحل برگزاري مناقصه از فراخوان تا انتخاب برنده از سایت مزبور انجام خواهد شد و لازم است مناقصه گران در صورت عدم عضویت قبلي در سامانه ستاد ، نسبت به ثبت نام و اخذ گواهي امضاء الکترونیکي اقدام نمایند و جهت عضویت با پشتیباني سامانه ستاد به شماره ۰۲۱۱۴۵۶ تماس حاصل فرمایند. .ضمناً درج کامل آدرس محل اقامتگاه شخص حقوقی (آدرس پستی شرکت)، شماره فکس و تلفن شرکت و مدیران شرکت در سامانه تدارکات الکترونیک دولت جهت ارسال دعوتنامه و هرگونه اطلاع رسانی برای کلیه شرکت کنندگان در مناقصه الزامی است.

زمان و مهلت تکمیل و بارگزاري پیشنهادات در سامانه: شرکت کنندگان مي بایست تا ساعت ۱۵:۰۰ مورخ ۱۴۰۲/۰۲/۱۱ نسبت به تکمیل اسناد مربوطه و بارگزاري در سامانه تدارکات الکترونیک دولت(ستاد) و تحویل اصل پاکت الف (ضمانتنامه شرکت در فرآیند ارجاع کار/اصل رسید واریز وجه نقد) لاك و مهرشده در مهلت مندرج در این بند به دفتر کمیسیون مناقصات نیز اقدام و رسید دریافت نمایند.

زمان و محل گشایش پاکت: پیشنهادهاي واصله در ساعت ۰۹:۳۰ مورخ ۱۴۰۲/۰۲/۱۶ در محل کمیسیون مناقصات به آدرس: تهران- خیابان سپهبد قرني- نرسیده به خیابان سپند- پلاك ۱۸۸- طبقه هشتم از طریق سامانه تدارکات الکترونیک دولت (ستاد) بازگشایي و خوانده خواهد شد. حضورشرکت کنندگان در مناقصه در محل کمیسیون مناقصات در روز بازگشایي پاکات الزامي مي باشد.

زمان و مکان جلسه توجیهی: جلسه توجیهي با حضور شرکت کنندگان در مناقصه جهت بازدید از محل انجام کار و توضیح و تشریح اسناد، در تاریخ ۱۴۰۲/۰۱/۳۰ ساعت ۱۰:۰۰ به نشاني استان فارس-شیراز-بلوار امیرکبیر- جنب انبار نفت- شرکت خطوط لوله و مخابرات نفت ایران- منطقه فارس برگزار میگردد.

جهت کسب اطلاعات بیشتر درخصوص موضوع کار مناقصه با تلفن ۰۷۱-۳۸۱۷۰۲۵۹ آقای امامدادی تماس حاصل فرمائید.

www.shana.ir www.setadiran.ir www.ioptc.ir

شناسه آگهی: ۱۴۷۲۴۱۲

روابط عمومی

آگهی مناقصه عمومی یک‌مرحله‌ای

شماره ۱۴۰۳۵۳م ۱۴۰۲

نوبت دوم

شرکت چندوجهی فولاد لجستیک در نظر دارد **حق‌العمل‌کاری حمل حدود ۲۰۰,۰۰۰ تن در سال مواد معدنی** (کنسانتره سنگ‌آهن- گندله و غیره از مبدا معادن و شرکت‌های **مناطق استان یزد**)(یزد- خوشرنگ- خضرآباد- حاجی‌آباد- میبد- اشکذر- بافق- اردکان) به شرکت‌های فولاد خوزستان و فولاد شادگان را برای مدت ۳ سال به شرح ذیل از طریق مناقصه به شرکت‌هایی که **امکان صدور بارنامه** از مناطق مذکور را دارند و دارای امکانات کافی، منابع انسانی مناسب، سوابق و تجارب اجرایی مرتبط، کد اقتصادی و گواهی صلاحیت معتبر می‌باشند، واگذار نماید.

لذا از کلیه داوطلبان شرکت در مناقصه دعوت می‌شود با رعایت موارد ذیل در ساعات اداری جهت اقدام مقتضی به آدرس: اهواز- باهنر- انتهای بلوار صداقت شرقی- میدان ستایش (فولاد) ساختمان یاوران فولاد جنوب- طبقه ٤ و ٥ کدپستی ۳۳٤۰۶-۶۱۷۷۹ تلفن: ۳۲۱۲۷۶۶۰-۰۶۱ با ارائه معرفی‌نامه معتبر مراجعه نمایند.

۱) ضمن کسب اطلاعات لازم و اعلام آمادگی، می‌بایست مدارک شرکت خود را تا تاریخ **۱۴۰۲/۰۱/۳۱** ارائه نمایند. (لیست مدارک مورد نیاز و پرسشنامه ارزیابی شرکت‌ها از طریق یکی از پیام‌رسان‌های داخلی ترجیحا پیام‌رسان «روبیکا» به شماره تلفنی که از طرف متقاضیان شرکت در مناقصه اعلام می‌شود برای متقاضیان ارسال خواهد شد.).

۲) دریافت اسناد مناقصه (پس از تائید ارزیابی فنی پیمانکاران) در تاریخ **۱۴۰۲/۲/۱۲** در قبال ارائه اصل رسید واریز مبلغ ۱,۰۰۰,۰۰۰ ریال (غیرقابل استرداد) در وجه شرکت چندوجهی فولاد لجستیک.

۳) تحویل پیشنهادات تا پایان وقت اداری مورخ **۱۴۰۲/۲/۲۳**

٤) تاریخ گشایش پاکات پیشنهاد قیمت مورخ **۱۴۰۲/۲/۲۴**

۵) مبلغ تضمین شرکت در مناقصه ۵۸,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال

۶) **نوع تضمین:** بخشی از مبلغ تضمین به صورت ضمانت‌نامه معتبر بانکی یا چک تضمینی و یا واریز مبلغ در وجه شرکت چندوجهی فولاد لجستیک و بخش دیگر به صورت چک صیادی شرکت و یا سفته.

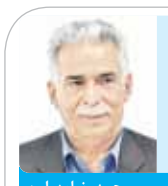
۷) **شماره حساب واریز وجه:** ۰۱۰۸۵۸۸۸۵۲۰۰٤ بانک ملی شعبه فولاد خوزستان

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۲/۰۱/۲۰ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۲/۰۱/۲۶

روابط عمومی شرکت چندوجهی فولاد لجستیک

یادداشت

از این گنجینه غافل نشویم



محمدرضا بهرامن
رئیس خانه معدن ایران

بحث استفاده از توانمندی بخش خصوصی برای برنامه‌ریزی در بخش معدن و احیای شورای سیاست‌گذاری پیشنهادی بود که سال‌ها پیش از سوی خانه معدن ارائه داده شد. دلیل اصلی پیشنهاد این بود که جمعی مشورتی وجود داشته باشد که از ابتدا تا انتهای زنجیره را ببیند و بتواند با برنامه‌ریزی مناسب آسیب‌های این بخش را مهار کند. به‌عنوان‌مثال، یکی از بخش‌های موفق صنایع معدنی کشور صنعت فولاد است که توانسته با برنامه‌ریزی طرحی جامع، تولید خود را به‌سمت ۵۵ میلیون تن هدایت کند.

با این‌حال، امروز که کشور در شرایط نامطلوبی از نظر توسعه قرار گرفته است و طرح‌های عمرانی عموما به حالت نیمه‌تعطیل درآمده‌اند، یکی از دغدغه‌های اصلی مازاد تولید فولاد است. نکته مهم دیگری که در طرح جامع فولاد مغفول ماند، بخش ابتدای زنجیره یا حوزه اکتشاف بود.

معضل دیگر، کم‌توجهی به موضوع آمایش سرزمین بود. به‌عبارت‌دیگر، براساس فشارهای جانبی که به متولی بخش معدن وارد شد، کارخانجات فرآوری و فولادسازی به‌جای اینکه در کنار آب‌های آزاد احداث شوند تا محصول تولیدشده به‌راحتی صادر شود، در استان‌های مرکزی کشور راه‌اندازی شدند که نه آب دارند و نه انرژی و امروزه دغدغه حل چالش‌های موجود در این زمینه هم به مشکلات این صنعت افزوده شده است. اگر شورای سیاست‌گذاری داشته باشیم، دخالت‌های جانبی می‌تواند کمترین اثر را در بخش معدن و صنایع معدنی داشته باشد. اگر بنا بر این باشد که تصمیمات با هماهنگی بخش خصوصی یا شوراها گرفته شوند، مسئولان دولتی در برابر فشارهای سیاسی آسیب کمتری خواهند دید و زمانی که فشارهای سیاسی بر آنها افزایش می‌یابد، می‌توانند تصمیم‌گیری را منوط به نظر شورا کنند و مسئولیت را از شانه خود بردارند.

از سوی دیگر، برای معدن هیچ‌وقت نمی‌توان برنامه‌ریزی کوتاه‌مدت داشت و همیشه باید به افقی دوردست، شاید تا ده‌ها سال بعد، نگریست. این قاعده در کشور ما هم صادق است و به همین دلیل، پروانه‌های معدن هر ۲۵ سال یک‌بار تمدید می‌شوند. باید از امروز مطالعه کنیم که قرار است تا ۲۵ یا ۳۰ سال آینده تامین‌کننده خوراک کدام‌یک از صنایع و کشورهای منطقه باشیم.

این موضوع را چه کسانی باید پیش‌بینی و براساس آن استراتژی تعریف و تنظیم کنند و برنامه‌ها را برای آن روز به مرحله اجرا درآورند؟

برای اینکه مدیران بتوانند زنجیره معدن را به‌صورت بلندمدت تعریف کنند، باید همواره شورایی با نگاه جامع و بلندمدت کنار دست خود داشته باشند تا بتوان در مسیر درست گام برداشت. به‌هرحال، معدن باید خوراک صنایعی را که نیاز به مواد معدنی دارند، تولید کند. مگر می‌شود بدون برنامه راهبردی و استراتژیک، کار را در مسیر درست پیش برد و مگر می‌توانیم بدون افرادی که در قالب شورا کار را مدیریت کنند، به اهداف خود برسیم؟ براساس قانون اساسی، متولی بخش معدن، وزارت صمت است و شورا باید از طریق این بخش مدیریت شود. بنابراین حاکمیت معدن باید نیروهای کارآمد را از بخش‌های مختلف انتخاب کند؛ این نیروها شامل استادان دانشگاه‌ها تا افرادی که تجربه و سابقه طولانی دارند و بخش خصوصی که تجربه‌های ارزشمندی دارد، می‌شود که گرانبهاترین دارایی‌های حوزه معدن کشور هستند و باید از این گنجینه ارزشمند بهره برد. معادن جزو ذخایر تجدیدناپذیری هستند که به همه مردم تعلق دارند؛ بنابراین در ایران زیرمجموعه انفال قرار گرفته‌اند و در کشورهای دیگر هم در اختیار دولت و حاکمیت هستند و به همین جهت، دولت باید برای بهره‌برداری از آنها بهترین روش‌های ممکن را اتخاذ کند. از این‌رو همیشه جای خالی شورایی از نخبگان این بخش برای ارائه راهکارهای مشورتی و کمک به سیاست‌گذاری در این بخش احساس شده است. شاید بتوان گفت بی‌اغراق از حدود ۲۰ سال پیش به این‌سو، به‌کرات این پیشنهاد از سوی خانه معدن به دولت ارائه شده است. تا امروز هم، همه مسئولان و مدیران بر اهمیت این شورا تایید کرده‌اند و هرگز ندیده‌ایم که در ضرورت آن تردیدی وجود داشته باشد، اما متاسفانه تا امروز شاهد رخ دادن اتفاق مهمی در این زمینه نبوده‌ایم. کوتاه‌سخن اینکه، اگر یک شورای سیاست‌گذاری مطلوب در بخش اکتشاف داشتیم، امروز دچار دغدغه کمبود مواد اولیه نبودیم؛ شاید وظایف سازمان زمین‌شناسی به‌مراتب بالاتر از این بود؛ شاید بانک اطلاعاتی ما امروز به‌مراتب پربارتر از امروز بود و...

در گزارش صمت درباره استفاده از نظرات بخش خصوصی در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی مطرح شد

غافلگیری و بی‌مهری به خرد جمعی

گیتا جاودانی
editor@smtnews.ir

«هیچ تصمیم اقتصادی بدون نظر فعالان بخش خصوصی گرفته نشود» این عنوان سخنانی است که رئیس‌جمهوری در جمع تولیدکنندگان و کارآفرینان برتر کشور ایراد کرد.

وی به همراه وزرای امور اقتصادی و دارایی و صنعت، معدن و تجارت، رئیس کل بانک مرکزی و معاون اجرایی و رئیس دفتر خود در ضیافت افطاری در جمع نمایندگانی از تولیدکنندگان و کارآفرینان مطرح کشور در بخش‌های مختلف صنعتی، دانش‌بنیان و کشاورزی حضور یافت و با آنها درباره سیاست‌های اقتصادی دولت و تشریح مشکلات و نظرات گوناگون در زمینه راهکارهای رفع موانع و رونق تولید به گفت‌وگو و تبادل‌نظر پرداخت.

وی در این نشست، مباشرت با تولیدکنندگان و کارآفرینان را با هدف بررسی، احصا و رفع مشکلات آنها ضروری دانست و مقرر کرد به‌منظور اطمینان از اجرایی شدن خواسته‌های تولیدکنندگان و کارآفرینان تا پایان سال این نشست تکرار و حداقل به‌صورت فصلی برگزار شود.

این نخستین‌بار نیست که در دولت سیزدهم بر نظرخواهی از بخش خصوصی تاکید می‌شود. پیش از این، معاون اول و معاون حقوقی رئیس‌جمهوری بر عمل به مواد ۲ و ۳ قانون بهبود مستمر کسب‌وکار که ناظر به این امر است، تاکید کرده بودند، اما تا امروز این بخشنامه‌ها مورد بی‌مهری قرار گرفته است.

گزارش امروز صمت، به بررسی این موضوع اختصاص پیدا کرده است و بهرام شکوری، رئیس انجمن سنگ ایران و سعید عسگرزاده، دبیر انجمن سنگ‌آهن ایران نظرات خود را در این زمینه با ما در میان گذاشتند.



عکس: صمت

شاید بتوان با اغماض گفت برای موضوعات پیش‌پاافتاده از بخش خصوصی نظرخواهی می‌شود، اما برای موضوعات اساسی که تاثیر جدی در کسب‌وکار دارند، محدودیت‌ها، موضوعات قبض و بسطی و... به این بهانه که محرمانه است، بخش خصوصی را طرف مشورت قرار نمی‌دهند

شرایط خوبی پیش‌روی معدن نیست. واقعیت این است که با ادامه این روال، رشد اقتصادی که انتظار آن را داریم، محقق نخواهد شد، همان‌طور که تا امروز هم محقق نشده است

تصمیمات خلق‌الساعه



بهرام شکوری ـ رئیس انجمن سنگ ایران:
واقعیت این است که قانون بهبود فضای کسب‌وکار در بند ۲ و ۳ دولت را موظف کرده در سیاست‌گذاری‌های خود حتما نظر بخش خصوصی را احصا کند، اما در این مدت متاسفانه به این بند قانونی اهمیتی داده نشده و بدون نظر بخش خصوصی تصمیمات خلق‌الساعه زیادی گرفته می‌شود و کل کسب‌وکارها را نیز متاثر و خسارت‌های جبران‌ناپذیری را به بخش خصوصی وارد کرده است.

باتوجه به نام‌گذاری امسال برمبنای کاهش تورم و رشد تولید، به‌طبع باید این اتفاق در حوزه کسب‌وکارها رخ دهد و هرکدام از این بخشنامه‌ها و دستورالعمل‌هایی که تا امروز بدون نظر بخش خصوصی صادر شده و تولید و رشد اقتصادی را متاثر کرده است، بلااثر شود، اما به‌نظر نمی‌رسد سازمان‌ها از این موضوع تبعیت کنند.

▣ احیای شورای سیاست‌گذاری

از سال گذشته، یکی از موضوعاتی که به‌شدت دنبال آن بودیم، احیای شورای سیاست‌گذاری زنجیره مواد معدنی است، اما متاسفانه آقایان فاطمی‌امین و محتشمی‌پور از پذیرش این درخواست سر باز می‌زنند.

در شورای سیاست‌گذاری که برای مس، فولاد، سنگ‌های تزئینی، طلا، آلومینیوم، سرب، روی و... طراحی می‌شود، هم انجمن‌های مربوطه حضور دارند، هم تمام خبرگان آن صنعت به جلسه دعوت می‌شوند و هم کارشناسان وزارتخانه در آن حضور دارند. در واقع، تصمیمات در چنین شورایی براساس یک خرد جمعی گرفته می‌شود و چالش‌های صنعت موردبررسی قرار می‌گیرد و راهکارها ارائه می‌شوند و مبنای سیاست‌گذاری‌ها قرار می‌گیرند. این بهترین اتفاقی بود که زمانی رخ داد، اما متاسفانه بعد از چندی متوقف شد و کار ادامه پیدا نکرد.

بنابراین به‌جد دنبال این هستیم که این شوراهای سیاست‌گذاری احیا شوند و بارها از انجمن سنگ تزئینی که ریاست آن برعهده من است و هم از انجمن مس ایران برای آقای وزیر و معاونت معدن نامه نوشتیم، اما تا امروز اتفاقی در این زمینه رخ نداده و شورایی تشکیل نشده و متاسفانه به مشورت با بخش خصوصی تن نمی‌دهند و این لطمات بسیاری وارد کرده و تجربه ناموفقی بوده، اما در عین حال تاکید دارند که همین روال را ادامه دهند.

▣ تبعات بی‌توجهی به قانون

این نخستین‌باری نیست که به قوانین بی‌توجهی می‌شود. یکی از تکالیف نمایندگان بعد از وضع قوانین، نظارت بر اجرای قانون است. وقتی به مجلس دهن‌کجی کردند و قوانین آن را اجرا نکردند، مجلس هیچ اقدامی انجام نداد. بعد از آن در مواردی که قانون مورد بی‌توجهی قرار گرفت، بخشنامه‌هایی هم صادر شد که آنها هم مورد بی‌مهری واقع شد.

نمونه آن در وثیقه قرار دادن پروانه‌های بهره‌برداری معادن اتفاق افتاد که آن هم جزو قانون و تکلیف قانونی است و آنها رعایت نکرده‌اند و خود رئیس‌جمهوری، معاون اول و معاون حقوقی دوباره قانون را بخشنامه کردند، اما باز هم بانک‌ها پروانه‌ها را به‌عنوان وثیقه قبول نکردند و نمی‌کنند. این بار هم به‌نظر می‌رسد قرار نیست به قانون عمل شود.

▣ ترک فعل‌ها کم نیست

ترک فعل‌هایی که در دولت‌ها، از جمله دولت فعلی اتفاق افتاده، کم نیست. برای مثال درباره حقوق دولتی قانون تکلیف کرده که ۶۵ درصد آن در حوزه معدن سرمایه‌گذاری و ۱۵ درصد صرف رفاه روستاها شود، ۱۲ درصد به منابع طبیعی، ۳ درصد به نظام مهندسی و ۵ درصد به صندوق بیمه پرداخت شود، اما هیچ‌یک انجام نمی‌شود؛ اینها مر قانون است، اما رعایت نمی‌شود.

حرف این است که در کشور اتاق اصناف، اتاق تعاون و اتاق بازرگانی و تشکل‌های صنفی وجود دارند. وقتی انجمن‌ها حضور دارند، دیگر نیازی نیست تک به تک با فعالان بخش خصوصی صحبت کنند که پای خصولتی‌ها به‌میان بیاید. چرا از مشورت انجمن‌های صنفی که تمام نمایندگان بخش خصوصی از سراسر زنجیره در آن حضور دارند، بهره نمی‌برند؟ انجمن‌های صنفی تشکیل و رأی‌گیری انجام شده است و اعضای هیات‌رئیسه خود را انتخاب کرده‌اند، اما معلوم نیست چرا برای مشورت با آنها مقاومت وجود دارد؟

▣ معدن امسال

اصلا شرایط خوبی پیش‌روی معدن نیست. واقعیت این است که با ادامه این روال، رشد اقتصادی که انتظار آن را داریم، محقق نخواهد شد، همان‌طور که تا امروز هم محقق نشده است.

اگر امروز افزایشی در نرخ ارز اتفاق می‌افتد و ارزش پول ملی کاهش پیدا می‌کند، شاید این تصور ایجاد شود که رشدی صورت گرفته، اما در واقع این شرایط زاییده افزایش نرخ است، نه افزایش تولید. در برخی از موارد، حتی شاهد آن هستیم که تولید کاهش پیدا می‌کند، اما به‌علت افزایش قیمت‌ها این تصور به‌وجود می‌آید که رشدی رخ داده، اما اگر رشد نسبت به افزایش قیمت در نظر گرفته شود، منفی است.

گردونه ابهام



سعید عسگرزاده، دبیر انجمن سنگ‌آهن ایران:
وضعیت تصمیمات دولت در گردونه‌ای قرار دارد که فرآیند تصمیم‌گیری را به‌طرز مبهمی شکل می‌دهد. این گردونه متشکل از کارشناسانی است که به حوزه تحت‌نظر خود احاطه لازم را ندارند، اما در عین حال، استفاده از نظرات دیگران را نگران‌کننده می‌بینند. دلیل اصلی مشکل آن است که از عدم‌تسلط خود بر موضوعات می‌ترسند و بیم آن دارند که ناتوانی آنها آشکار شود و دیگر نتوانند مدیریت موضوعات را در اختیار خود داشته باشند. به‌نظر من، این بزرگ‌ترین مانعی است که جلوی استفاده از توان بخش خصوصی در ارائه راهکار و مشورت گرفتن وزارت صمت از بخش خصوصی را گرفته است. این نخستین‌بار نیست که به این موضوع پرداخته شده و تاکنون کشور ضررها و صدمات فراوانی از این بابت متحمل شده است.

▣ اتفاقاتی عجیب و غریب

در ماده ۲ و ۳ قانون بهبود مستمر فضای کسب‌وکار بر نظرخواهی از بخش خصوصی تاکید شده و رئیس‌جمهوری و معاون اول و معاون حقوقی هم دوباره موضوع را تکلیف کرده‌اند و این به‌نظر من، جزو عجیب و غریب‌ترین اتفاقاتی است که می‌تواند در دولت رخ دهد. به‌عبارت دیگر، همه ارکان دولت قاعدتا باید از قانون آگاه باشند و به آن عمل کنند، اما باز هم کار به تاکید مجدد و ابلاغیه بالادستی می‌رسد، اما جالب‌تر این است که دوباره مورد بی‌توجهی قرار می‌گیرد.

این در حالی است که حداقل انتظار می‌رود مجموعه هیات دولت، خود به این بخشنامه پایبند باشند و بگویند احصای نظرات تشکل‌های تخصصی که از پیش به‌صورت قانون درآمده و تاکید شده است، باید به‌صورت مکتوب پیوست پیشنهادات قرار گیرد و اگر وجود نداشته باشد، موضوع مطرح‌شده قابل بررسی نیست، اما همچنان چنین اتفاقی هم نمی‌افتد و بی‌توجهی به قانون ادامه دارد. من فکر می‌کنم راه درست حل مسئله هنوز برای دولت مشخص نشده و این بزرگ‌ترین مشکلی است که دولت با آن مواجه است.

▣ غافلگیری در دولت

نتیجه این بی‌توجهی‌های دامنه‌دار این است که وقتی موضوعی پیش می‌آید، دولت همواره غافلگیر می‌شود و به‌نظر من، این جزو مواردی است که دولت باید به‌طورجدی راهی برای جلوگیری از تکرار آن بیابد. در فضای اجرایی و کسب‌وکار نظام حکمرانی کشور غافلگیری باید جزو اتفاقات نادر و استثنایی باشد، اما در حال حاضر به این شکل نیست و به‌صورت یک قاعده کلی درآمده است.

دولت ارتباط مستمر و مشخصی با بدنه کسب‌وکار ندارد؛ بنابراین از بدنه کسب‌وکار بازخورد نمی‌گیرد. نبود بازخورد باعث می‌شود که درک درستی از شرایط کسب‌وکار نداشته باشد. آنچه در تعامل تشکل‌های تخصصی و دولت اتفاق می‌افتد، این است که بسیار تلاش می‌کنند برای دولت روشن کنند که چه گره‌هایی وجود دارد و اگر موردتوجه قرار نگیرد، پیچیده‌تر و کورتر می‌شود و زمینه تبدیل شدن به بحران را فراهم می‌کند، اما دولت این موضوع را به‌سختی می‌پذیرد.

▣ بی‌مهری به قانون

به‌نظر می‌رسد با رویه‌ای که دولت سیزدهم تا امروز در پیش گرفته، تاکید مکرر بر استفاده از نظرات بخش خصوصی باز هم به مرحله عمل نرسد. چندی پیش هم، معاون اول رئیس‌جمهوری، آقای مخبر، بخشنامه‌ای صادر کرده بودند که باید مواد ۲ و ۳ قانون بهبود مستمر فضای کسب‌وکار جدی گرفته شود و به پیوست هر بخشنامه و دستورالعملی که قرار است در جلسات هیات مطرح شود، حتما باید نظرات تخصصی تشکل‌های مرتبط هم به‌صورت مکتوب ارائه شود. حال سوال اینجاست که چگونه از آن زمان تا امروز در بخشنامه‌های ارائه‌شده، همین دستورالعمل رعایت نشده، اما به مرحله طرح بحث رسیده است؟

این درباره موضوعاتی است که باید در خود هیات‌دولت مطرح شود، شرایط برای تصمیماتی که در اختیار خود وزارتخانه‌ها یا معاونت‌هاست، به مراتب بدتر است و متاسفانه اصلا به آن عمل نمی‌شود.

البته شاید بتوان با اغماض گفت که برای موضوعات پیش‌پاافتاده از بخش خصوصی نظرخواهی می‌شود، اما برای موضوعات اساسی که تاثیر جدی در کسب‌وکار دارند، محدودیت‌ها، موضوعات قبض و بسطی و... به این بهانه که محرمانه است، بخش خصوصی را طرف مشورت قرار نمی‌دهند و نه‌تنها برای این موضوع از کسی استعلام نمی‌کنند که گاهی بخشنامه‌ها را هم محرمانه اعلام می‌کنند؛ مگر می‌شود برای کسب‌وکارها قوانین محرمانه صادر کرد!

▣ بخشنامه‌های محرمانه

به‌عنوان مثال، در حال حاضر یکی از بخشنامه‌هایی که به‌دنبال اصلاح آن در دیوان عدالت اداری هستیم، محرمانه است و طیفی که مخاطب این بخشنامه هستند، از متن آن بی‌اطلاع هستند و به این ترتیب، تنها در پایان اقدامات و فعالیت‌های خود از نتیجه آن مطلع می‌شوند. به‌عنوان مثال، در زمان صادرات کالا تازه از طریق گمرک متوجه می‌شوند که رویه تغییر کرده است.

این در حالی است که تغییر رویه‌ها باید از چندین ماه قبل اطلاع‌رسانی و همه آگاه شوند، اما این فرآیند طی نمی‌شود و به معنی واقعی یک‌شبه تصمیمات جدیدی اتخاذ می‌شود و بلافاصله طی بخشنامه‌ای محرمانه ابلاغ و به مرحله اجرا گذاشته می‌شود و کسانی که مقررات جدید بر فعالیت آنها تاثیرگذار است هم، اجازه دیدن بخشنامه محرمانه را ندارند.

ما به‌عنوان تشکل تخصصی نه‌تنها دخل و تصرفی در آن نداریم و در مرحله تنظیم، تدوین و اصلاح آن از ما نظرخواهی نشده که حتی آن را رویت هم نکرده‌ایم و امروز که می‌خواهیم برای ابطال آن اقدام کنیم، با مشکل مواجه هستیم. به‌عبارت ساده‌تر، ما به دیوان عدالت اداری مراجعه و اعلام می‌کنیم در فلان تاریخ و فلان شماره بخشنامه‌ای صادر شده که ما به مفاد آن اعتراض داریم، اما چون محرمانه است ما نمی‌توانیم آن را پیوست کنیم، بنابراین باید خود دیوان آن را از وزارتخانه بگیرد.

اوضاع در سطوح پایین‌تر به‌مراتب بدتر از این است، اما انتظار این است، موضوعاتی که در هیات دولت مطرح می‌شود، با دقت بیشتری بررسی شود و اگر نظر بخش خصوصی به‌صورت مکتوب پیوست نشده باشد، بررسی آن را از دستور کار خارج کند.

سخن پایانی

امید است بعد از تاکید مکرر رئیس‌جمهوری در سخنان اخیر خود، از این پس، شاهد اجرای قانون و پایبندی به مواد ۲ و ۳ قانون بهبود مستمر کسب‌وکار باشیم و استفاده از نظرات انجمن‌های صنفی و بخش خصوصی کارآمد و زبده موردتوجه قرار گیرد و این اقدام حتی به مجلس که خود قوانین را وضع کرده، تسری یابد و در قانون‌گذاری‌ها از نظرات انجمن صنفی استفاده شود.

در گفت‌وگو با فعالان بازرگانی مطرح شد

بازتعریف دیپلماسی تجاری

در دهه‌های گذشته کشورهایی که خودشان را در مسیر توسعه و جهش اقتصادی قرار دادند، عمدتا به جایگاه بخش خصوصی توجه ویژه داشته و سهم این بخش از اقتصاد را افزایش داده‌اند. در ایران نیز دولت‌های مختلف شعار کوچک‌سازی دولت را مطرح کردند تا نقش بخش خصوصی در اداره اقتصاد بیشتر شود، اما نحوه واگذاری‌ها به بخش خصوصی بر اساس مکانیسم استاندارد و اصول آزادسازی اقتصادی صورت نگرفت و از نگاه کارشناسان تنها مدیریت بنگاه‌ها جابه‌جا شد. صمت در این گزارش به جایگاه بخش خصوصی تجارت و الزاماتی که برای توسعه تجاری باید از سوی دولت رعایت شود، پرداخته است.

این در حالی است که رئیس‌جمهوری هفته گذشته در نشست با جمعی از تولیدکنندگان و کارآفرینان برتر تاکید کرد؛ از این پس هیچ تصمیم اقتصادی بدون نظر فعالان بخش خصوصی گرفته نخواهد شد.



عکس: صمت

گروه تجارت
editor@smtnews.ir

وضعیت نامطلوب شاخص آزادی اقتصادی

وضعیت نامطلوب شاخص آزادی اقتصادی یکی از موضوعاتی است که نشان می‌دهد ساختار داخلی اقتصاد تا چه حد می‌تواند بسترهای رقابت اقتصادی را فراهم کرده و با عملکرد ضد انحصاری منجر به مبادلات تجاری معناداری شود. در این فرآیند بخش‌های مختلف فعالیت‌های اقتصادی تحریک شده و تقاضا برای محصولات داخلی افزایش می‌یابد. از سوی دیگر این شاخص بیانگر میزان حضور بخش خصوصی، حضور بخش مردمی تعاونی و بخش سوم اقتصاد است که می‌تواند شامل نهادهای خیریه مثل اوقاف و... در بدنه اقتصاد کشور شود. حال سوال آن است، ایران در این رتبه‌بندی چه جایگاهی دارد؟ پرسش دیگر آن است که شاخص‌هایی مانند فضای کسب‌وکار بخش خصوصی در کشور ما چه میزان رشد داشته است؟ همچنین میزان آزادی‌بخش خصوصی نسبت به بخش دولتی چقدر است؟ برخی با اعتقاد به لزوم کوچک‌سازی دولت این اقدام را کلید حل مشکلات، راهکار چابک‌سازی دولت و مسیر دست‌یابی به توسعه مطرح می‌کنند و عده‌ای دیگر با باور به کارآمدی دولت بزرگ، توان‌بخش خصوصی را در حد جایگزین شدن با نقش دولت نمی‌دانند.

بازگشت به جریان اصلی توسعه

ایرج صادقی، کارشناس اقتصاد با اشاره به اینکه بیش از ۴ دهه از یکه‌تازی اقتصاد دولتی در ایران می‌گذرد گفت: آنچه در سطح بین‌الملل نسبت به تاثیرات و نقش بخش خصوصی در یک کشور قضاوت می‌شود به شاخص کسب‌وکار در اقتصاد کشور برمی‌گردد که توسط اقتصاددانان مورد بررسی و سنجش قرار می‌گیرد. حال در شرایطی که شاهد بدتر شدن میانگین شاخص محیط کسب‌وکار کشور هستیم، به نظر می‌رسد کاهش تصدی‌گری دولت از ضروریات است.

▣ مداخله‌گری دولت در اقتصاد

این کارشناس اقتصاد در گفت‌وگو با ایمنا افزود: همواره دولت‌های ایران تمایل زیادی به مداخله‌گری در همه امور داشته‌اند، در حالی که رمز موفقیت و پیشروی اقتصاد یک کشور در دست بخش خصوصی است. با وجود انحصار دولت در بسیاری از بخش‌ها مشخص است که فضای رقابتی از بین می‌رود و نبود رقابت هم معنایی جز ساکن شدن و رکود در برندارد.

به عبارتی اگر خواهان ارتقای کیفی ت در همه حوزه‌های اقتصادی هستیم لازم است یک فضای رقابتی بین بخش‌های خصوصی ایجاد شود.

وی ادامه داد: همان‌گونه که در این سال‌ها شاهد بوده‌ایم، دولت‌ها تمایل زیادی در به دستگیری امور دارند و البته به طور شعاری از اهمیت بخش خصوصی و نگاه مثبت به آن حرف‌های زیادی زده می‌سود. اما در عمل با افزایش تصدی‌گری دولت روبه‌رو بوده‌ایم که پیامد آن کاهش تولید و بهره‌وری است.

▣ نگاه کشورهای پیشرفته جهان اول

صادقی گفت: اگر نگاهی به کشورهای پیشرفته جهان اول داشته باشیم متوجه می‌شویم که در همه این کشورها نقش بخش خصوصی بسیار پراهمیت است و مداخله دولت در امور اقتصادی آنها در کمترین میزان خود قرار دارد.

این کارشناس اقتصادی یادآور می‌شود: البته نظارت کامل وجود دارد اما سعی بر کمترین دخالت در امور اقتصادی و پرداختن دولتمردان به برنامه‌ریزی و قانون‌گذاری است. حال آنکه در ایران این جریان متفاوت است و دولت با مداخله در بازارها و قیمت‌ها شرایطی را به وجود آورده است که جبران آن بسیار دشوار است. از طرفی هم با مانع‌تراشی‌ها مقابل بخش خصوصی باعث دلسردی آنها و به حاشیه رانده شدن این بخش و در نهایت عقب افتادن کشور از مسیر توسعه‌یافتگی شده است. صادقی خاطرنشان می‌کند: ضرورت دارد دولت سیزدهم با تصمیم‌های صحیح و اصولی این مسیر را به جریان اصلی خود بازگرداند و با برنامه‌ریزی مدبرانه اقدامی که لازم بود در طول این سال‌ها انجام گیرد را به تحقق رساند. راهی که قطعا پایانش توسعه اقتصادی خواهد بود.

> سهم ایران در تجارت جهانی گفت: این سهم از ۳ دهم درصد در سال ۱۳۹۵ به ۲ دهم درصد رسیده است

تاکید بر حضور بین‌المللی

سادینا آبایی، فعال بازرگانی با بیان اینکه هیچ اقتصادی بدون حضور بخش خصوصی واقعی به شکوفایی نمی‌رسد گفت: بنابراین هر چه زمینه برای حضور بین‌المللی بخش خصوصی بیشتر فراهم شود، رشد اقتصادی، توسعه و اشتغال‌زایی عملی‌تر خواهد بود. این فعال تجاری با اشاره به سهم ایران در تجارت جهانی گفت: این سهم از ۳ دهم درصد در سال ۱۳۹۵ به ۲ دهم درصد رسیده و براساس گزارش مرکز پژوهش‌های اتاق بازرگانی ایران، سهم محیط همسایگی ایران در اقتصاد دنیا ۵ درصد است؛ این سهم در ۷۰ سال گذشته بدون تغییر باقی مانده است. بر همین اساس به نظر می‌رسد همسایگان ما حداقل در چشم‌انداز بلندمدت، تعامل با ایران و یا منطقه را در اولویت قرار نداده‌اند. همچنین به افزایش سهم خود در تجارت جهانی می‌اندیشند و این در شرایطی است که دولت‌ها در ایران و به طور مشخص دولت سیزدهم برای افزایش مراودات تجاری با همسایگان و پیوستن به پیمان‌های دوجانبه با همسایگان و چندجانبه با کشورهای منطقه در تکاپوی روزافزون هستند. آبایی با تاکید بر اینکه تقویت دیپلماسی اقتصادی بدون شک می‌تواند در ارتقای سهم ایران در تجارت جهانی و منطقه‌ای سهم بسزایی داشته باشد گفت: معاونت دیپلماسی اقتصادی وزارت امور خارجه هم این امر را در دستور کار داده است. وی افزود: در بعد داخلی نیز برای دستیابی به یک دیپلماسی اقتصادی مقتدر و متناسب با ظرفیت‌های ایران به بازتعریف دیپلماسی و وظایف و تکالیف دستگاه دیپلماسی و دیپلمات‌ها، هماهنگی بین دستگاه‌های مختلف اقتصادی و سیاسی، معتقد بودن این دستگاه‌ها به لزوم حضور بخش خصوصی واقعی و فضاسازی برای حضور این بخش نیاز جدی احساس می‌شود. این فعال اقتصادی با تاکید بر تمرکز بر بعد بین‌المللی در توسعه تجارت گفت: باید استراتژی‌های مناسب و به‌موقع و مبتنی بر موقعیت ژئوپلتیک به نفع دیپلماسی اقتصادی، اتخاذ کنیم. در همین حال شناخت دقیق بازارهای هدف و تنظیم برنامه برای نقش‌آفرینی حداکثری در این بازارها، تسهیل روند جذب سرمایه‌گذاری خارجی و توجه خاص به ایرانیان خارج از کشور به افزایش سهم ایران در تجارت جهانی و منطقه‌ای و بالا بردن سهم کشورمان از مراودات تجاری با همسایگان منجر خواهد شد.



▣ هماهنگی تمام وزارتخانه‌ها

آبایی اجرایی شدن چنین اهدافی را هماهنگی تمامی وزارتخانه‌ها و دستگاه‌های اقتصادی و سیاسی دخیل در امر دیپلماسی اقتصادی دانست و گفت: این امر تاکنون کمتر دیده شده و مدام فریاد نارضایتی و گلایه‌های بخش خصوصی و بخش‌های دولتی اقتصاد نسبت به مدیران بخش‌های دیپلماتیک درباره عدم اطلاع‌رسانی در مورد مفاد قراردادها بلند است. ضمن اینکه بین دستگاه‌ها و وزارتخانه اقتصادی مرتبط با حوزه تجارت هم هماهنگی درخوری وجود ندارد.

وی افزود: از آنجایی که علاوه بر وزارتخانه‌های اقتصادی، شرکت‌های بزرگ و کوچک بخش‌های شبه دولتی و نیمه‌خصوصی، شرکت‌های بزرگ دولتی و بعضی نهادهای اقتصادی و غیراقتصادی فعال در حوزه اقتصاد ایران، حضور پررنگی دارند، دستیابی به اهداف درون مجموعه‌ای نسبت به استراتژی‌های ملی، در اولویت بیشتری قرار دارد. حال آنکه در جهان پرشتاب و مدرن امروز، بدون همکاری و هماهنگی بین دستگاه‌ها و بخش‌های ذی‌نفع و تاثیرگذار در عرصه اقتصاد و سیاست، جان دادن به دیپلماسی اقتصادی و بالا بردن سهم ایران از تجارت بین‌المللی غیرممکن است. به گفته این کارشناس تجاری، در جهان امروز، هیچ اقتصادی بدون حضور بخش خصوصی واقعی به ثمر و شکوفایی نمی‌رسد. بنابراین هر چه زمینه‌ها برای حضور بین‌المللی بخش خصوصی بیشتر و عمیق‌تر باشد، رشد اقتصادی، توسعه و اشتغال‌زایی مقدورتر خواهد بود. آبایی با اشاره به اینکه سهم ۸۰ درصدی دولت در اقتصاد ایران، امکان ارائه امتیازات ویژه به بخش خصوصی واقعی را سلب کرده، گفت: این در شرایطی است که اقتصاد دولتی به‌راحتی بازار و مکانیسم عرضه و تقاضا را دست‌کاری می‌کند و بخش خصوصی را تحت‌فشار قرار می‌دهد و هر روز منزوی‌تر می‌کند. بنابراین باید طرحی نو دراندازخت که شاکله آن در این کوتاه‌سخن برشمرده شد.

سخن پایانی

بسیاری بر این باورند که بخش دولتی به نوعی جای بخش خصوصی را در اقتصاد ایران گرفته و عملا اجازه تحرک به بخش خصوصی و بخش مردمی جامعه برای فعالیت‌های اقتصادی را نمی‌دهد. به این ترتیب، بخش خصوصی از سرمایه‌گذار و تولیدکننده گرفته تا تاجر و بازرگان در طول این سال‌ها با تجربیات مطلوبی همراه نبوده‌اند. از بخشنامه‌های فوری و پی در پی و بروکراسی اداری پیچیده تا محدودیت‌های ارزی و مبادلات مالی که هر بار وعده‌ای به این فعالان داده شده اما در عمل تحقق نیافته است. دیدگاه بسیاری از فعالان اقتصادی در رابطه با پررنگ کردن بخش خصوصی در اقتصاد آن است که این بخش نیازمند حمایت و نقشه راه است. زیرا با حمایت از این بخش حضور فعال بخش خصوصی در پروژه‌های کشور بیشتر شده و با برنامه‌ریزی و طراحی به افزایش درآمدزایی دولت منتهی خواهد شد. علاوه بر کاهش رکود و افزایش درآمدهای دولت نیز با چنین تحرکی کمکی قابل توجه به رفع بیکاری و افزایش اشتغالزایی خواهد شد. ایجاد انگیزه لازم برای مشارکت این بخش در طرح‌ها و پروژه‌ها به بسترسازی دولت برای سوددهی بیشتر وابسته است. بنابراین تا زمانی که رویکرد دولت درآمدزایی برای بخش خصوصی نباشد و بخش خصوصی به این نتیجه نرسد که از انجام این فعالیت‌های اقتصادی سود بیشتری خواهد داشت، نمی‌توان انگیزه‌ای در بخش خصوصی برای مشارکت در انجام طرح‌های زیر بنایی و عمرانی انتظار داشت.

مدیرعامل فولاد خوزستان با اشاره به نام‌گذاری سال ۱۴۰۲:

حمایت از تولید به مهار تورم می‌انجامد

امین ابراهیمی مدیرعامل فولاد خوزستان در گفت‌وگو با خبرنگار روابط‌عمومی فولاد خوزستان، ضمن تبریک سال نو و حلول ماه مبارک رمضان اظهار داشت: اقتصاد زنجیره پیوسته‌ای از تولید، واردات، صادرات و خدمات است. اگر تولید مورد توجه قرار بگیرد، اقتصاد رشد می‌کند و به دنبال آن شاهد مهار تورم خواهیم بود. تولید پایدار در ایجاد اشتغال، محرومیت‌زدایی، امنیت اجتماعی و ایجاد بازارهای محلی و کاهش آثار منفی رکود تورمی، نقشی مؤثر دارد. یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های رشد اقتصادی، ارزش‌آفرینی و صادرات تولید است.

وی در ادامه گفت: اشتغال پایدار در کشور نیازمند جذب سرمایه‌های داخلی و خارجی است. باید سرمایه‌گذاران را تشویق به سرمایه‌گذاری در اقتصاد و تولید ملی کرد. باید فضای کسب‌وکار و زیرساخت را آماده کرد. یکی از مهم‌ترین منابع تولید برای هر جامعه، کمیت و کیفیت نیروی کار آن است.

مدیرعامل فولاد خوزستان با اشاره به سخنان رهبری در آغاز سال نو و تاکید ایشان به حمایت همه‌جانبه از تولید، اظهار داشت: در سال‌های اخیر شعار سال با محوریت تولید، اشتغال، توجه به شرکت‌های دانش‌بنیان و تقویت اقتصاد از سوی معظم‌له تعیین می‌شود.

تاکید ایشان بر کاهش تصدی‌گری دولت و تشویق بخش خصوصی و نقش‌آفرینی مردم در اقتصاد است. دولت می‌تواند با تسهیل شرایط حضور بخش خصوصی به شکوفایی اقتصادی کمک کند. از طرفی تدوین دستورالعمل‌های تشویقی، به حضور فعال آحاد جامعه در فعالیت‌های اقتصادی کلان منجر می‌شود. بدون شک افزایش تولید به رشد مستمر می‌انجامد.



نایب‌رئیس انجمن تولیدکنندگان فولاد ایران اشاره‌ای هم به نقش فولاد در تجارت خارجی و ارزآوری داشت و اظهار داشت: در سال‌های اخیر صادرات فولاد جایگزین مناسبی برای جبران کاهش درآمد ارزی ناشی از صادرات نفت بود.

تولید فولاد خوزستان، صادرات‌محور است، به طوری که در سال‌های اخیر توانسته با درآمد ارزی نقش موثری در اقتصاد کشور ایفا کند.

در سال ۱۴۰۰ درآمد فولاد خوزستان با صادرات دو میلیون تُن، یک میلیارد و سیصد میلیون یورو معادل سه درصد ناخالص داخلی بود. این مجموعه در سال ۱۴۰۱ نیز، علی‌رغم محدودیت‌های انرژی و کاهش تولید برنامه‌ریزی شده، هشتصد میلیون یورو درآمد ارزی را عاید کشور کند.

ابراهیمی در پایان از افتتاح پروژه‌ی زمزم سه در نیمه اول سال جاری خبر داد و افزود: در نیمه اول امسال پروژه زمزم ۳، بزرگترین مگامدول آهن اسفنجی کشور با ظرفیت تولید یک میلیون ۷۶۰ هزار تُن در سال در فولاد خوزستان افتتاح می‌شود.

این طرح با سرمایه‌گذاری ۱۳۷ میلیون یورویی، علاوه بر اشتغال‌زایی مستقیم برای ۲۰۰ تَن، به تکمیل زنجیره ارزش تولید و تامین کمبود آهن اسفنجی فولاد خوزستان کمک می‌کند. بهره‌برداری از پست ۴۰۰ کیلوولت در دهه فجر سال گذشته که علاوه بر کاهش توقفات تولید، به پایداری شبکه برق سراسری کمک می‌کند، طرح ماشین ریخته‌گری اسلب عریض، احداث کارخانه اکسیژن و نیروگاه برق ۵۲۰ مگاواتی از دیگر طرح‌های هستند که با بهره‌برداری از آنان، علاوه بر افزایش تولید به اشتغال‌زایی و آبادانی منطقه و شکوفایی اقتصادی کشور کمک می‌کنند.

دریچه

نگاهی به یک سیر تاریخی

پس از جنگ جهانی دوم تا اواخر دهه ۷۰ میلادی، در بسیاری از کشورهایی که تازه از بند استعمار رهایی یافته بودند این باور قوت گرفته بود که مشکلات سیاسی و عقب‌ماندگی‌های اقتصادی آنها ناشی از حاکمیت نظام اقتصاد آزاد و به‌ویژه مالکیت خصوصی است.

با گذشت سال‌ها، ناکارایی اقتصاد کشورهای دولت دستوری و متمرکز به‌تدریج آشکار شد و اقتصاد ناکارآمد متمرکز و مداخله‌گر بوروکرات در همان کشورها جای خود را به اقتصاد بازار و گسترش مالکیت خصوصی و خلاقیت کارآفرینان داد و خصوصی‌سازی، مقررات زدایی و برونگرایی در موارد متعدد نگرش حاکم بر اداره اقتصاد آنها شد. به این ترتیب تجربه سه دهه بعد از جنگ و تجلی اقتصادهای نوظهور متکی بر رقابت بازار، به‌ویژه در خاوردور و امریکای جنوبی ناکارایی اقتصاد دولتی و عقب‌ماندگی تکنولوژیکی اقتصادهای متمرکز را به اثبات رسانید.

در گرماگرم رهایی از بند استعمار، جنبش‌های آزادی‌بخش وارث تفکری اقتصادی بودند که نتیجه آن حرکت به سوی اقتصاد متمرکز و دولتی کردن بنگاه‌ها، سست‌کردن مالکیت خصوصی، خارج نمودن کارآفرینان خلاق و تضعیف بخش‌خصوصی در صحنه تولید بود و اصولا بخش‌خصوصی و سرمایه‌داران و کارآفرینان غیردولتی مظهر وابستگی به خارج و ابزار اصلی عقب‌ماندگی کشور قلمداد می‌شدند. تاثیر این نوع طرز تفکر در مراحل اولیه پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران در کشور ما نیز محسوس بود. این نوع تفکر در بعد اقتصادی، در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، به‌خصوص اصول ۴۳ و ۴۴ به روشنی قابل ملاحظه است. اصل ۴۴ بخش‌خصوصی را مکمل فعالیت‌های اقتصادی دولتی و تعاونی معرفی می‌کند و کلیه صنایع بزرگ، صنایع مادر، بازرگانی خارجی، معادن بزرگ، بانکداری، بیمه، تامین نیرو، سدها و شبکه‌های بزرگ آبرسانی، رادیو و تلویزیون، پست و تلگراف و تلفن، هواپیمایی، کشتیرانی و راه‌آهن را به صورت مالکیت عمومی و در اختیار دولت می‌داند. حتی اصطلاحات، عبارت و لغاتی که در اصل ۴۴ قانون اساسی به‌کار گرفته شده، تحت‌تاثیر باورهای موجود در جهان اقتصاد در سه دهه بعد از جنگ جهانی دوم است، اصطلاحاتی چون صنایع بزرگ و صنایع مادر، که تا به امروز تعریف علمی و مشخصی از آن به‌عمل نیامده و حد و مرز آن ناشناخته است.

نتیجه آن شد که بسیاری از این کشورها از پایان دهه ۷۰ میلادی به‌تدریج ناچار از تغییر دیدگاه اقتصادی خود و حرکت به سمت اقتصاد غیرمتمرکز شدند. اما در دوران پیش از این تغییر، بخش عمومی آن‌چنان متمرکز شده بود که پس از اتخاذ و اعمال سیاست خصوصی‌سازی و حرکت به سوی اقتصاد آزاد و رقابتی، برنامه‌های عمرانی با مشکل جدی مواجه شد. در مراحل آغازین این تغییر سیاست، اولا بخش‌خصوصی از آن توان مالی و مدیریتی برخوردار ن بود که واحدهای بزرگ دولتی و حتی صنایع کوچک‌تر را خریداری کند و ثانیا با توجه به ساختار این شرکت‌ها و مازاد نیروی انسانی شاغل در آنها، خریدار در عمل اجازه تعدیل و اصلاحات لازم برای سودآوری واحد خریداری شده را نداشت؛ بنابراین مدیریت بخش‌خصوصی با چالش بزرگی برای بهینه‌سازی امور اقتصادی روبه‌رو بود. در عمل نیز، جز در تعداد محدودی از واحدهای کوچک، خصوصی‌سازی در آن کشورها به انتقال از مالکیتی دولتی به مالکیت دولتی دیگر تبدیل شد. ایران نیز از تبعات این وضع برکنار نبوده است.

▣ هم‌سویی منافع ملی و منافع فردی

تجربه موفق برخی از کشورهای جهان آن است که نهادهای غیردولتی و غیرانتفاعی، مانند انجمن‌ها، کنفدراسیون‌ها و اتاق‌های بازرگانی، در جایگاهی قرار دارند که می‌توانند در تصمیم‌سازی‌ها، دست‌کم به‌عنوان مقام مطلع، حضور داشته باشند و خصوصی‌سازی و انتقال مالکیت را تسهیل کنند. هر قدر مشارکت این نهادها در تعیین اولویت‌های کارگزاران اقتصادی و تشخیص حد و مرزهای فعالیت‌های مختلف بیشتر باشد، سیاست‌ها و پوشش‌های قانونی عادلانه‌تر می‌شود و دولت با دقت نظر بیشتر به تصمیم‌گیری می‌پردازد و جنبه‌اجرایی تصمیم‌گیری‌ها نیز مستحکم‌تر می‌شود و انتقال مالکیت از دولت به بخش‌خصوصی با سرعت و اطمینان بیشتری صورت می‌گیرد.

تجربه کشورهای موفق در زمینه اقتصادی یادآور آن است که مهم‌ترین عامل ایجاد انگیزه برای فعالیت بخش‌خصوصی آن است که کارگزار خصوصی مطمئن باشد تا جایی که فعالیتش قانونی و مشروع است هیچ مانعی بر سر راهش برای سرمایه‌گذاری و سودبری و افزایش ثروت قرار نمی‌گیرد. بدیهی است که در این نگرش، منافع ملی و منافع فردی باید همراه و هم‌سو باشند. این همان وضعیتی است که اقتصاددانی چون آدام اسمیت از آن به‌عنوان «دست‌های نامرئی» نام برده است. وقتی تک‌تک افراد جامعه می‌کوشند تا منافع خود را حداکثر کنند، جامعه به‌عنوان یک مقام جمعی منافع خود را حداکثر شده می‌یابد

این درحالی است که تجربه اقتصادی در ایران گویای آن است که وقتی دولت به دلیل درآمدهای نفتی، توانایی دارد که نیازهای خود را تامین کند، فضای فعالیت برای بخش‌خصوصی تا اندازه‌ای گسترده است و در این حالت بخش‌خصوصی آزادی عمل بیشتری دارد و می‌تواند در پاره‌ای از رشته‌ها فعال باشد.

ولی وقتی منابع نفتی محدود می‌شود یا با وجود درآمد بالای نفتی بوروکراسی دولتی آن‌قدر گسترده شده که دولت قادر نیست از هزینه‌های خود بکاهد به دلیل نیازهای مالی خود حوزه کارفرمایی دولتی را گسترده‌تر می‌سازد و مجوز فعالیت بخش‌خصوصی را محدود می‌کند. به عبارت دیگر وقتی دولت به اندازه نیاز خود منابع مالی نداشته باشد، به جای تلاش در راه کوچک‌سازی و کارآمدسازی، بخش‌خصوصی رقیب خود را از میدان بیرون می‌کند تا خود بتواند با بهره‌گیری از فضای انحصاری و قیمت‌گذاری به اندازه کافی منابع مالی به‌دست آورد و نیازهای مالی خود را از هر راهی ولو عرضه کالای نامرغوب و تحمیل فشار تورمی، تامین کند.

گپ و گفت

ضرر و زیان بخش خصوصی با تصمیمات صاعقه‌ای

ظاهرا تحولی در راه است و وعده جدید دولت سیزدهم مبنی بر تصمیم‌گیری‌های اقتصادی با نظر فعالان بخش خصوصی اعلام شده است. این در حالی است که بر اساس اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، نظام اقتصادی ایران به ۳ بخش تعاونی، دولتی و خصوصی تقسیم می‌شود. بخش دولتی شامل کلیه صنایع بزرگ، صنایع مادر، بازرگانی خارجی، معادن بزرگ، بانک‌داری، بیمه، تامین نیرو، سدها و شبکه‌های بزرگ آبرسانی، رادیو و تلویزیون، پست و تلگراف و تلفن، هواپیمایی، کشتیرانی، راه و راه‌آهن و مانند این‌ها است که به صورت مالکیت عمومی و در اختیار دولت است. بخش تعاونی نیز شامل شرکت‌ها و موسسات تعاونی تولید و توزیع است که در شهر و روستا بر طبق ضوابط اسلامی تشکیل می‌شود بخش خصوصی شامل آن قسمت از کشاورزی، دامداری، صنعت، تجارت و خدمات می‌شود که مکمل فعالیت‌های اقتصادی دولتی و تعاونی است. مالکیت در این ۳ بخش تا جایی که با اصول دیگر این فصل مطابق باشد و از محدوده قوانین اسلام خارج نشود و موجب رشد و توسعه اقتصادی کشور گردد و مایه زیان جامعه نشود مورد حمایت قانونی جمهوری اسلامی است.



صمت در رابطه با تاثیر اعمال نظرات بخش خصوصی در تصمیم‌گیری‌ها بر بهبود اوضاع اقتصادی به گپ‌وگفت با بابک عابدین، رئیس اتحادیه تولیدکنندگان و صادرکنندگان صنعت چاپ و بسته‌بندی پرداخت. چندی است صمت در این ستون به بررسی مشکلات اصناف یا مردم می‌پردازد و درباره آن با اعضای اتحادیه مربوطه گفت‌وگوی کوتاهی دارد. صفحه تجارت صمت آماده دریافت نظرات فعالان صنفی و انعکاس مشکلات شهروندان است.

◉ دولت در آخرین اظهارنظرهای رئیس‌جمهوری از برنامه‌ریزی برای مشارکت فعالان اقتصادی و تولیدکنندگان خبر داده و بر این اصل تاکید دارد. به نظر شما استفاده از نظرات بخش خصوصی برای تصمیم‌گیری‌ها چه مقدار می‌تواند در بهبود شرایط کلی اقتصاد و بازار مثمرثمر باشد؟

این موضوع کاملا مشخص است که در صورت مداخله بخش خصوصی با حمایت دولت در تصمیم‌گیری‌ها شاهد پیشرفت بسیار خوبی در وضعیت اقتصادی کشور خواهیم بود. این در حالی است که طبق قانون بهبود مستمر محیط کسب‌وکار دولت موظف به استفاده از نظرات بخش خصوصی در تصمیم‌گیری‌ها است.

◉ دولت برای برگزاری جلسات منظم برای این هدف‌گذاری اعلام آمادگی کرده است. فکر می‌کنید برگزاری این جلسات با هدف استفاده ار نظر بخش خصوصی در تصمیم‌گیری‌ها چه مقدار تاثیرگذار است؟

جلساتی که با بخش خصوصی برگزار می‌شود خود به تنهایی گام مثبتی در این مسیر است. این در حالی است که برخی از سازمان‌ها و ارگان‌ها برای رفع مسئولیت برگزار می‌شود تا رفع موانع و مشکلات. در برخی از مواقع شاهد برگزاری این جلسات در زمان برنامه‌ریزی برای موضوعات مختلف هستیم نه در هنگام هدف‌گذاری. باید در هنگام هدف‌گذاری برای موضوعات مختلف از نظر بخش خصوصی استفاده کرد تا بتوان شاهد تاثیرات خوب آن بود در غیر این صورت این جلسات هیچ نتیجه مطلوبی نخواهد داشت. دولت باید امکاناتی را برای حضور و مداخله بخش خصوصی در تصمیم‌گیری‌ها ایجاد کند تا موانع و معضلات این حوزه را بتوان با سرعت و دقت مرتفع و از ایجاد موانع جدید پیشگیری کرد. این در حالی است که متاسفانه زمان مناسبی برای برگزاری این جلسات در نظر گرفته نمی‌شود.

◉ تصمیمات یک شبه و بدون مشورت با فعالان اقتصادی چه آثار زیان باری دارد؟

بخش خصوصی ضرر و زیان بسیاری را به موجب تصمیم‌گیری‌های صاعقه‌ای تجربه کرده است. شرط اول دستیابی به رشد اقتصادی، ثبات اقتصادی است. متاسفانه با وجود تصمیمات لحظه‌ای حتی نمی‌توان برای یک هفته آینده تصمیم گرفت. این در حالی است که بسیاری از فرصت‌های تجاری ما در اثر همین تصمیمات از بین رفته است. در نتیجه انگیزه ورود سرمایه‌های زنجیره تامین برای مهار تورم و جاری بودن زنجیره‌های تامین و مقاومتی شدن زنجیره‌های تامین در جهت رشد تولید و عرضه بیشتر از بین می‌رود.

الزامات بهبود اوضاع اقتصاد از نگاه فعالان تجاری بررسی شد

حذف امضاهای طلایی و ایجاد بازار رقابتی

کیمیا ملکی
editor@smtnews.ir

تراژدی اوضاع اقتصادی ظاهرا تمامی ندارد و در نوع خود خاص است. هر سال تولیدکنندگان اصرار دارند که قیمت‌گذاری کالا را به بازار بسپارند تا در سایه سیاست عرضه و تقاضا نتیجه بهتری حاصل شود. همچنین مدت‌هاست که با اعمال سیاست‌های حمایت از تولید، ورود بسیاری از اجناس خارجی محدود یا قطع شده است. این درحالی است که بسیاری از صنایع به جای رشد تولید ملی و خودکفایی یکی پس از دیگری انحصاری شده‌اند. در واقع از ممنوعیت واردات هر چه حاصل نشد، همان بس که تولیدکننده را آسوده‌خاطر کرد که رقیبی ندارد. از سوی دیگر، در روزگاری که قدرت خرید شهروندان چنگی به دل نمی‌زند، صحبت از قیمت‌گذاری به تناسب عرضه و تقاضا می‌شود که این موضوع خود مشکلات بسیاری را به همراه دارد. یکی از مهم‌ترین مشکلاتی که مدتی است گریبان بازار را گرفته، افزایش قیمت‌های خودسرانه در برخی از اجناس است. در نتیجه اگر به خواست تولیدکنندگان پیش برویم و همین قیمت‌های چندان منصفانه دستوری را نیز از دست بدهیم، روزگارمان تیره و تار می‌شود. در نتیجه ممکن است شاهد هر روز بهتر شدن اوضاع برای ثروتمندان و بدترشدن اوضاع برای قشر ضعیف جامعه باشیم. اعمال سیاست اقتصاد بازار یا دستوری سال‌هاست که محل اختلاف جدی کارشناسان و فعالان اقتصادی است. صمت در این گزارش به بررسی تاثیرات بکارگیری نظرات بخش خصوصی بر بهبود اوضاع اقتصادی پرداخته است.



از ممنوعیت واردات هر چه حاصل نشد، همان بس که تولیدکننده را آسوده‌خاطر کرد که رقیبی ندارد

مراقب ایجاد بازار انحصاری باشیم

چندی پیش جمعی از تولیدکنندگان و کارآفرینان برتر کشور در نشستی ۴ ساعته با رئیس‌جمهوری به بحث و گفت‌وگو درباره سیاست‌های اقتصادی دولت و تشریح مشکلات و نقطه‌نظرات خود در زمینه راهکارهای رفع موانع و رونق تولید پرداختند که در این جلسه به استفاده از نظر تولیدکنندگان و کارآفرینان در تصمیم‌گیری‌ها از سوی ریاست جمهوری تاکید شد. تلاش برای رفع دغدغه تولیدکنندگان در مسئله قیمت‌گذاری با نگاه حمایت توامان از تولیدکننده و مصرف‌کننده و تاکید بر ممنوعیت واردات کالاهایی که امکان تولید آن در کشور وجود دارد از موارد مطرح در این نشست بود. این سخنان رئیس‌جمهوری ناظر به درخواست‌های تولیدکنندگان و کارآفرینان برتر کشور بود و دستگاه‌های اجرایی نیز مکلف به پیگیری و اجرای درخواست‌ها شدند. این در حالی است که به گفته کارشناسان در صورت رفع دغدغه تولیدکنندگان در مسئله قیمت‌گذاری با نگاه حمایت توامان از تولیدکننده و مصرف‌کننده و تاکید بر ممنوعیت واردات کالای مشابه تولید داخل، خطر ایجاد انحصار در بازار جدی‌تر شده و ممکن است تولیدکننده هر چند وقت یکبار آواز گرانی سر دهد و مصرف‌کننده نیز چاره‌ای جز پذیرش نرخ مصوب نخواهد داشت. در نتیجه رفته‌رفته آرزوهای کوچک قشر متوسط و ضعیف جامعه به آرزویی بزرگ تبدیل خواهد شد.

بوی اصلاح به مشام نمی‌رسد

محمدرضا مودودی، کارشناس تجاری و فعال اقتصادی با اشاره به راه‌های مهار تورم برای بهبود اوضاع اقتصادی به صمت گفت: در تمام کشورهای دنیا برای مدیریت تورم، تولید ناخالص داخلی را افزایش می‌دهند که در نهایت منجر به جذب نقدینگی جامعه می‌شود. این در حالی است که سال‌هاست بخش نخست این گزاره در ایران متوقف‌شده و همچنین از آنجایی که در بخش جذب سرمایه خارجی نیز موفقیت چندانی نداشتیم در نتیجه تولید ناخالص داخلی و اقتصاد مولد نیز رشد نمی‌کند. از سوی دیگر متاسفانه رقابت در تولید به حد بالایی از بین رفته و در همان فضای کوچک رقابتی نیز فضای رانتی ایجاد شده است. در نتیجه همه موارد فوق، موجب افزایش عطش تقاضا در جامعه می‌شود که خود افزایش نرخ کالا را به همراه دارد.

وی با اشاره به رانت‌های ایجاد شده در بدنه اقتصاد اظهارکرد: گاهی شاهد سیاست‌گذاری‌های غلطی هستیم که نمی‌گذارد بخش خصوصی اختیار بازار را به‌دست گیرد. این در حالی است که برای کنترل بازار باید سیاست عرضه و تقاضا با تاکید بر تامین نیاز داخل در دستور کار قرار گیرد. در این شرایط باید به محض محدود بودن تولید کالایی در کشور به واردات آن پرداخت. در این صورت با ایجاد فضای رقابتی می‌توان به کنترل بازار و جلوگیری از رانت رسید. درحقیقت عدم توجه به این سیاست در نهایت موجب بروز محدودیت‌هایی در بستر تورم می‌شود. برای نمونه نرخ گوشت قرمز در بازارهای جهانی بین۳ تا ۶ دلار برای هر کیلو است، با محاسبه نرخ دلار ۵۰ هزار تومان در واقع گوشت‌های وارداتی باید بین ۱۵۰ تا ۳۰۰ هزار تومان در بازار عرضه شوند. این درحالی است که در همین ایام گوشت‌های وارداتی به نرخی بالاتر عرضه شدند. در نتیجه هنگامی که گوشت با نرخ بیش از ۴۵۰ هزار تومان برای هر کیلو، به‌دست مصرف‌کننده می‌رسد حاکی از وجود رانت است. رانتی که به‌موجب آن واردات کالاها به‌دست افرادی خاص صورت می‌گیرد و گوشت ۳ دلاری و کم کیفیت با عنوان گوشت ۶ دلاری وارد شده و راهی بازار می‌شود. در نتیجه شاهد افزایش نقدینگی بخش خصوصی و سرریز شدن تورم خواهیم بود.

▣ کوبیدن بر طبل غلط

مودودی ضمن تاکید بر اینکه سبک مدیریت اقتصادی و تجاری ما در کشور با تمام دنیا متفاوت است، افزود: سال‌هاست که سیاست‌های تجاری و تولیدی ما غلط بنا می‌شود و هنوز هم بر همان طبل غلط کوبیده می‌شود، بعید به نظر می‌رسد که برنامه استفاده از نظرات بخش خصوصی برای بهبود اوضاع اقتصادی نیز راه به جایی برد. در نتیجه نمی‌توان امید به وقوع اتفاق مثبتی با این جلسات و وعده‌ها داشت.

این فعال تجاری با انتقاد از وجود امضاهای طلایی در سازکار تجارت ایران گفت: همین چند سال پیش و در سال‌های رواج ارز ۴۲۰۰ تومانی افراد خاصی با استفاده از رانت واردات منجر به ایجاد فساد بزرگی در نظام اقتصادی کشور شدند. این درحالی است که اگر واردات نیاز به امضاهای طلایی نداشته باشد و مجوزهای واردات با امکانات یکسان در اختیار همه واردکنندگان قرار گیرد؛ قطعا بازار بهتر مدیریت می‌شود.

وی با اشاره به تکرار تجربه‌های پیشین گفت: حتی اکنون نیز شاهدیم تنها تعداد معدودی از شرکت‌ها و واردکنندگان اجازه واردات دارند؛ در نتیجه این شرکت‌های مشخص، اقدام به واردات کرده و با ایجاد فضای انحصاری و غیر رقابتی، اقدام به عرضه کالا با نرخ‌های نجومی به بازار می‌کنند. تمام این موارد در نهایت به ضرر مصرف‌کننده است.

▣ خروج سرمایه از رگ‌های اقتصاد کشور

وی در رابطه با تصمیمات ناگهانی برای ممنوعیت واردات برخی از کالاها و تاثیرات آن بر بازار بیان کرد: به نظر می‌رسد تا امروز شعارهای حمایت از تولید داخل راه به جایی نبرده و تنها به فربه‌شدن بخش کوچکی از جامعه و در کنار آن تضعیف جامعه بزرگی از شهروندان انجامیده است. برای مثال هنگامی که فردی موفق به واردان خودرو شده و خودرو وارداتی با ارزش واقعی یک میلیارد و ۵۰۰ میلیون تومانی را با نرخ ۴ میلیارد تومان می‌فروشد؛ قطعا سود حاصل را در ایران سرمایه‌گذاری نمی‌کند.



وی افزود: در نتیجه تخلیه منابع رخ می‌دهد. هنگامی که سرمایه از رگ‌های اقتصاد کشور خارج می‌شود مشخص است که اقتصاد کشور ضعیف و رو به موت می‌شود. در بعدی دیگر این دست از واردکنندگان حتی ممکن است تصور کنند سیستمی که بر اساس رانت بنا شده هر لحظه امکان فروپاشی دارد و با این استدلال از هزینه‌کرد سرمایه در کشور خودداری کنند.

▣ راهکار چیست؟

مودودی با ارائه پیشنهادی به دولت‌ها گفت: دولت باید بپذیرد که نظام‌های اقتصادی جاری در سایر کشورها بر یک مبناهایی استوار است. بنابراین نباید این تصور ایجاد شود که تنها ارائه و اعمال راهکارهای اصلاحی بر عهده و در توان بخش دولتی است. بلکه با مشارکت یکسان بخش خصوصی و رفع امضاهای طلایی می‌توان در این مسیر گام برداشت.

وی افزود: در واقع بسترسازی برای تولیدات رقابتی می‌توانند راهی برای بهبود شرایط اقتصادی قلمداد شود. این درحالی است که در اقتصاد ایران گاهی این ساختار اقتصادی توسط رانت‌های وارداتی مدیریت می‌شود و بعید است این روند سیاست درستی باشد که افراد متخصصی برای آن تصمیم گرفته‌اند.

کارخانجات به‌محض تغییر نرخ ارز، کالای خود را در انبار ذخیره می‌کنند و بازار تشنه می‌ماند

بازار همیشه تشنه کالا است

قاسم نوده فراهانی، رئیس اتاق اصناف ایران با بیان اینکه بازار را عرضه و تقاضا تنظیم می‌کند، به صمت گفت: عرضه و تقاضا، رقابت و نظارت بر بازار ۳ عاملی هستند که بر بازار اثرگذار هستند و در حقیقت تنظیم و کنترل بازار با رعایت این ۳ رکن امکان‌پذیر است. هنگامی که عرضه به اندازه تقاضا باشد و کالا به‌وفور با برندهای مختلف یافت شود به دلیل ایجاد رقابت دیگر گرانفروشی رخ نمی‌دهد. وی با اشاره به دلایل عدم تناسب بین عرضه و تقاضا و اثرات آن بیان کرد: درحال‌حاضر گرانی و توزیع نشدن به موقع کالا از سوی کارخانجات مردم را اذیت می‌کند. کارخانجات محصولات خود را قطره‌چکانی عرضه می‌کنند. در نتیجه بازار همیشه تشنه کالا است با افزایش نرخ کالا، این مصرف‌کنندگان هستند که تاوان می‌دهند.

▣ راهکار چیست؟

نوده فراهانی با بیان راهکاری برای حل مشکلات اقتصادی اظهارکرد: برای تنظیم بازار باید کالا به اندازه نیاز مصرف وجود داشته باشد تا عرضه و تقاضا با یکدیگر تعارض پیدا نکند. هنگامی که کالا در بازار به‌وفور یافت شود و مصرف‌کنندگان به آسانی کالا را تهیه کنند هیچ‌گاه با تغییر نرخ مواجه نخواهیم شد.

▣ راه قاچاق باز شد

رئیس اتاق اصناف ایران در رابطه با ممنوعیت واردات برخی از کالاها بیان کرد: واردات زمانی باید ممنوع شود که تولید داخلی جوابگو مصرف داخلی باشد، هنگامی که تولید جوابگو مصرف نیست و نیاز داخل تامین نمی‌شود و واردات نیز ممنوع می‌شود، واردکننده و مصرف‌کننده به کالای قاچاق روی می‌آورند. در نتیجه اگر واردات کالایی را ممنوع می‌کنیم باید تولیدکنندگان آن تعهد تامین مایحتاج مردم را بدهند.

▣ نوسان نرخ ارز بازار را بی‌برنامه کرد

نوده فراهانی با اشاره به عدم ثبات نرخ ارز و تاثیرات بد آن بر بازار گفت: به دلیل نوسانات ارزی تولیدکنندگان، واردکنندگان و عرضه‌کنندگان نمی‌توانند هیچ برنامه‌ای حتی برای مدت زمانی ۶ ماهه داشته باشند که به واسطه آن بتوان بازار را کنترل کرد. نابسامانی موجود در بازار به دلیل نبود ثبات در نرخ ارز است که به واسطه آن هزینه‌های تولید افزایش یافته و در نتیجه تولیدکننده برای تامین هزینه‌ها مجبور به افزایش نرخ می‌شود. این فعال اقتصادی تاکید کرد: هر چند که تولیدکننده حق ندارد بدون مجوز افزایش نرخ بدهند، قیمت‌گذاری کالا به عهده سازمان حمایت از تولیدکننده و مصرف‌کننده است و نظام تولید و توزیع باید با نظر و مصوبه این سازمان اقدام به هرگونه تغییر نرخ در بازار کند.



سخن پایانی

بر هیچ‌کس پوشیده نیست که اگر قیمت‌ها بر اساس عرضه و تقاضا تعیین شوند، شاهد وضعیت مطلوبی در بازار خواهیم بود، اما جای سوال دارد که آیا این برنامه راه نجات اوضاع سخت اقتصادی و تامین کالا با حمایت همزمان از تولیدکننده و مصرف‌کننده است؟

شواهد حاکی از آن است که تمام تولیدات رابطه مستقیم با نرخ ارز دارند و نوسان این شاخص مهم اقتصادی مشکلات جدی برای تولیدکننده و مصرف‌کننده ایجاد می‌کند. از سوی دیگر، گاهی مشاهده شده کارخانجات به محض تغییر نرخ ارز، کالای خود را انبار می‌کنند و بازار تشنه می‌ماند. عدم تامین نیاز بازار منجر به افزایش نرخ کالا و تمام این مشکلات زیر سایه نبود بازار رقابتی ایجاد می‌شود.

از طرفی هم، دستمزد کارگران ثابت و قیمت‌های بازار هر لحظه تغییر می‌کند. پس فقیرها فقیرتر و غنی‌ها غنی‌تر می‌شوند. جان کلام اینکه شاید راه رهایی از این مشکلات و دستیابی به ثبات بازار در ابتدا اصلاح روند تولید، یکسانی امکانات برای تمام تولیدکنندگان و واردکنندگان، حذف امضاهای طلایی و رانت‌زا و تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی بر مبنای منافع ملی باشد که در غیر این صورت دویدن برای هیچ است.

دیدار فرمانده سپاه ناحیه امام علی(ع) اهواز با مدیرعامل فولاد خوزستان

حجت‌الاسلام سیدامیر میرعلایی فرمانده سپاه ناحیه مقاومت بسیج امام علی(ع) اهواز با امین ابراهیمی مدیرعامل فولاد خوزستان دیدار کرد. به گزارش خبرنگار روابط عمومی، این دیدار روز سه‌شنبه ۱۵ فروردین ماه ۱۴۰۲ با حضور علیرضا مخبر دزفولی قائم مقام مدیرعامل در امور ستادی و مسئولیت‌های اجتماعی، عباسعلی تقوی معاون منابع انسانی و امور اجتماعی و مهدی علیدادی فرمانده حوزه مقاومت بسیج شهید مجید بقایی شرکت فولاد خوزستان صورت پذیرفت. حجت الاسلام میرعلایی در این دیدار با اشاره به نقش و جایگاه شرکت فولاد خوزستان در استان و کشور گفت: اقدامات صورت گرفته در این شرکت جای تقدیر و تشکر دارد. ایفای مسئولیت‌های اجتماعی، اشتغال آفرینی، تولید پایدار، پیگیری و اجرای طرح‌های توسعه‌ای از نقاط مثبت عملکرد فولاد خوزستان به شمار می‌آیند. امین ابراهیمی مدیرعامل فولاد خوزستان ضمن تبریک نوروز باستانی و قبولی طاعات و عبادات در ماه مبارک رمضان اظهار داشت: تمام تلاش ما در سال جدید عمل به فرمایشات مقام معظم رهبری در راستای استمرار و همچنین افزایش تولید است. این امر با اجرای طرح‌های توسعه ای فولاد خوزستان امکان پذیر است. تمرکز ما در سال جدید افتتاح چند پروژه بزرگ است که باعث رشد تولید و اشتغالزایی جوانان بومی می‌شود. توجه به مسئولیت‌های اجتماعی همچون سال‌های گذشته نیز در دستور کار قرار دارد. مهدی علیدادی



فرمانده حوزه مقاومت بسیج شهید بقایی فولاد خوزستان در این جلسه گزارشی از برنامه‌های بسیج در سال ۱۴۰۱ ارائه کرد.

در بررسی جایگاه دولت و بخش خصوصی در تامین انرژی تاکید شد

توسعه تجدیدپذیرها معطل نماند

جمعی از تولیدکنندگان و کارآفرینان برتر کشور در نشستی ۴ساعته با رئیس‌جمهوری به بحث و گفت‌وگو درباره سیاست‌های اقتصادی دولت و تشریح مشکلات و نقطه‌نظرات خود در زمینه راهکارهای رفع موانع و رونق تولید پرداختند.

در این نشست که وزرای امور اقتصادی و دارایی و صنعت، معدن و تجارت، رئیس کل بانک مرکزی و معاون اجرایی و رئیس دفتر رئیس‌جمهوری نیز حضور داشتند، ۱۸ نفر از مدعوین به نمایندگی از تولیدکنندگان و کارآفرینان کشور در بخش‌های مختلف صنعتی، دانش‌بنیان و کشاورزی به بیان مشکلات، نقطه‌نظرات و پیشنهادهای خود در راستای تحقق شعار سال پرداختند. رئیس‌جمهوری در این نشست گفت که هیچ تصمیمی در بخش اقتصادی نباید بدون نظر فعالان اقتصادی در بخش خصوصی، تولیدکنندگان و کارآفرینان گرفته شود. وی بااشاره به درخواست برخی از تولیدکنندگان بخش صنعت مبنی بر جلوگیری از قطعی برق و گاز و در نتیجه توقف تولید این صنایع اظهار کرد: «خوشبختانه کار احداث نیروگاه‌های مختص بخش صنعت با هدف استمرار تولید در این بخش در تمامی فصل‌ها، در این دولت آغاز شده و ان‌شاءالله به‌زودی تعداد قابل‌توجهی از آنها به سرانجام خواهد رسید».

در همین راستا، صمت با کارشناسان در رابطه با توسعه نیروگاه‌های تجدیدپذیر توسط بخش خصوصی گفت‌وگو کرده است.



عکس: آیدا فریدی

کامیار فکور
editor@smtnews.ir

> کمابیش ۱۰ سال است که بحث حمایت دولت از بخش خصوصی برای سرمایه‌گذاری و توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر مطرح است، اما یا حمایتی نشده یا در عمل، ناکارآمد بوده است

صحبت‌هایی تکراری

محمدجواد موسوی، نایب رئیس انجمن ساتکا در گفت‌وگو با صمت گفت: اظهارات رئیس‌جمهوری درباره در نظر داشتن آرای بخش خصوصی در تصمیم‌گیری‌ها ارزشمند است و این صحبت‌ها مسبوق به سابقه هستند.

در همه دولت‌ها به این اشاره شده که از ظرفیت بخش خصوصی استفاده شود، اما دولتمردان هیچ‌گاه به ظرفیت بالای بخش خصوصی تمکین نکرده‌اند. تصمیمات دولت پشت درهای بسته گرفته می‌شود و روح بخش خصوصی هم از آن خبر ندارد. موسوی اضافه کرد: به این ترتیب، دولت در تصمیمات خود به مسائل و مشکلات بخش خصوصی بی‌توجه می‌شود، در حالی که بخش خصوصی در بطن فعالیت‌ها قرار دارد و برای حل مسائل اقتصادی باید نظر آنها هم موردتوجه قرار بگیرد.

وی بیان کرد: باتوجه به تاکیدات رهبر معظم انقلاب در بحث استفاده از ظرفیت بخش خصوصی و اینکه ایشان واژه خصولتی را زشت عنوان کردند، شاید اقداماتی در راستای توجه به ظرفیت‌های بخش خصوصی انجام بگیرد، اما ما فعالان بخش خصوصی خیلی به این اتفاق خوش‌بین نیستیم و باتوجه به اینکه هیچ‌گاه نظرات بخش خصوصی در نظر گرفته نشده است، به‌نظر می‌رسد، اظهارات رئیس‌جمهوری نیز بیشتر مطبوعاتی باشد.



دولت در حمایت ناموفق بود



کیوان سهرابی، کارشناس انرژی‌های تجدیدپذیر در گفت‌وگو با صمت بااشاره به اقدامات ناموفق دولت در توسعه سرمایه‌گذاری انرژی‌های تجدیدپذیر در صنایع گفت: پیش از این، قانونی مصوب شد که براساس آن اگر شرکت و شهرک‌های صنعتی ۲۰ تا ۵۰ درصد از مصرف برق خود را از طریق نیروگاه‌های تجدیدپذیر تامین کنند، می‌توانند از یک‌سری امتیازات بهره‌مند شوند. امتیازات این بود که در زمان قطعی‌های برق و گاز صنایع، این شرکت‌ها از قطعی برق و گاز مصون هستند، اما در عمل درباره قطعی برق نتوانستند چنین امتیازی بدهند، چرا که زیرساخت‌های آن آماده نبود. در یک شهرک صنعتی تمام شرکت‌ها روی یک خط برق هستند و نمی‌شود یک شرکت را جدا کرد و برق باقی را قطع کرد یا رفت کنتور یک شرکت را قطع کرد و یکی را نکرد، به‌همین دلیل شرکت‌ها خیلی از این طرح استقبال نکردند.

وی اضافه کرد: از طرف دیگر، پیشنهاد شد که شرکت و شهرک‌های صنعتی نیروگاه‌های خورشیدی احداث کنند تا از قبل آن، درآمدی کسب کنند، اما کارخانه‌ای که نسبت به چنین نیروگاهی ۲برابر و بیش از آن درآمد کسب می‌کند، زحمت ساخت نیروگاه خورشیدی را به خود نمی‌دهد. به‌همین علت بود که اقدامات دولت و امتیازاتی که داده بود، ناکارآمد از آب درآمد و پروژه‌ها متوقف شد. دولت هنوز هم راهکار دیگری ندارد. تصمیماتی گرفته شده است، اما بعید می‌دانم در این شرایط اقتصادی عملی شود.

سهرابی گفت: کمابیش ۱۰ سال است که بحث حمایت دولت از بخش خصوصی برای سرمایه‌گذاری و توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر مطرح است، اما یا حمایتی نشده یا در عمل ناکارآمد بوده است. تنها حمایت در این بود که برای عادلانه کردن نرخ خرید تضمینی برق گفته شد که پرداختی نیروگاه‌های مگاواتی به‌صورت ارز دولتی باشد. در این‌باره صحبت‌هایی شد که قیمت‌ها براساس ترخ ارز سنا محاسبه شود که البته این نرخ ارزشی ندارد و خیلی نرخ بالایی نیست؛ برای همین سرمایه‌گذاران در این مورد هم زیر بار نرفتند.

▣ سرمایه‌گذاری خوابیده

این کارشناس انرژی‌های تجدیدپذیر گفت: حدود ۵، ۶ماهی است که تقریبا هیچ‌کس در زمینه نیروگاه‌های تجدیدپذیر، سرمایه‌گذاری نکرده است. امسال هم بعید می‌دانم خیلی سرمایه‌گذاری ویژه‌ای انجام بگیرد، مگر اینکه سرمایه‌گذاری‌ها دستوری باشد. فولاد مبارکه قبول کرده است که با احداث نیروگاه تجدیدپذیر ۶۰۰ مگاوات برق تولیدی داشته باشد، اما به‌طورمثال، ذوب‌آهن اصفهان به‌خاطر کمبود مالی زیر بار نرفته است. خود دولت نیز نه پول دارد و نه از لحاظ قانونی امکان سرمایه‌گذاری انتفاعی در نیروگاه‌های تجدیدپذیر را. حتی زمانی که می‌خواستیم نیروگاه ۱۰۰ کیلوواتی برای شهرداری اصفهان احداث کنیم، زمان بسیار زیادی برد تا ثابت شود شهرداری یک ارگان عمومی غیردولتی است، چرا که بودجه خود را غالبا از مردم می‌گیرد.

سهرابی بیان کرد: از طرف دیگر، زمانی که قصد داشتیم برای سازمان آب اصفهان نیروگاه احداث کنیم، به‌هیچ‌عنوان اجازه داده نشد. سازمان آب اصفهان زمینی از خود سازمان به ما پیشنهاد داد و گفت می‌توانید این مکان را اجاره کرده و در آن نیروگاه احداث کنید. وقتی جویا شدیم که چرا خود سازمان اقدام به سرمایه‌گذاری نمی‌کند، گفتند که اجازه این کار را ندارد.

وی افزود: سرمایه‌گذاری انتفاعی، سرمایه‌گذاری است که بخواهند از بابت آن درآمد کسب کنند، اما سرمایه‌گذاری غیرانتفاعی مثل وقتی است که سازمان آب بخواهد از طریق سرمایه‌گذاری خطوط فاضلاب را ترمیم کند. در سرمایه‌گذاری غیرانتفاعی دولت به وظیفه خود عمل می‌کند و پولی از مردم گرفته نمی‌شود. این قانون با منع دولت از سرمایه‌گذاری انتفاعی در نیروگاه‌های تجدیدپذیر قصد دارد اتفاقی که در خودروسازی‌ها افتاده است، دوباره تکرار نشود.

این کارشناس انرژی‌های تجدیدپذیر در پایان گفت: به‌طورکل نمی‌توان خیلی به صحبت‌های رئیس‌جمهوری خوش‌بین بود و کارشناسان این حوزه هرچقدر نظرات و پیشنهادهای خود را ارائه کنند، با ادامه روند کنونی، امیدی به توسعه جدی نیروگاه‌های تجدیدپذیر نیست.

ضرورت توسعه تجدیدپذیرها



محمدرضا جعفری، پژوهشگر محیط‌زیست و توسعه در گفت‌وگو با صمت بیان کرد: این بدیهی است که در هر کشوری از جمله کشور ما گذار به‌سمت انرژی‌های تجدیدپذیر ضروری است،به‌ویژه کشور ما که به‌لحاظ جغرافیایی هم مستعد است و ظرفیت بالایی در احداث و توسع سایت‌های تولید برق تجدیدپذیر دارد. از طرفی، در کشور با کمبود برق در مقابل تقاضای فزاینده مواجهیم و به‌دلیل کسری گاز، سوخت به‌شدت آلاینده و مضر مازوت سوزانده می‌شود.

وی افزود: همچنین ایران یکی از بالاترین میزان انتشار گازهای گلخانه‌ای را در جهان دارد و حرکت به‌سمت انرژی‌های تجدیدپذیر می‌تواند ارتباط مستقیمی در بحث کاهش گازها و پاکی هوا داشته باشد. حرکت به‌سمت تجدیدپذیرها، برای کاهش استفاده از نیروگاه‌های حرارتی و سیکل ترکیبی و حفظ پایداری شبکه باید در مقیاس کلان انجام شود. این مقیاس بزرگ البته در هر منطقه از کشور مختصات خاص و شکل‌های ویژه خودش را می‌طلبد که در مطالعات فنی مشخص می‌شود و نیاز به ارتباطات بین‌المللی با شرکت‌های مادرتخصصی در جهان و سرمایه‌گذاری بزرگ همراه با نظارت شدید دارد.

جعفری گفت: بسیاری از مناطق مانند خوزستان مستعد ایجاد مزارع بادی است. پیش از این، از سوی شرکت زیمنس مطالعاتی برای ایجاد مزارع بادی صورت گرفته است. مناطق مرکزی ایران نیز بسیار مستعد ایجاد مزارع انرژی خورشیدی هستند و برخی مزارع باید در مناطق فراساحلی ایجاد شوند. همه اینها نیاز به مطالعات کارشناسی دقیق دارد. این وظیفه بخش دولتی است که با ترسیم چشم‌انداز گذار به تجدیدپذیرها و کاهش وابستگی به شکل‌های متعارف تولید برق، مسیر گذار و جایگاه‌های تلاقی تجدیدپذیرها به شبکه برق را تعیین کند.

وی اظهار کرد: در مقیاس کلان، ورود دولت با استفاده از درآمد حاصل از نفت و گاز به ایجاد مزارع نو و در ادامه کاهش وابستگی به همان نفت و گاز، راه مناسبی برای توسعه انرژی‌های نو و به نوعی اثر جانبی کاهش آلودگی‌ها و آلایندگی‌ها است. این ورود نمی‌تواند به بخش خصوصی سپرده شود، چرا که بخش خصوصی داخلی وابسته به منابع مالی و اعتبارات بانکی و همیشه در انتظار کمک از سوی دولت است؛ کمک‌هایی که در فقدان نظارت و فساد ساختاری به جایی غیر از اهداف اولیه تزریق می‌شود.

وی در ادامه گفت: در واقع دولت باید به‌صورت حساب‌شده و البته تحت‌نظارت دقیق دموکراتیک، منابع مالی ملی را به‌شکلی سرمایه‌گذاری کند که بازده و بازخورد آن به‌جای انتفاع اقلیتی در هیات مدیره شرکت‌های خصوصی، به‌طورمستقیم وارد حساب ملی، و حساب عمومی شود. همچنین، بخش پرمدعای خصوصی توان بین‌المللی برای ارتباط با شرکت‌های مادرتخصصی در این زمینه را ندارد و از سوی دیگر، بیش از هر چیزی سود کوتاه‌مدت خود را می‌بیند و پایداری شبکه و محیط‌زیست و ماتریس تامین پایدار انرژی کشور در تفکر و منطق اقتصادی او جایگاهی ندارد.

▣ افسانه‌سازی از خصوصی‌سازی

جعفری گفت: همان‌گونه که در بخش نیروگاه‌های حرارتی هم، خصوصی‌سازی نه‌تنها منجر به رشد و ارتقای کیفی تولید برق نشد، بلکه سوبسیدها و حمایت‌های دولتی به‌شکل سود به حساب‌های بخش خصوصی تزریق شد، از منظر انسانی هم نرخ استثمار کارگری در بخش خصوصی بسیار بیشتر از بخش دولتی بوده است.

البته در مقیاس خرد هم دولت می‌تواند نقش ایجابی، نظارتی و حمایتی از بخش خصوصی موجود و بخش مردمی داشته باشد؛ یعنی با اجبار قانونی و مقررات‌گذاری، پرداخت اعتبار و برخی معافیت‌های قانونی زمینه را برای استفاده از انرژی‌های نو به‌صورت کوچک و موضعی فراهم کند.

وی اضافه کرد: منظور اینجا به‌طورمثال اجبار انبوه‌سازها به تامین بخشی از برق و گرمایش برج‌ها و شهرک‌ها از انرژی و روش‌های نو یا اجبار و تسهیل استفاده از انرژی‌های نو و سیستم گرمایش جدید در شهرک‌های صنعتی و کارگاه‌های کوچک و کارخانه‌های بزرگ یا منظور حمایت از نو شدن تامین انرژی کسب‌وکارهای کوچک و خانوادگی است.

این پژوهشگر محیط‌زیست و توسعه گفت: پرداخت اعتبار و خرید مازاد تولیدی در این موارد می‌تواند راهگشا باشد. در این موارد ما تحرکی از سوی دولت یا بخش خصوصی نمی‌بینیم. بخش خصوصی همیشه از دولت انتظار دریافت اعتبار و معافیت‌های قانونی دارد، به‌جای آنکه حداقل در موارد کوچک در شهرک‌های صنعتی یا کشاورزی دست به خلاقیت و نوآوری بزنند. تجربه‌های کوچک نشان داده که هزینه این نوآوری از هزینه‌های متعارف اتصال به شبکه ملی برق کمتر است، اما بخش خصوصی در اینجا هم که به‌شکلی مستقیم نفع می‌برد، ناتوان ظاهر می‌شود.

جعفری گفت: از طرف دیگر، باید گفت که ما با یک بخش خصوصی خوب و بخش دولتی ناکارآمد، چنانچه صاحبان سرمایه یا مدیران دولتی منتفع از اعتبارات دولتی ادعا می‌کنند، مواجه نیستیم. دولت و بخش غیردولتی مکمل هم و در ارتباط با هم شکل گرفته‌اند. ناکارآمدی اگر هست، ناشی از نبود نظارت، غیردموکراتیک‌بودن، استفاده نکردن از ظرفیت‌های انسانی مناسب کشور در مدیریت نظام اداری و بخش فنی/کارشناسی است. همین موارد هم باعث انتقال فساد، بی‌برنامگی، فقدان چشم‌انداز بلندمدت و کارآیی در بخش خصوصی می‌شود که به بهترین شکل از منافذ دولتی استفاده می‌کند تا سود کوتاه‌مدت خود را تضمین کند.

> در مقیاس کلان، ورود دولت با استفاده از درآمد حاصل از نفت و گاز به ایجاد مزارع نو و در ادامه کاهش وابستگی به همان نفت و گاز، راه مناسبی برای توسعه انرژی‌های نو و به‌نوعی اثر جانبی کاهش آلودگی‌ها و آلایندگی‌ها است

سخن پایانی

در مجموع، فعالان بخش خصوصی معتقد هستند اظهارات رئیس‌جمهور ارزشمند است، اما تجربه نشان داده این دست از اظهارات تنها در حد شعار باقی می‌ماند و نظرات بخش خصوصی نادیده گرفته می‌شود. از نظر آنها، حمایت‌های انجام‌گرفته از بخش خصوصی در سرمایه‌گذاری‌های انرژی‌های تجدیدپذیر ناکافی بوده و دردی دوا نکرده است.

از طرفی، کارشناسان عقیده دارند دولت باید به‌صورت حساب‌شده و البته تحت‌نظارت دقیق دموکراتیک، منابع مالی ملی را به‌شکلی سرمایه‌گذاری کند که بازده و بازخورد آن به‌جای انتفاع اقلیتی در هیات‌مدیره شرکت‌های خصوصی، به‌طورمستقیم وارد حساب ملی و حساب عمومی شود.

یادداشت

ضرورت ورود دولت به توسعه تجدیدپذیرها



کامیار فکور
روزنامه‌نگار

امروز دیگر ضرورت توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر بر هیچ‌کس پوشیده نیست. ایران یکی از ۱۰ کشور اصلی انتشاردهنده سوخت‌های فسیلی است و از طرف دیگر، از جمله کشورهایی است که بیشترین آسیب را از تغییرات اقلیمی دیده و با ادامه این روند، سرسبزترین مناطق این کشور نیز تبدیل به بیابان خواهد شد. ایران حتی در تامین انرژی نیز به‌شدت نیازمند توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر است، چرا که باتوجه به دارا بودن میزان آفتاب و باد موردنیاز تجدیدپذیرها می‌تواند بخش عمده تامین انرژی خود را در این بخش ببیند و حتی اقدام به صادرات انرژی کند، اما تکیه کردن بر «سوخت‌های فسیلی» و «به‌صرفه نبودن سرمایه‌گذاری» و «برنگشتن سود» از موانعی بوده که اقتصاد سرمایه‌داری ایران از خیر این خیرترین گذشته است. باتوجه به ضرورت توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر باید در یک نگاه بلندمدت اقدام به توسعه سرمایه‌گذاری در این بخش توسط دولت کرد، گرچه نگاه دولت و اقتصاد ایران هیچ‌گاه بلندمدت نبوده و چنین انتظاری شاید غیرواقع‌بینانه باشد. بهانه‌ها برای بودجه برای ورود و سرمایه‌گذاری در این بخش قانع‌کننده است، اما اگر از دریچه ساختاری اقتصادی ایران به آن نگاه کنیم که متکی بر اقتصاد سوخت‌های فسیلی و سودآوری کوتاه‌مدت آن بوده است و از اساس کلیت ساختار اقتصادی وقعی برای جلوگیری از تخریب محیط‌زیست نمی‌گذارد، وگرنه اگر قصدی برای تغییر مسیر وجود داشت، بسیاری از بودجه‌هایی که از جیب مردم در بخش‌های فرهنگی و تبلیغاتی صرف می‌شود که یا اولویتی ندارند یا در اولویت بسیار پایین‌تری هستند، صرف توسعه در انرژی‌های تجدیدپذیر می‌شد.

از طرفی، اگر برنامه‌ای جامع برای گذار به انرژی‌های تجدیدپذیر بود، بخشی از سودهای نیروگاه‌های سوخت‌های فسیلی به این بخش منتقل می‌شد و برنامه‌های دیگر گذار انرژی اجرایی می‌شد، اما برای نادیده گرفتن توسعه جدی انرژی‌های تجدیدپذیر در کشور این امر را به بخش خصوصی حواله کرده‌اند که بخش خصوصی هم باتوجه به شرایط اقتصادی و موانع مختلف، امکان ورود گسترده به آن را ندارد، اما حتی اگر این امکان را داشت، واگذاری انرژی به بخش خصوصی سیاستی ناکارآمد است. ادعا می‌شود بخش خصوصی از بخش دولتی «کارآمدتر» است و به همین دلیل حضور آن در یک «بازار رقابتی» و در راستای «حداکثری کردن سود» منجر به توسعه بخش تولیدی خواهد شد.

احمد سیف، اقتصاددان و استاد دانشگاه استافوردشر و دانشگاه رجنتس لندن در مقاله‌ای با عنوان «بلای خصوصی‌سازی» معتقد است که این ادعا بی‌اساس است. وی درباره خصوصی‌سازی انرژی به نخستین بررسی در این زمینه می‌پردازد که در سال ۱۹۹۵ منتشر شد و در آن پولیت به بررسی بیش از ۱۰ مورد خصوصی‌سازی برق پرداخت و نتیجه گرفت که هیچ اختلافی بین بخش خصوصی و دولتی در پیوند با کارآیی وجود ندارد. درباره نرخ برق پس از خصوصی‌سازی در کشورهای عضو سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه OECD، بررسی منتشرشده در ۲۰۱۰ نشان داد که قیمت‌ها پس از واگذاری افزایش یافته و به‌طور متوسط هم ۲۳.۱ از زمانی که مالکیت در بخش دولتی بود، بیش‌تر شده است. بررسی دیگری از نرخ برق در ۱۵ کشور اروپایی غربی در ۲۰۱۳ نتیجه گرفت که شاهد افزایش نرخ بوده‌ایم. پژوهشی که در ۲۰۰۷ منتشر شد و خصوصی‌سازی برق در ۸۳ کشور را بررسی کرد، نتیجه گرفت که اگرچه بهای برق برای مصرف‌کنندگان صنعتی کاهش داشته است،اما برای خانوارها «شاهد افزایش نرخ بوده‌ایم».

بررسی دیگر در ۲۰۰۸ به خصوصی‌سازی برق در افریقا پرداخت و نتیجه گرفت که میزان کارآیی هیچ رابطه‌ای با وجود بخش خصوصی ندارد. بانک جهانی در ۲۰۰۵ در یک بررسی از خصوصی‌سازی برق در جهان نتیجه گرفت که پیامد شیوه مالکیت بر کارآیی «برخلاف ادعایی که اغلب می‌شود اهمیت چندانی ندارد و در بیشتر بررسی‌ها هیچ رابطه معناداری بین کارآیی و مالکیت خصوصی آنها وجود ندارد». در ۲۰۰۹ بررسی مفصل‌تری از سوی بانک جهانی منتشر شد که در آن نشان داده شد که واحدهای واگذارشده به بخش خصوصی تمایل بیشتری به بیکار کردن کارگران دارند ـ که در نهایت موجب افزایش کارآیی می‌شود ـ اما در پیوند با بهبود سرمایه‌گذاری هیچ شاهدی وجود ندارد. در ضمن، در این واحدها شاهد افزایش نرخ برق و کاهش شمار خانوارهایی که به برق دسترسی داشته‌اند، هم بوده‌ایم. به عبارت دیگر، بهبود بازدهی به‌صورت سود بیشتر نصیب سرمایه شده است. بنابراین، نه‌تنها می‌توان توجیه ناکارآمدی را رد کرد، بلکه بااشاره به تجربه‌ها می‌توان واگذاری به بخش خصوصی را به ضرر مصرف‌کننده دید. با این حال این بدان معنا نیست که بخش دولتی به‌ویژه در ایران که اقتصاد آن با بریز و بپاش رانت و انحصار معنا می‌گیرد، کارآمد و باکفایت است.

توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر نیازمند ارائه سوبسید و سیاست‌گذاری‌های حمایتگرانه است. اگر از کارآمدی و ناکارآمدی بخش خصوصی هم بگذریم، در شرایطی که سوبسیدهای وزارت نیرو به بخش خصوصی در راستای سرمایه‌گذاری انرژی‌های تجدیدپذیر هم نمی‌تواند منجر به توسعه گسترده و قابل‌انتظار این بخش شود، پس باید فرمان را چرخاند و مسیر دیگری در پیش گرفت، اما این صحبت‌ها در شرایطی مطرح می‌شود که ایران هیچ پایبندی به توافقات اقلیمی ندارد و تشکل‌های محیط‌زیستی و نهادهای مردمی از قدرت کافی برای فشار بر دولت بهره‌مند نیستند.

یادداشت



بخش خصوصی، متولی تولید مسکن

بیت‌الله ستاریان
کارشناس بازار مسکن

افزایش تولید مسکن به‌دلیل افزایش روزافزون قیمت‌ها و تعدیل عرضه و تقاضا اهمیت زیادی برای دولت فعلی دارد؛ موضوعی که در دولت‌های قبل هم چالش بزرگی بود. به‌همین دلیل، دولت سیزدهم با آگاهی نسبت به این موضوع توجه ویژه‌ای به تولید و عرضه مسکن دارد. برهمین اساس برنامه تولید سالی یک میلیون مسکن را در دستور کار قرار داد. بررسی تحقق این هدف دارای ابعاد مختلفی است. کشور ما ظرفیت تولید انبوه مسکن را دارد، اما اینکه دولت بتواند سالی یک میلیون واحد مسکونی آن‌هم بدون کمک گرفتن از بخش خصوصی بسازد، شدنی نیست. از این‌رو، دولت باید با بسترسازی مناسب، شرایط ورود بخش خصوصی به تولید مسکن را مهیا کند. البته در شرایط مشارکت دولت با بخش خصوصی نیز، به‌نظر نمی‌رسد سقف تولید مسکن سالانه از ۵۰۰ هزار واحد فراتر رود. اینکه دولت بخواهد تمام مسئولیت ساخت مسکن را برعهده بگیرد، در هیچ کشوری از دنیا مشاهده نمی‌شود، چرا که در بهترین حالت، دولت‌ها می‌توانند تنها تا ۵ درصد در ساخت مسکن مشارکت کنند و بخش اصلی و مهم سرمایه‌گذاری‌های بخش مسکن باید در دست بخش خصوصی باشد تا تولید با تمرکز و سرعت بالاتری در مسیر خود حرکت کند.

افزایش نرخ تورم اقتصادی و به‌تبع آن، افزایش نرخ بخش مسکن در سال‌های اخیر باعث شده تا سرمایه‌گذاران برای حفظ ارزش پول خود به این بازار هجوم آورند. به این منظور دولت باید با حمایت و نظارت بر بخش خصوصی به وضعیت قیمت‌ها سروسامان دهد. اکنون روند قیمتی بازار مسکن به حدی رشد کرده که توان خرید خانه برای بیشتر مردم از دست‌رفته است و این موضوع نیاز به چاره‌جویی اساسی دارد.

برای بازکردن گره این کلاف سردرگم باید اقدامات عملیاتی داشت و تنها با دستورالعمل و برنامه‌ریزی‌های روی کاغذ مانده، نمی‌توان به نتیجه رسید. چنانچه در تمام سال‌های گذشته این مشکل حل نشده و حتی بدتر هم شده است.

تناسب‌سازی عرضه و تقاضا یکی از اصولی‌ترین اقدامات در راستای جلوگیری از افزایش قیمت‌ها در بازار مسکن است؛ چرا که در سال‌های اخیر به‌دلیل انباشت تقاضا در این بخش، نرخ زمین و مسکن رشد بی‌سابقه‌ای را تجربه کرده و از کنترل خارج شده است. بخش مهمی از تحقق این راهکار نیز جلوگیری از افزایش نرخ مسکن در متعادل‌سازی عرضه و تقاضا است.

با نگاهی به بازار مسکن درمی‌یابیم؛ افزایش نیاز انباشت‌شده مسکن در سال‌های گذشته، زمینه‌ساز ایجاد رقم‌های بزرگ و باورنکردنی به‌عنوان نرخ زمین و مسکن شده است. افزایش نرخ نهاده‌های ساخت‌وساز نیز بر این آشفته‌بازار دامن زده و مجموع این عوامل در نهایت منجر به افزایش افسارگسیخته نرخ مسکن در ماه‌ها و سال‌های گذشته شده است.

در نتیجه، رویکردهای درست حمایت از بخش خصوصی می‌تواند سرآغاز خوبی برای کنترل نرخ مسکن به روش درست اقتصادی باشد، چرا که بازار مسکن نیز شبیه سایر بازارها به قیمت‌گذاری دستوری و دستورات از بالا به پایین توجهی نمی‌کند. اتفاقی که در راستای تولید مسکن افتاده، نوید این را می‌دهد که همواره بخش خصوصی متولی تولید مسکن در کشور بوده است، حتی مسکن مهر که توانست بسیاری از مردم را خانه‌دار کند نیز، با حمایت دولت از بخش خصوصی اجرایی شد و دولت سازنده این واحدها نبود. بنابراین جلوگیری از چالش‌هایی که می‌تواند منجر به کمبود و افزایش قیمت مسکن در جامعه شود، نیازمند اقدامات عملیاتی دولت است. دولت باید گام‌های سریع و همه‌جانبه‌ای برای حمایت از بخش خصوصی و تسهیل همه مسیرهایی که منجر به رشد سرعت کار بخش خصوصی می‌شود، بردارد. در شرایطی که تورم کشور روزبه‌روز در حال افزایش است و نرخ بهره بانکی نیز از کنترل خارج شده، باید با هموارسازی بسترهای اقتصادی در مسیری قرار گرفت که پرداخت تسهیلات به‌سمت تولید برود و موانع متعدد از سر راه برداشته شود. آنچه مسلم است، در حال حاضر مشکل اصلی کشور، بستر اقتصادی نامناسب است که بر بازار مسکن نیز تاثیر گذاشته است. جان کلام آنکه، دولت باید در گام نخست با برنامه‌ریزی و مدیریت صحیح در راستای بهبود وضعیت اقتصادی گام بردارد. در گام بعدی به تعاملی شفاف با تولیدکننده و مصرف‌کننده برسد و در نهایت، با ساماندهی نرخ نهاده‌های ساخت‌وساز و تامین زمین در راستای ساماندهی مشکل مسکن گام بردارد.

راهکارهای افزایش تولید برای حل چالش‌های بازار ملک بررسی شد

ملاقات خصوصی برای ساخت مسکن

محمد انوشه‌ئی
editor@smtnews.ir

به‌تازگی رئیس‌جمهوری در نشستی که با تولیدکنندگان و کارآفرینان برتر کشور داشت، برای تسریع بررسی و رفع موانع و رونق تولید، اعلام آمادگی کرد که ایجاد تعامل و تعادل بیشتر بین بخش خصوصی و دولت، یکی از محورهای این جلسه بود.

از این‌رو، در سال «مهار تورم و رشد تولید» باید الزامات و راهکارهای تولید، مانع‌زدایی و پشتیبانی مسکن و ساختمان موردتوجه ویژه همه متولیان در تمامی سطوح مدیریتی کشور قرار بگیرد و مانند سایر کشورهای دنیا، مشوق‌های سرمایه‌گذاری به تولیدکنندگان بخش خصوصی در این بخش ارائه و موجب تحول و پویایی در اقتصاد کشور شود.

رونق ساخت‌وساز در شرایط سخت با رفع موانع تولید مسکن در پروژه‌های مسکن ملی، اجتماعی و ... می‌تواند بر کنترل نرخ و مهار تورم اثر گذارد. صنعت ساختمان، پیشران اقتصاد کشور به‌حساب می‌آید که می‌تواند در اداره شهرها نیز نقش‌آفرین باشد.

اقدامات انجام‌گرفته برای بسترسازی رونق ساخت‌وساز، زمینه‌ساز ورود بخش خصوصی با سرمایه کلان را نیز فراهم خواهد کرد و در میان‌مدت و بلندمدت، آثار مثبتی را به همراه خواهد داشت.

صمت در این گزارش زوایای مختلف تعامل دولت با بخش خصوصی برای ساخت مسکن را بررسی کرد.



عکس: آیدا فریدی

اقدامات انجام‌گرفته برای بسترسازی رونق ساخت‌وساز، زمینه‌ساز ورود بخش خصوصی با سرمایه کلان را نیز فراهم خواهد کرد و در میان‌مدت و بلندمدت، آثار مثبتی به همراه خواهد داشت

دولت با کمک بخش خصوصی موانع را بردارد

افزایش هزینه‌های ساخت مسکن، به‌نوعی می‌تواند عامل بازدارنده در رشد سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در این موضوع باشد؛ اتفاقی که می‌تواند در سال‌های اخیر، هم کاهش سرمایه‌گذاری در اقتصاد و هم افت سهم تهران از این متغیر را توضیح دهد. دولت و وزارت راه و شهرسازی به‌تنهایی قادر به حل معضل مسکن نیستند. از طرف دیگر، لازم است که از ظرفیت‌های انبوه‌سازان، تعاونی‌ها و شرکت‌های خصوصی فعال در بازار مسکن استفاده شود. اگر دولت می‌خواهد که طرح‌های خود را برای رشد تولید مسکن پیش ببرد، باید از ظرفیت بخش خصوصی نیز بهره گیرد، در غیر این صورت احتمال موفقیت وجود ندارد.

دولت و بخش خصوصی باید با هم همفکری و از ظرفیت‌های دوطرفه استفاده کنند. بودجه مسکن و مدیریت این بخش مربوط به مردم است، به‌همین دلیل بخش خصوصی باید در بخش مسکن دخالت و با دولت همکاری کند تا به‌اتفاق هم این بخش را به‌سوی تعادل پیش ببرند. برخی از کارشناسان معتقدند شاید دولت نتواند به‌تنهایی ساخت یک‌میلیون مترمربع مسکن را به سرانجام برساند، اما اگر از بخش خصوصی کمک بگیرد، می‌تواند تا حدودی به قولی که به مردم داده است، نزدیک شود. مسئله این است که دولت تا چه اندازه می‌خواهد از راه‌های مختلف از جمله در اختیار گذاشتن زمین و تسهیلات رایگان با بخش خصوصی تعامل داشته باشد. همچنین به گفته کارشناسان، دولت می‌تواند علاوه بر واگذاری زمین به بخش خصوصی، موانع را نیز از سر راه بردارد و اجازه دهد انجمن‌ها و تشکل‌های خصوصی مانند پیمانکاران، انبوه‌سازان و سازندگان دارای صلاحیت که همه آنها مجوزهای خود را از وزارت راه و شهرسازی یا استانداری گرفته‌اند، وارد بخش ساخت‌وساز شوند. در این شرایط دولت اگر بتواند مصالح را با قیمت مناسب و شرایط سابق به سازندگان دارای صلاحیت تحویل دهد و در بخش‌های مختلف از بخش خصوصی حمایت کند، بخش خصوصی می‌تواند در کنار دولت به ساماندهی بازار مسکن کمک کند و در کنار هم رکود تولید در بخش مسکن را از بین ببرند.

ضرورت تعامل بخش خصوصی و دولت



مسعود نجفی، کارشناس بازار مسکن در رابطه با تحقق تعامل و تعادل بیشتر بین بخش خصوصی و دولت برای پیشرفت ساخت‌وساز مسکن در کشور به صمت گفت: دولت‌ها برای موفق شدن در پروژه‌های مسکنی باید از توان بخش خصوصی استفاده کنند، یعنی استفاده نکردن از ظرفیت بخش خصوصی، فعالیت‌های اجرایی دولت را تا حد بسیار زیادی مختل می‌کند. بنابراین دولت باید با میدان دادن به بخش خصوصی به‌نوعی اعتمادسازی دوطرفه ایجاد کند. از طرفی، باید با دخالت و نظارت خود، دست سوداگری و رانت‌خواری را کوتاه کند، همچنین از سازندگان خوشنام و توانمند در راستای مشارکت و کمک به تسریع امور کمک بگیرد.

این کارشناس بازار مسکن افزود: دولت باید با حمایت‌های مختلف مانند پرداخت تسهیلات مناسب، ارائه مجوزهای ساخت کوتاه‌مدت و ارائه امکاناتی که نیاز است، دست بخش خصوص را بگیرد تا این بخش بتواند فعالیت خود را هرچه سریع‌تر آغاز کند و به‌طورمستمر در راستای تولید مسکن قدم بردارد.

نجفی ادامه داد: از سوی دیگر، گاه مشاهده شده دولت با عدم نظارت و پیگیری خود باعث شده است تا تفاهمنامه‌های عمرانی دولت با شرکت‌هایی منعقد شوند که جز کسب منافع کوتاه‌مدت و رانت دستاوردی ندارند. در این شرایط شرکت‌های طرف قرارداد پس از مدتی، پروژه‌ها نیمه‌کاره رها شده و در نهایت به پیمانکار دیگری واگذار می‌شوند. این عوامل در نهایت زمینه سوداگری و دلال‌بازی را فراهم می‌کنند.

در صورتی‌که همکاری‌ها برای تولید مسکن تقویت نشود، تحقق وعده‌های مسکنی دولت با اما و اگرهای زیادی روبه‌رو خواهد شد

دولت شفاف‌سازی کند

این کارشناس تصریح کرد: اگر درباره روند و نحوه تعامل بخش خصوصی و دولت شفاف‌سازی شود و در قالب یک رابطه حساب‌شده قرار بگیرد، می‌تواند در قالب رشد و توسعه تولید مسکن در کشور ظاهر شود. بنابراین دولت باید از تجربه اجرای پروژه‌های سال‌های پیش نظیر مسکن مهر تجربه کسب کند؛ اتفاقی که مسکن ارزان را از دست اقشار کم‌بضاعت خارج کرد و دلال‌بازی بلای جان این واحدها شد، به‌طوری‌که به‌جای اینکه مردم صاحب‌خانه شوند، دلالان جیب‌های خود را با سودهای بالا پر کردند.

نجفی افزود: گاهی شنیده می‌شود که بخش خصوصی تمایلی برای همکاری با دولت ندارد، اما در واقعیت این صحبت صحیح نیست، چرا که در حال حاضر بسیاری از شرکت‌های عمرانی و انبوه‌ساز خوشنام حاضر به همکاری با دولت برای ساخت‌وسازهای بزرگ هستند، اما همان‌طور که گفته شد، شاید به‌دلیل عدم‌شفاف‌سازی روند تعامل دو طرف دراجرای طرح‌های عمرانی، چشم‌انداز قابل‌اعتمادی برای بخش خصوصی تبلور پیدا نکرده است.

وی در ادامه افزود: دولت باید برای امسال با برنامه‌ریزی بیشتری وارد عمل شده و در بخش مسکن تحرک بیشتری ایجاد کند تا بازار مسکن امیدوارکننده‌تر شود.

نجفی با اشاره به اینکه مشکل مسکن موضوعی نیست که بتوانیم در کوتاه‌مدت آن را حل کنیم گفت: حل این مشکل ریشه‌ای نیاز به زمان دارد. به علاوه اینکه حل این مشکل به‌شرطی است که در یک دوره چندساله در کنار طراحی ابزارهای مالی و پولی مناسب به ساخت و تولید مسکن توجه ویژه شود. تنها در این صورت است که بازار ملک در مسیر توسعه قرار می‌گیرد و شرایط بهتر می‌شود.

کارشناس بازار مسکن افزود: برای تحقق این مهم وزارت راه و شهرسازی باید با همکاری انبوه‌سازان و بخش خصوصی بر سرعت تولید مسکن بیفزاید. این درحالی است که اگر دولت بخواهد به‌تنهایی زیر بار تولید مسکن برود، کار روزبه‌روز برایش سخت‌تر می‌شود.

وی با اشاره به روند ملتهب بازار مسکن در کشور گفت: در اوضاع فعلی که نرخ ارز بر تمام بازارهای مالی تاثیر مستقیم می‌گذارد، التهاب بازار مسکن منطقی است و این اتفاق تورم بخش مسکن را روزبه‌روز تشدید می‌کند.

وی افزود: ما با یک ابر رکود سنگین، در ۲ حوزه در ساخت‌وساز و خرید مصرفی ملک در بازار مسکن مواجه هستیم. بااینهمه به نظر می‌رسد در حال حاضر تلاشی برای بهبود بازار مسکن دیده نمی‌شود، در چنین شرایطی نابسامانی‌های موجود در این بازار مهم، ناشی از شرایط اقتصادی است و تا راهکاری برای این وضعیت اندیشیده نشود، اتفاق خاصی رخ نمی‌دهد.

نجفی با اشاره به اقدامات دولت در این حوزه گفت: برای خروج مسکن از ابررکود یاد شده گفت: دولت باید با برنامه‌ریزی بیشتری عمل کند و در بخش مسکن، تحرک بیشتری ایجاد کند تا بازار مسکن امیدوارکننده‌تر شود. وی تاکید کرد: مشکل مسکن اتفاقی نیست که بتوان در کوتاه‌مدت آن را حل کرد و حل این مشکل ریشه‌ای نیاز به زمان دارد. همچنین باید در یک دوره چندساله، در کنار طراحی ابزارهای مالی و پولی مناسب، به ساخت و تولید مسکن توجه شود، در این صورت است که بازار ملک در مسیر توسعه قرار می‌گیرد و شرایط بهتر می‌شود.

چالش‌های دولت برای تولید مسکن



سیدبهلول حسینی، نماینده پیشین مجلس شورای اسلامی در رابطه با تعامل بخش خصوصی با دولت برای تولید مسکن به صمت گفت: ساخت مسکن در کشور موضوعی است که با چالش‌های مختلفی روبه‌رو است. ازهر بعد که نگاه کنیم برای حل این موضوعات باید دولت با بخش خصوصی و انبوه‌سازان تعامل داشته باشد، در صورتی که همکاری‌ها برای تولید مسکن تقویت نشود، تحقق وعده‌های مسکنی دولت با اماواگرهای زیادی روبه‌رو می‌شود. وی افزود: اگرچه عزم دولت برای افزایش تولید مسکن جزم است، اما در اجرای آن برخی چالش‌ها و موانع، پیش‌روی وزارت راه و شهرسازی قرار دارد.

حسینی با اشاره به اینکه ظرفیت ساخت یک‌میلیون مسکن در کشور وجود دارد گفت: با اینهمه در حال حاضر بسترهای اصلی ساخت این تعداد مسکن از جمله نقدینگی موردنیاز، زمین، مصالح ساختمانی و تجهیزات و نیروی انسانی ماهر فراهم نیست و دولت دست‌تنها از پس این اقدام برنمی‌آید.

وی افزود: البته اینکه بگوییم دولت همیشه متصدی ساختن مسکن بوده ، درست نیست و بیشتر در پروژه‌های مختلف با بخش خصوصی همکاری داشته است، اما نکته مهمی وجود دارد که سرعت‌بخشی و افزایش این همکاری‌ها و بسیار ضروری است.

سیاست‌های دولت کارساز نیست

حسینی بیان کرد: مشکلات اقتصادی زمینه‌ساز تورم بالایی در کشور شده و همه بخش‌ها را درگیر کرده و دولت سیزدهم سیاست‌های مختلفی برای تعادل در عرضه و تقاضای بازار مسکن در پیش گرفته است، اما نباید تنها تولید مسکن را گره‌گشای مشکلات این بازار دانست، بلکه نیاز است با برنامه‌ریزی هدفمند و توجه به زیرساخت‌های موجود، گره کور بازار مسکن را باز کرد وگرنه حل یک مشکل نمی‌تواند کمکی به التهاب بازار ملک کند و گرهی از مشکلات بگشاید.

برنامه‌ریزی برای پیشبرد اهداف

حسینی افزود: در حال حاضر انبوه‌سازان تمایلی به مشارکت با دولت برای ساخت مسکن ندارند و تا وقتی‌که این اتفاق تکرار شود، به‌نظر نمی‌رسد وعده دولت به تحقق برسد و اجرایی شود.

این نماینده پیشین مجلس شورای اسلامی ادامه داد: راه‌حل این است که دولت با کارشناسی و برنامه‌ریزی دقیق روشی برای مشارکت انبوه‌سازان و سازندگان با سود متعارف در یک بازه زمان مشخص تعریف و اجرایی کند. تنها در این صورت است که سرعت تولید مسکن در کشور افزایش خواهد یافت. وی افزود: در گام بعد باید نرخ متعارفی که برای مصرف‌کننده در نظر گرفته شده است، در قراردادها لحاظ شود. از این‌رو، دولت باید بخشی از پروژه‌های ساخت مسکن را در قالب مشارکت به انبوه‌سازان واگذار کند تا گپ قیمتی که انبوه‌سازان انتظار دارند، از بین برود و تحمیلی به مصرف‌کنندگان نشود. این کارشناس اقتصاد با تاکید بر اینکه مشکلات بازار مسکن باید با همکاری تمام نهادهای ذی‌ربط پیگیری شود گفت: تنها در این صورت است که تولید مسکن با سرعت بیشتری در مسیر توسعه قرار گرفته و عرضه و تقاضا در این بازار پرطرفدار به تعادل می‌رسد.

سخن پایانی

توان دولت بسیار محدود است و باید بازار را از این جنبه تحلیل کنیم که چطور می‌توان جذابیت سرمایه‌گذاری برای بخش مسکن را از طریق بخش خصوصی فراهم کرد؟ تسهیلات بانکی می‌تواند بخشی از این برنامه باشد، اما واقعیت این است که تولیدکنندگان با مشکلات زیادی از جمله طولانی شدن زمان صدور پروانه‌ها، افزایش نرخ مصالح ساختمانی و افزایش دستمزد مواجه شده‌اند. اگر دولت عزمی برای تقویت بخش خصوصی به‌عنوان بازوان اجرایی خود در ساخت مسکن داشته باشد و بپذیرد به‌جای آنکه در تعریف و طراحی پروژه‌های طرح‌های تولید مسکن تا این اندازه زمان و هزینه صرف کند، از صفر تا صد این پروژه‌ها را به بخش خصوصی واگذار کند، به‌طورقطع می‌توانیم به اجرای طرح جهش تولید مسکن و ساخت ۴ میلیون مسکن در کشور امیدوار باشیم. بااین همه بسیاری از کارشناسان معتقدند در شرایط فعلی تقریبا این کار نشدنی یا بسیار دشوار است. در کل، در شرایط فعلی، زمانی که هزینه پایه ساخت یک متر واحدمسکونی در طرح جهش تولید مسکن یک‌شبه رشد می‌کند، به‌طورقطع بخش خصوصی هیچ رغبتی برای ورود در این طرح و اجرای آن ندارد. باتوجه به همه مشکلاتی که در بخش تولید مسکن در کشور وجود دارد، تولید ۴ میلیون مسکن تا پایان دولت سیزدهم بسیار دشوار خواهد بود، مگر اینکه روند کنونی که در بحث تامین مسکن کشور دنبال می‌شود، تغییر پیدا کند. درغیر این صورت، با روند کنونی حل چالش مسکن امکان‌پذیر نخواهد بود.

تعمیق رکود،نتیجه بانکداری خصوصی

امیرعباس آذرموند: **اقتصاددانان لیبرال و مدافع سرمایه‌داری همواره بر نقش توسعه مالی در رشد اقتصادی تاکید کرده‌اند و موضوع ارتقای توسعه مالی از طریق خصوصی‌سازی بانک‌ها و اعطای مجوز تاسیس بانک‌های خصوصی همواره از مهم‌ترین برنامه‌ها و استراتژی‌های رشد در کشورهای مختلف بوده، حال آنکه نتایج برای کشورهای مختلف یکسان نبوده است.**

در ایران پس از ملی کردن بانک‌ها در دهه ۶۰، از اواخر دهه ۷۰ و با تاکید قانون برنامه سوم توسعه، اجازه فعالیت بانک‌های خصوصی با هدف رفع مشکلات نظام بانکداری ملی صادر شد. اینکه حضور این بانک‌ها چه اثری بر تولید داشته است، می‌تواند جلوه‌ای از اثرات خصوصی‌سازی در کشور باشد. واژه‌ای که مدت‌ها است به کلیدواژه برخی نزدیکان دولت‌ها و سرمایه‌داران ایرانی تبدیل شده،اما باوجود شکست‌های همیشگی در صنعت، کشاورزی و خدمات باز هم بر آن پافشاری می‌شود و در نهایت، خصوصی‌سازی ایرانی را مشکل‌دار می‌دانند و نه نفس آن را.



عکس: صمت

یک بررسی دانشگاهی نشان می‌دهد گرچه با بهبود توسعه مالی تولید کشور رشد کرده است، اما در بخش بانکداری خصوصی و اثر آن بر رشد اقتصادی، باید گفت که با افزایش سهم بخش خصوصی از سیستم پولی ایران، تولید به‌شکل ملموسی کاهش و سوداگری افزایش یافته است. به‌گزارش صمت و بنا بر پژوهشی که فرشاد مومنی، عباس شاکری و دیگران درباره عملکرد بانک‌های خصوصی، منتشر کرده‌اند، بانک‌ها به‌عنوان مهم‌ترین نهاد پولی، وظایف حساسی را در اقتصاد برعهده دارند که از جمله آنها تجهیز سپرده‌ها، تسهیل جریان پرداخت، تخصیص اعتبارات و خلق پول از هیچ است. در کشورهای کمتر توسعه‌یافته که بازارهای مالی ضعیفی دارند، بانک‌ها تنها نهاد قادر به واسطه‌گری مالی هستند و می‌توانند با استفاده از روش‌هایی در خدمت توسعه کشور، ریسک سرمایه‌گذاری را کاهش دهند. در ایران، پس از اینکه در سال‌های ابتدای انقلاب، تمام بانک‌ها ملی شده بودند، با هدف «رفع مشکلات نظام بانکداری ملی» اجازه فعالیت به بانک‌های خصوصی در اواخر دهه ۷۰ داده شد، در حالی که این مجوز در برنامه سوم توسعه صادر شد، در برنامه چهارم حوزه اختیارات بانک‌ها در قالب ماده ۱۰ افزایش یافت. نگاهی اجمالی بر عملکرد بانک‌های خصوصی حاکی است تمامی اهداف عنوان‌شده برای آغاز فعالیت بخش خصوصی در این بخش، محقق نشده‌اند.

▣ نگاه نهادگرایان به بستر مناسب خصوصی‌سازی بانکداری

براساس گزارش اجلاس جهانی داووس در سال ۲۰۱۲، توسعه مالی بر ۷ ستون محیط نهادی، کسب‌وکار، ثبات مالی، خدمات مالی بانکی، خدمات مالی غیربانکی، بازارهای مالی و دسترسی مالی استوار است.

این گزارش بر این باور است که کیفیت بالای این ستون‌ها، بستر و فضای لازم به‌منظور بهره‌برداری حداکثری از آثار مثبت توسعه بازارهای مالی بر تمام جنبه‌های توسعه اقتصادی از جمله رسیدن به سطوح بالاتر رشد اقتصادی را فراهم می‌آورد.

به باور نهادگرایانی که بر این موضع‌گیری اجلاس داووس تاکید دارند، آنها هنگامی که به مسئله بانکداری خصوصی هم می‌پردازند، تاکید می‌کنند جدای از شکل مالکیت بانک‌ها، کیفیت عملکرد سیستم پولی به همین ۷ ستون مربوط است. کیفیت بالای این موارد، سبب بهره‌برداری حداکثری تولید از سیستم بانکی (اعم از خصوصی یا دولتی) می‌شود و تنها در این صورت امیدوار می‌رود که بانک‌های خصوصی شتاب‌دهنده رشد اقتصاد باشند.

▣ سیاست‌های واحد و نتایج متناقض آن

هنگامی که نمی‌توان حکم واحدی درباره توسعه مالی و نقش آن بر پیشرفت اقتصاد صادر کرد، پس در رابطه با نقش مثبت یا منفی وجود بانک‌های خصوصی هم نمی‌توان حکم واحدی صادر کرد. حتی مرور دیدگاه‌های مدافعان و مخالفان رنگارنگ خصوصی‌سازی نظام بانکی، به جمع‌بندی واحدی درباره نقش این بانک‌ها در عملکرد اقتصادی کشورها دست یافت. بررسی عملکرد کشورهای مختلف که به بخش خصوصی اجازه ورود به نظام پولی را دادند هم، نشان می‌دهد عملکرد این سیستم متفاوت بوده است. برخی کشورها موفق شدند به‌شکل مفید از ظرفیت بانک‌های خصوصی بهره ببرند و در هموارسازی مسیر توسعه خود حداکثر استفاده را از بانک‌های خصوصی به‌دست آورند. در مقابل، کشورهای زیادی (به‌ویژه کشورهای در حال توسعه مانند آرژانتین، برزیل، مکزیک و یونان) به‌دلیل عملکرد سودپرستانه بانک‌های خصوصی نه‌تنها به رفع چالش‌های خود دست پیدا نکردند، بلکه عملکرد بانک‌های خصوصی موجب ایجاد مشکلات جدیدی در این کشورها شده است. نتایج متناقض حاصل‌شده سبب شده است جز لیبرال‌ها، مدافعان سرمایه‌داری و اقتصاددانان بازاری، دیگران به‌صورت مشروط از این خصوصی شدن سیستم بانکی دفاع کنند. لازم به توضیح است که اقتصاددانان رادیکال، چپ و مترقی به هر شکل با حضور بخش خصوصی در سیستم بانکی مخالف هستند. بخشی از نهادگرایان که لزوما خصوصی شدن بانک‌ها را اتفاقی منفی نمی‌دانند، تنها در صورتی با این روند موافقت می‌کنند که برخی زمینه‌ها فراهم شده باشد. این طیف از نهادگرایان که مانند نویسندگان این پژوهش به اقتصاد ملی تمایل دارند، معتقدند بانکداری خصوصی به‌عنوان یک هدف مطلوب زمانی باید پیگیری شود که مقررات قانونی بانکی مناسب و محکمی وضع و اجرا شود که اجازه سوءاستفاده را به بانک‌های خصوصی ندهد.

دیدگاه مرسوم در حوزه پولی وجود تناسب میان کارآیی و ثبات در این حوزه را رد می‌کند، زیرا رقابت بیشتر به افزایش کارآیی منجر می‌شود،اما ثبات را از بین می‌برد. از دلایل مهم بی‌ثباتی بانکی این است که بانک‌ها به‌دلیل نقشی که به‌عنوان واسطه ایفا می‌کنند، بالقوه نهادهای بی‌ثباتی هستند. اساس نظام بانکی بر اعتماد به سپرده‌گذاران استوار است که بانک هم باید قادر به بازپرداخت سپرده‌های آنها در زمان دلخواهشان باشد،حتی اگر بانک آنها را بلندمدت قرض داده باشد. ضمن اینکه در یک سیستم پولی، ریسک فراگیر و جریان‌های مسری وجود دارند که اگر یک بانک در این سیستم ورشکست شود، ورشکستگی دیگر بانک‌ها هم رخ خواهد داد.

▣ رشد اقتصادی، قربانی سوداگری بانک‌های خصوصی

نتایج پژوهش نشان می‌دهد که اثر توسعه مالی بر رشد اقتصادی در میان سال‌های ۸۲ تا ۹۴ مثبت بوده که به معنای این است که با بهبود توسعه مالی و روان‌سازی تسهیلات تولید اقتصادی کشور افزایش یافته است. این نتیجه با این نظریه اثرگذاری مثبت توسعه مالی بر رشد اقتصادی را دارد، نشان می‌دهد. بنابراین، اگر دولت در راستای ارتقای توسعه مالی تلاش کند، می‌تواند به بهبود تولید یاری رساند.

> **با افزایش سهم بانک‌های خصوصی از تسهیلات که به‌عنوان شاخصی از حضور و سهم بانک‌های خصوصی در نظر گرفته می‌شود، تولید اقتصادی به‌شکل محسوسی کاهش یافته است**

در رابطه با بحث بانکداری خصوصی و ورود بخش خصوصی و تاثیرپذیری رشد اقتصادی بر آن باید تاکید کرد با افزایش سهم بانک‌های خصوصی از تسهیلات که به‌عنوان شاخصی از حضور و سهم بانک‌های خصوصی در نظر گرفته می‌شود، تولید اقتصادی به‌شکل محسوسی کاهش یافته است.

علت این مسئله را باید در عملکرد بانک‌های خصوصی، به‌ویژه در توزیع تسهیلات جست‌وجو کرد. انجماد منابع در املاک و مستغلات و توزیع تسهیلات به زیان بخش‌های مولد و به سود فعالیت‌های سوداگرانه چون بازرگانی، بنگاهداری، دلالی و واسطه‌گری بانک‌های خصوصی در بازار دارایی‌ها، مجموعه فعالیت‌هایی هستند که بانک‌های خصوصی برای کسب سود بیشتر انجام دادند،اما هزینه آن را تولید کشور پرداخت. این امر صحت نظرات متفکرانی چون جوزف استیگلیتز را نشان می‌دهد که یک‌سره بر بانکداری انحصاری دولتی تاکید دارند و حضور بخش خصوصی در بخش پولی را به زیان جامعه می‌دانند.

فراخوان مزایده عمومی

شرکت توسعه ونگهداری اماکن ورزشی کشور (سهامی خاص)

شرکت توسعه ونگهداری اماکن ورزشی کشور در نظر دارد مزایده بهره برداری از فضاهای ذیل را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) و طی تشریفات قانونی مزایده به اشخاص(حقیقی،حقوقی) واجد شرایط واگذار نماید. کلیه مراحل برگزاری مزایده از دریافت اسناد مزایده تا ارائه پیشنهاد مزایده گران و بازگشایی پاکات از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد و لازم است مزایده گران در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مزایده محقق سازند. تاریخ انتشار مزایده در سامانه تاریخ ۱۴۰۲/۱/۲۲ می باشد .

ردیف	موضوع مزایده	شماره فراخوان	مبلغ پایه مزایده	مبلغ تضمین شرکت در مزایده	مدت بهره برداری	محل بهره برداری
۱	فروش ضایعات و اقلام مازاد در مجموعه های آزادی و شهید کشوری و سوارکاری نوروزآباد و شهداء، تهران	۱۰۰۲۰۰۱۰۹۱۰۰۰۰۰۱	۱۲/۵۸۲/۸۰۰/۰۰۰ ریال (دوازده میلیارد و پانصد و هشتاد و دو میلیون و هشتصد هزار ریال)	۶۲۹/۱۴۰/۰۰۰ ریال	سه‌سال‌شمسی	مجموعه ورزشی آزادی
۲	خانه‌سلامت	۵۰۰۲۰۰۱۰۹۱۰۰۰۰۰۱	۹/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال (نه میلیارد ریال)	۴۵۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال	سه‌سال‌شمسی	مجموعه ورزشی انقلاب
۳	رستوران مینی گلف	۵۰۰۲۰۰۱۰۹۱۰۰۰۰۰۲	۶۱/۲۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال (شصت و یک میلیارد و دویست میلیون ریال)	۳/۰۶۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال	سه‌سال‌شمسی	مجموعه ورزشی انقلاب
۴	بوفه شمال دریاچه آزادی (بوفه دو میدانی)	۵۰۰۲۰۰۱۰۹۱۰۰۰۰۰۳	۱۰/۸۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال (ده میلیارد و هشتاد میلیون ریال)	۵۴۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال	سه‌سال‌شمسی	مجموعه ورزشی آزادی

۱ـ نام و نشاني مزايده‌گزار: شركت توسعه و نگهداري اماكن ورزشي كشور به‌آدرس: تهران، ابتداي اتوبان آيت اله هاشمي رفسنجاني، مجموعه ورزشي انقلاب تلفن: ۲۳۰۷۹۱۵۷
۲ـ نوع تضمين شركت در مزايده: به صورت يكي از موارد ذيل: الف. ضمانت نامه بانكي معتبر/ب. وجه نقد واريز به شماره حساب شبا IR ۳۷۰۱۰۰۰۰۴۰۰۱۰۰۵۸۰۶۳۷۵۰۰۲نزد بانك مركزي به نام تمركز وجوه سپرده هزينه اي شركت توسعه و نگهداري اماكن ورزشي كشور (مشخصات شركت توسعه و نگهداري اماكن ورزشي كشور: كد اقتصادي ۴۱۱۱۱۱۱۶۷۸۷۳ـ شناسه ملي ۱۰۱۰۱۵۵۵۵۵۰ـ شماره ثبت ۱۱۱۸۳۵)
۳ـ مهلت زمان دريافت اسناد مزايده از سامانه ستاد : از روز سه شنبه مورخ ۱۴۰۲/۱/۲۲ لغايت ساعت ۱۹:۰۰ روز يكشنبه مورخ ۱۴۰۲/۱/۲۷ وآخرين مهلت تسليم پيشنهادها: ساعت ۱۹:۰۰ عصر روزشنبه مورخ ۱۴۰۲/۲/۹ ميباشد.
۴ـ زمان بازگشايي پاكات: پيشنهادهاي واصله در ساعت ۱۰:۰۰ صبح روز يكشنبه مورخ ۱۴۰۲/۲/۱۰ در جلسه كميسيون مزايده در مجموعه ورزشي انقلاب(تالار نصرت) از طريق درگاه سامانه تدارکات الکترونيكي دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir باز و خوانده مي‌شود.
۵ـ متقاضي‌شركت در مزايده مي بايست مبلغ ۱/۰۰۰/۰۰۰ ميليون ريال (يک ميليون ريال) به‌شماره حساب ۴۰۰۱۰۰۵۸۰۳۰۱۴۹۹۲ نزد بانک مرکزی جهت خريد اسناد مزايده بپردازد.
۶ـ اطلاعات تماس مزايده گزار جهت دريافت اطلاعات بيشتر در خصوص اسناد مزايده: شماره تماس مدير امور قراردادهاي جاري ۰۲۱۲۳۰۷۹۱۵۸
۷ـ زمان و محل ارائه پاکت الف : اصل ضمانتنامه معتبر شرکت در فرآيند ارجاع کار تا ساعت ۱۴:۰۰ از ظهر روزشنبه مورخ ۱۴۰۲/۲/۹ به دستگاه مزايده گزار به آدرس تهران- خيابان وليعصر (عج)- ابتداي اتوبان آيت اله هاشمي رفسنجاني (نيايش)- مجموعه ورزشي انقلاب- ساختمان‌شرکت توسعه و نگهداري اماکن ورزشي دبيرخانه تسليم نموده و رسيد آن را دريافت نمائيد.
۸ـ اطلاعات تماس سامانه ستاد جهت انجام مراحل عضويت در سامانه : مرکز تماس : ۴۱۹۳۴ـ۰۲۱ سامانه تدارکاتي الکترونيکي دولت (ستاد) www.setadiran.ir
* بازگشايي پاکات رديفهاي ۱ و ۲ با يک مزايده گر و در رديفهاي ۳ و ۴ با بيش از يک مزايده گر انجام خواهد شد.
* هزينه چاپ آگهي و کارشناسي تعيين پايه مزايده بعهده برنده مزايده است.
* درج اين آگهي هيچگونه تعهدي براي دستگاه مزايده‌گزار ايجاد نمي‌نمايد.
* شرکت در قبول و يا رد همه يا هر يک از پيشنهادهاي واصله مختار خواهد بود.
* جهت اطلاع بيشتر به سايت پايگاه ملي اطلاع رساني مناقصات کشور به آدرس : http://iets.mporg.ir ويا به‌سايت‌شرکت توسعه ونگهداري اماکن ورزشي به آدرس www.tanavar.ir مراجعه نمائيد.

شناسه آگهی : ۱۴۷۸۰۶۱ | م الف / ۱۳۴ | شرکت توسعه ونگهداری اماکن ورزشی کشور

نوبت دوم

فراخوان مناقصه عمومی یک‌مرحله‌ای شماره: ۵۲۴۶۴۶۵۰

شرکت فولاد خوزستان (سهامی خاص)

شرکت فولاد خوزستان در نظر دارد انجام فعالیت اجرایی ذیل را طبق شرح کار و خدمات تدوین شده مندرج در اسناد مناقصه پس از ارزیابی کیفی از طریق مناقصه به پیمانکار واجد شرایط واگذار نماید. لازم به ذکر است باتوجه به اینکه اعلام آمادگی و دریافت اسناد مناقصه از طریق وب‌سایت مدیریت تامین‌کنندگان به آدرس الکترونیکی https://pim.ksc.ir انجام خواهد شد. ضروری است مناقصه‌گران در صورت عدم عضویت قبلی مراحل ثبت‌نام در سایت مذکور را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند.

الف) موضوع مناقصه: مواد خام اولیه (بنتونیت فله بونکر)

ب) شرح مختصری از مشخصات و مقادیر کار:

ج) محل اجرای خدمات و مدت انجام کار: محل انجام خدمات / پروژه در واحد انبارها و سفارشات

شرکت فولاد خوزستان و مدت اجرای قرارداد از تاریخ ابلاغ شروع بکار توسط کارفرما ۱ سال می‌باشد.

د) شرایط مناقصه‌گران متقاضی:

- داشتن ظرفیت آزاد (تعدادی و ریالی) در رشته مربوطه (باتوجه به نوع مناقصه)
- دارا بودن رتبه‌بندی متناسب با موضوع مناقصه از سازمان برنامه و بودجه کشور (حسب مورد)
- داشتن سابقه مفید در رابطه با موضوع مناقصه و حسن شهرت در فعالیت‌های گذشته براساس رزومه کاری و توان فنی و مهندسی
- دارا بودن صلاحیت ایمنی معتبر از اداره تعاون کار و رفاه اجتماعی براساس ماده ۲ و ۳ آیین‌نامه ایمنی امور پیمانکاری مصوب وزارت کار و امور اجتماعی در تاریخ ۱۳۸۹/۰۳/۰۵
- دارا بودن گواهی صلاحیت معتبر از اداره تعاون کار و رفاه اجتماعی موضوع تصویب‌نامه شماره ۳۸۳۲۶/ت ۵۶ ه ۲۷ مورخ ۸۱/۰۹/۰۵ هیات محترم وزیران درخصوص انجام خدمات موضوع مناقصه
- توانایی ارائه ضمانتنامه شرکت در مناقصه به مبلغ ۱۴،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰ (ریال)
- توانایی تهیه ضمانتنامه انجام تعهدات (در صورت برنده شدن) به میزان ۵٪ بار مالی پیمان براساس نرخ پیشنهادی
- در تعیین برنده مناقصه و در شرایط برابر اولویت با شرکت‌های بومی استانی است.

تذکر: حسب مورد ارائه یک نسخه از اساسنامه شرکتنامه و آگهی تاسیس و آخرین آگهی تغییرات ثبت شده در روزنامه رسمی کشور و هرگونه گواهی مبنی بر واجد شرایط بودن شرکت مطابق با مفاد آگهی الزامی می‌باشد.

هـ) محل و مهلت و چگونگی دریافت مدارک مناقصه‌گران:

از کلیه متقاضیان دعوت به عمل می‌آید پس از انتشار آگهی در این فراخوان و حداکثر تا تاریخ ۱۴۰۲/۰۱/۲۶ با مراجعه به نشانی اینترنتی فوق‌الذکر ضمن تکمیل فرایند ثبت‌نام و تایید نهایی آن و ارسال درخواست اعلام آمادگی از طریق وب‌سایت مذکور نسبت به بارگذاری مدارک مورد نیاز به همراه مستندات مربوطه مطابق با اطلاعات درخواست شده در وب‌سایت اقدام نمایید تا ارزیابی لازم وفق آیین‌نامه و دستورالعمل ارزیابی کیفی شرکت فولاد خوزستان بر روی مدارک ارسالی مناقصه‌گران به عمل آید.

تاکید می‌گردد اعلام آمادگی و ارسال مدارک، هیچگونه حقی را برای متقاضیان جهت شرکت در مناقصه‌های آتی این شرکت ایجاد ننموده و مدارک الصاقی و همچنین کسب امتیاز براساس معیارهای ارزیابی کیفی و توانمندی‌های بهداشتی و زیست‌محیطی (HSE) می‌باشد.

ضمنا اسناد مناقصه برای متقاضیان واجد شرایط در مرحله ارزیابی کیفی نیز از طریق آدرس مذکور قابل دریافت خواهد بود. همچنین زمان برگزاری جلسه توجیهی (سایت ویزیت) پیش از اعلام قیمت. زمان تحویل و گشایش پاکات در اسناد مناقصه درج شده است.

(ارائه معرفی‌نامه و کارت ملی برای متقاضیان شرکت در مناقصه و نمایندگان شرکت‌ها در همه مراحل لازم و ضروری می‌باشد.)

و) نام و نشانی کارفرما:

خوزستان اهواز- ابتدای بزرگراه خلیج‌فارس- بلوار فولاد خوزستان- شرکت فولاد خوزستان- کدپستی ۱۳۱۱۱ - ۶۱۷۸۸

ضمنا متقاضیان می‌توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره تلفن ۰۹۸۶۱۳۲۱۳۶۱۸۹ آقا/ خانم امید ارجمندفر (کارشناس امور قراردادها) تماس حاصل فرمایند.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۲/۰۱/۲۴ | تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۲/۰۱/۲۶

روابط عمومی شرکت فولاد خوزستان

کارشناس اقتصاد در گفت‌وگو با صمت:

کارگران هم مانند بخش خصوصی طرف مشورت باشند



عکس: صمت



دولت‌ها باید در اقتصاد دخالت کنند و این کار درست است. حالا ممکن است دولتی دخالت نابجا و ناپخته داشته باشد یا به هر دلیلی خود به عاملی برای اتخاذ تصمیمات غلط تبدیل شود. اینجا اشتباه در عملکرد آن دولت خاص است و نمی‌توان نفس این کار را زیر سوال برد

امیرعباس آذرموند: آلبرت بغزیان، عضو هیات علمی دانشگاه تهران، ضمن اینکه مشورت دولت با بخش خصوصی را در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی اقدامی رو به جلو می‌خواند، می‌گوید: «البته تولید فقط یک ذی‌نفع ندارد. تنها صاحبان سرمایه نیستند که به تولید در کشور می‌پردازند، بلکه طبقه کارگر هم از اجزای مهم و تعیین‌کننده تولید است که کاش نظرات آنها را هم در تصمیم‌گیری‌ها لحاظ می‌کردند.

در کشور ما بخش خصوصی بیش از هر بخش دیگری اجازه تشکل‌یابی دارد، اما کارگران نمی‌توانند طرف مشورت قرار بگیرند، زیرا حتی از داشتن سندیکا و انجمن‌های صنفی محروم هستند.»

این کارشناس اقتصاد کلان با نقد نگرش‌های لیبرالی و بازاری در اقتصاد تصریح کرد: «دولت‌ها باید در اقتصاد مداخله کنند، زیرا کارفرما تنها سود حداکثری خود را می‌خواهد.

این امر به‌معنای تخریب محیط‌زیست و تضعیف روز به روز قدرت خرید نیروی کار است. مداخله دولت‌ها سبب شده امروز کارگران تعطیلات هفتگی یا بیمه داشته باشند، وگرنه بخش خصوصی حاضر نبوده و نیست که این حمایت‌ها را از کارگران انجام دهد.

دخالت دولت در اقتصاد ضروری است، چون هیچ سرمایه‌داری جز به جیب خود به فرد دیگری پاسخگو نیست، اما دولت‌ها چون از مردم رأی می‌گیرند باید درباره اشتغال، تورم، رشد اقتصادی و عدالت به آنها پاسخگو باشند.»

متن کامل گفت‌وگوی صمت با این استاد دانشگاه را در ادامه می‌توانید بخوانید.

◉ اخیرا ابراهیم رئیسی اعلام کرد در دولت سیزدهم قصد دارد در تصمیم‌گیری‌ها بخش خصوصی را بیشتر مورد مشورت قرار دهد. این اقدام چه تاثیری در مدیریت امور خواهد داشت؟

به‌طور کلی هرچه برای یک تصمیم‌گیری به افراد مطلع بیشتری به‌منظور مشورت مراجعه شود، نتایج بهتر و مفیدتری حاصل خواهد شد. در ضرب‌المثل‌ها شنیده‌ایم که می‌گویند چند سر به فکر بهتری می‌رسند تا یک سر. این البته یک قاعده کلی است که نمی‌توان آن را به همه مسائل تعمیم داد و انتظار بهترین نتایج را داشت.

در کشور ما، اغلب مسئولان تصمیمی می‌گیرند و پس از اینکه آن را برای اجرا ابلاغ کردند تازه صدای مخالفان در می‌آید و دولت هم تلاش می‌کند بی‌توجه به اعتراضات، کار خود را بکند، اما اگر دامنه اعتراضات گسترش یابد، ممکن است از تصمیم خود منصرف شود. بخش خصوصی نیز همواره معترض است که ما در تصمیم‌گیری‌ها هیچ نقشی نداریم و از این مسئله ابراز نارضایتی می‌کند. حالا اگر این بخش که ذی‌نفع اصلی از نظر منافع فردی و طبقاتی است، بتواند هنگام اتخاذ تصمیمات از آن مطلع شود و حرف خود را بزند، در زمان اجرای تصمیم، اعتراض و گلایه کمتری مطرح خواهد شد. حتی ممکن است با طرح بحث‌هایی از این سمت، تغییراتی در تصمیم‌ها حاصل شود که نتایج منفی کمتری داشته باشند. ضمنا فرصت مناسبی هم برای سرمایه‌داران ایجاد می‌شود تا در فضایی صمیمانه‌تر مسائل خود را با دولتمردان در میان بگذارند.

مسئله اصلی این است که سرمایه‌داران، تنها یک بخش از تولید هستند و نیروی کار بخشی دیگر. با این تفاوت که هر چه سرمایه‌داران جمعیت کوچک‌تری دارند، کارگران و خانواده‌های‌شان ۴۰ میلیون نفر از جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند.

◉ اینکه تصمیم‌گیری‌هایی پشت درهای بسته، منافع آنها را تامین و به زندگی دیگران فشار وارد کند، تا چه اندازه قابل‌قبول است؟

گاهی به نظر می‌رسد بخش خصوصی در ذهن خود اهمیتی برای اشتغال، عدالت و رفاه اجتماعی قائل نیست. این نگرانی از نظر من کاملا بحق است، زیرا متاسفانه بخش خصوصی تنها بخش در کشور ماست که حق فعالیت متشکل دارد. زنان، معلمان، طبقه کارگر و... هیچ کدام اجازه فعالیت‌های مستقلانه را مانند بخش خصوصی ندارند و حتی داشتن یک تشکل صنفی مانند سندیکا هم برای برخی قابل قبول و تحمل نیست.

این مسئله را هم باید ابراهیم رئیسی و دیگر مسئولان دولتی بدانند و متوجه باشند که از نظر جمعیتی با نمایندگان بخش کوچکی از جامعه مواجهند که به‌دلیل اینکه صاحب بیشتر ثروت و سرمایه کشور هستند، دارای قدرت نفوذ شده‌اند؛ پس باید همین دولتمردان عاقل باشند و حرف‌ها را همه‌جانبه بشنوند. به‌طور مثال ممکن است یک شرکت قفل‌سازی، قفلی تولید کند که در آزمایش‌های اولیه موفق باشد، اما قبل از توزیع آن در بازار، تولیدکنندگان برای اینکه خیال‌شان راحت شود، باید سارقانی را بیاورند تا آنها ببینند می‌توانند این قفل را باز کنند یا خیر. این اتفاق در تولید نرم‌افزارها و اپلیکیشن‌ها بیش از هر جایی می‌افتد و هکرها باوجود مجرمانه بودن فعالیت‌شان به تست یک نرم‌افزار جدید می‌پردازند.

> هرچه برای یک تصمیم‌گیری به افراد مطلع بیشتری به‌منظور مشورت مراجعه شود، نتایج بهتر و مفیدتری حاصل خواهد شد

◉ به نبود حق فعالیت تشکل‌های دیگر اشاره کردید. باتوجه به این نکته فکر می‌کنید در جلسات دولت و سرمایه‌داران تصمیمات با رویکرد چندجانبه و به سود همه مردم گرفته می‌شود؟

باید کمی صبر کنیم و بعد این مسئله را دقیق‌تر تحلیل کنیم، اما به‌طور کلی وجود تشکل‌هایی چون سندیکاهای کارگری که بزرگ‌ترین بخش تولید هر کشوری یعنی طبقه کارگر را در خود گرد می‌آورد، به همین دلیلی که گفتید ضروری است. اینکه مانند امسال، حداقل دستمزد در کشور به‌نحوی تعیین شود که نیازهای کارگران را تامین نکند، می‌تواند و باید مورد اعتراض سندیکاها باشد. اگر سندیکا هم نباشد این اعتراضات شکل می‌گیرد؛ کما اینکه همین امروز انواع اعتراضات به مزد ۱۴۰۲ از سوی کارگران جریان دارد. در این مسئله هم باید آنها را یک طرف تصمیم‌گیری‌ها در نظر گرفت و از نظرات طبقه کارگر هم بهره جست؛ به‌عبارت ساده‌تر هرچه روند تصمیم‌گیری‌ها از یک‌جانبه‌گرایی فاصله بگیرد و به چندجانبه‌گرایی تبدیل شود و هرچه جامعه ذی‌نفعان بیشتری در اتخاذ تصمیم‌ها نقش داشته باشند، احتمال موفقیت آن تصمیم هم بیشتر می‌شود. به‌طور مثال در تصمیم‌گیری‌های کلان وقتی نمایندگان کارگران، کارفرمایان و دولت در کنار هم می‌نشینند احتمال بیشتری وجود دارد که تصمیمات حاصله هم منجر به رشد اقتصاد شود و هم با در نظر گرفتن عدالت اجتماعی، از اینکه سود رشد به جیب یک اقلیت ناچیز، مثلا سرمایه‌داران برود، جلوگیری کند.

این را نیز باید مدنظر داشت که تصمیمات هرچه یکجانبه‌تر باشد، استبدادی‌تر است و با مداخله طرف‌های مختلف است که می‌توان عوارض سیاست‌ها را به حداقل رساند و البته غیراستبدادی عمل کرد. حتی در یک دادرسی هم اگر طرفین دعوا حضور داشته باشند تصمیم قاضی عادلانه‌تر خواهد بود. حتی کسانی که وجود بازار انحصاری را به زیان کشور می‌دانند و در مقابل آن از بازار رقابتی سخن می‌گویند هم تصریح می‌کنند که در یک بازار انحصاری منافع مصرف‌کنندگان از حداقل اهمیت برخوردار است و انحصارگر حاکم بر بازار بی‌توجه به تمام جنبه‌های دیگر تنها برای حداکثری ماندن سود خود تلاش می‌کند و تصمیم می‌گیرد. انحصارگران به تولید یا اشتغال مردم فکر نمی‌کنند، اما در یک فضای رقابتی هر سرمایه‌داری تلاش می‌کند با جذب مشتری سود خود را بیشتر کند؛ پس عوامل دیگری را هم در نظر می‌گیرد که می‌تواند به سود مصرف‌کننده هم تمام شود.

◉ اقتصاددانان لیبرال و بازاری در مقابل تمام مشکلات اقتصاد کشور تنها بر نقش دولت و «آزاد نبودن» بازار و باز نبودن دست سرمایه‌دار تاکید دارند. واقعا حلال مشکلات اقتصاد کشور ما این راهکارهای لیبرالی است که شکست آن بارها در کشورهای درحال‌توسعه ثابت شده است؟

متاسفانه یک مشکل در بحث‌های علمی و فکری کشور ما وجود دارد و آن هم نگرش مکتبی و یکطرفه دیدن مسائل است. همان‌طور که شما گفتید در تشریح دلایل تمام مشکلات موجود در اقتصاد ایران برخی می‌گویند چون دولت مداخله می‌کند اوضاع خراب است و باید اختیار همه چیز تنها در دست بخش خصوصی باشد. در ماجرای خودروسازی که اخیرا شاهد آن هستیم هم این طیف وارد شده و می‌گویند مادامی‌که دولت دست به قیمت‌گذاری می‌زند مسئله حل نخواهد شد و راهکارشان هم چیزی نیست جز سپردن بازار به سرمایه‌داران صاحب تولید. جدا از اینکه این حرف‌ها علیه عدالت و انصاف است، در عمل هم امکان تحقق آن وجود ندارد و تنها بیان آن ساده است.

اگر دولت دلیل تمام انحرافات از تحقق نتایج بهینه است، پس فلسفه تشکیل دولت‌ها در جهان چیست و هنوز هم وجود دارند؟ این‌طور نبوده که دولت‌ها از ابتدا در بازارها یا تولید دخالت کرده باشند. اتفاقا تا میانه قرن ۲۰ دولت‌ها هیچ دخالتی در بازار و اقتصاد نداشتند که نتیجه این بی‌تفاوتی نه بهبود زندگی مردم و ثبات اقتصادی بلکه افزایش فاصله طبقاتی به بالاترین حد ممکن بود و حداکثر شدن سود عده قلیلی از صاحبان صنایع که صاحب بیش از نیمی از ثروت اقتصاد بودند، را به‌دنبال داشت.

دولت‌ها باید در اقتصاد دخالت کنند و این کار درست است. حالا ممکن است دولتی دخالت نابجا و ناپخته داشته باشد یا به هر دلیلی خود به عاملی برای اتخاذ تصمیمات غلط تبدیل شود. اینجا اشتباه در عملکرد آن دولت خاص است و نمی‌توان نفس این کار را زیر سوال برد. لیبرال‌ها باتوجه به وقایع ۱۷ سال گذشته، باید می‌پذیرفتند که خصوصی‌سازی در ایران شکستی تمام‌عیار خورده است. باوجود اینکه خصوصی‌سازی مشکلات را دوچندان کرد، آنها نحوه اجرای این برنامه را عامل مشکلات می‌دانند.

به هر روی این دولت است که از مردم رای می‌گیرد و باید پاسخگوی مردم باشد. دولت باید در اقتصاد مداخله کند، زیرا نماینده مردم و مسئول ایجاد اشتغال، افزایش رشد اقتصادی، کنترل تورم و بهبود زندگی همه است. کدام بخش خصوصی تا امروز حاضر شده در مقابل بیکاری یا رکود تورمی پاسخگو باشد؟ بگذارید یک مثال بزنم. یک کارخانه سیمان در یک بازار رقابتی ایجاد می‌شود. در این حالت تولیدکننده با خریدار عمده به توافق می‌رسد که میزان مورد توافقی سیمان تولید و به قیمتی مشخص به خریدار واگذار کند.

تا اینجا مشکلی وجود ندارد، زیرا خریدار هم آن را در بازارها توزیع می‌کند، اما تولید را نمی‌توان تا این حد ساده‌سازی کرد، زیرا تولید سیمان آلودگی‌های زیادی به‌دنبال دارد که مستقیما تولید بخش کشاورزی را متاثر می‌کند و حتی می‌تواند آن را به نحو ملموسی کاهش دهد. طی این فرآیند کشاورزان از نان خوردن می‌افتند و باید نهادی در این ماجرا به زیان آنها هم رسیدگی کند. کدام کارخانه‌داری همان ابتدا و بدون اجبار حاضر است مسئولیت تولید آلاینده خود را بپذیرد؟ من تاکنون چنین کسی را ندیدم. با این وصف دولت باید به این مسئله رسیدگی کند و به رفع مشکلات کشاورزان بپردازد. در این راستا می‌توان با اخذ مالیاتی مناسب از کارخانه سیمان، تولید این کالا را طوری کنترل کرد که هم چرخه تولید قطع نشود و هم زندگی کشاورزان کمترین آسیب را از آلودگی ببینند و ضمنا با درآمد حاصل از مالیات می‌توان امکانات رفاهی مناسبی برای کشاورزان فراهم ساخت. در این حالت است که تولید به نفع همه است و زیان آن میان بخش‌ها تقسیم می‌شود و در نهایت حس تبعیض در افراد جامعه کمتر می‌شود.

می‌گویند تنها با خصوصی کردن همه فعالیت‌ها می‌توان بهره‌وری را بالا برد. پس دولت هر جا یارانه‌ای برای فعالیتی ارائه می‌کند، کاری اشتباه و زیان‌ده انجام می‌دهد. آموزش همگانی رایگان، مثال مناسبی است. دولت‌ها، به‌ویژه دولت‌های مردم آموزش عمومی را آنقدر ارزان کردند که همه امکان تحصیل داشته باشند. این اقدام گرچه هزینه اقتصادی دارد، اما نباید آن را زیان و هزینه اضافی قلمداد کرد. آموزش عمومی رایگان ضروری است، چون به‌واسطه آن نیروی کار ماهر برای آینده تربیت می‌شود و در مقابل فرهنگ جامعه هم رشد می‌کند و مردم با آرامش بیشتری می‌توانند زندگی کنند. این سود بزرگی است که پرداخت هزینه آموزش عمومی را در همه کشورها توجیه‌پذیر می‌کند. این نیز یک یارانه است که دولت به مردم می‌پردازد و باید هم بپردازد و منابع آن را نیز باید از طریق اخذ مالیات از ثروتمندان فراهم آورد، اما خدمات آن را به همه ارائه دهد. در هر حال دولت باید در اقتصاد مداخله کند، اما دخالتی ثمربخش.

◉ درباره بهره‌وری بیشتر هم بحث‌های فراوانی می‌شود. فعالیت دولت‌ها یکسره هزینه اقتصادی است؟

من این‌طور فکر نمی‌کنم. اتفاقا دولت از آنجایی که در زمینه وضعیت معیشتی مردم مسئول است، گاه در فعالیت اقتصادی به‌جای تمرکز صرف بر سود، برخی نیازهای اجتماعی را هم لحاظ می‌کند که در بخش خصوصی توجهی به آن وجود ندارد. اینکه گفته می‌شود بهره‌وری در بخش دولتی پایین است، حرف غلطی نیست، اما منظور از بهره‌وری صرفا نرخ سود است. بخش خصوصی چون به‌دنبال کسب حداکثر سود ممکن برای خود است، به‌سرعت از تعداد نیروی کار خود می‌کاهد و بر فشار کار می‌افزاید، زیرا سرمایه‌داران پاسخگوی رکود یا تورم کشور نیستند و خود را تنها به جیب خودشان پاسخگو می‌دانند، اما در مقابل دولت وظیفه دارد منافع مردم را هم تامین کند.

بگذارید این‌طور بگویم که در واگذاری‌های کشور ما بارها مشاهده کردیم که خریدار به‌سرعت دست به فروش ماشین‌آلات زد و آنها را از کشور خارج کرد و فروخت. یا اینکه ارز ترجیحی را که برای فعالیتی صنعتی دریافت کرده بود، در بازار آزاد فروخت و سود کرد. نبود مداخله کافی دولت و نظارت‌های شدید سبب شد بخش خصوصی که تنها به فکر سود خود است، چنین اقداماتی را انجام دهد و اگر دولت واقعا بر امور کنترل داشت منابع کمتری از بین می‌رفت. اگر دولت و قوانین نبودند، هیچ سرمایه‌داری کارگران خود را بیمه نمی‌کرد. اینکه امروز ساعت کار به ۸ ساعت کاهش یافته و به همه سرمایه‌داران تحمیل شده، محصول ورود دولت به روابط میان کار و سرمایه است، وگرنه پیش از این نه حداقل دستمزدی وجود باشد و نه تعطیلی آخر هفته‌ای. کارگر تا جان داشت باید کار می‌کرد و هر بلایی سرش می‌آمد هم کارفرمایش دلیلی برای توضیح نمی‌دید. کسانی که از لزوم عدم مداخله دولت صحبت می‌کنند خواهان سود حداکثری برای بخش خصوصی و حداکثر استثمار کارگران هستند. آنها عدالت اجتماعی را نه یک نیاز و ارزش، بلکه ضدارزش می‌دانند. تعیین حداقل دستمزد، قانون کار، بازنشستگی و... همه محصول دخالت دولت‌هایی هستند که به حرف مردم و طبقه کارگر گوش دادند و نفع همگانی را بر سود یک بخش ارجح دانستند. اینکه امروز مردم راحت‌تر از ۱۵۰ سال پیش زندگی می‌کنند، محصول مداخله دولت در اقتصاد است.

> دولت باید در اقتصاد مداخله کند، زیرا مسئول ایجاد اشتغال، افزایش رشد اقتصادی، کنترل تورم و بهبود زندگی همه است

در اقتصاد تنها سودآوری و بهره‌وری سرمایه مطرح نیست. شاید برای بخش خصوصی این‌طور باشد، اما اقتصاد حوزه‌ای است که همه در آن فعال هستند و زمانی همه حس خوبی دارند که نفع اقتصادی شامل آنها هم بشود. اینکه یک طرف ماجرا تنها منافع خود را ببیند، گرچه خوب نیست، اما قابل‌درک است؛ بر همین اساس دولت باید به‌عنوان نماینده مردم، منافع همه را در نظر بگیرد که در این روند اشتغال، رفاه عمومی، یارانه معیشتی، بیمه‌ها و... هم مطرح می‌شود و بهبود رابطه بخش‌های مختلف تولید و نفع همگانی را به‌دنبال دارد.

◉ در بقیه کشورها هم این‌طور بازار رها و دفاع همه‌جانبه از بخش خصوصی به ادبیات غالب تبدیل شده است؟

در کمتر کشوری مانند ایران توانستند چنین تکصدایی را ایجاد کنند. البته تا پیش از بحران اقتصادی بزرگ در سال ۱۹۳۰ پارادایم حاکم بر اداره اقتصادهای سرمایه‌داری لیبرال، جلوگیری از هر نوع دخالت دولت در کل اقتصاد بود که انقلاب شوروی تا حدی این پارادایم را زیر سوال برد، اما بحران ۱۹۳۰ نشان داد این نگرش یکطرفه و در خدمت سرمایه‌داری، تضمین‌کننده ثبات اقتصادها نخواهد بود. رکود تورمی در آن زمان ایجاد شد که مشابهش دیده نشده بود و به همین دلیل مطرح شد که اقتصاد بازار آزاد گرچه به سود حداکثری اقلیتی صاحب ثروت است، اما رفاه عمومی را به‌شدت تهدید می‌کند.

از آن زمان به بعد دولت‌ها نه‌تنها بر اقتصاد نظارت کردند، بلکه با ابزارهای پولی و مالی به حفظ ثبات پرداختند. این امر سبب شد به‌ویژه در دهه ۵۰ و ۶۰ میلادی رشد اقتصادی و رفاه همگانی به حداکثر برسد.

امروز در ادبیات اقتصادی پذیرفته شده که دفاع از کسب سود حداکثری کارفرما نتیجه‌ای ندارد، جز فشار حداکثری بر کارگران. اکنون موضوع فراتر از مسئله کارگر و کارفرما هم رفته زیرا تولید، محیط‌زیست را به‌شدت تخریب کرده و حالا مسئله حفظ حیات بشر در کره زمین به حفظ محیط‌زیست هم گره خورده است. اگر دخالت دولت‌ها نبود، هیچ بنگاه اقتصادی حاضر نبود سود حداکثری خود را برای حفظ فضای سبز به خطر بیندازد.

سود حداکثری یعنی همه چیز در خدمت پیروزی یک نفر که صاحب سرمایه است. امروز دولت‌ها در موضوعات محیط‌زیستی هم با اقتدار وارد شدند و از نابودی بیشتر جلوگیری کردند. ماهیت سرمایه‌داری اگر تحت کنترل نباشد، نه‌تنها عدالت اجتماعی، بلکه ادامه حیات بشر را هم ناممکن خواهد کرد.

فعالان دانش‌بنیان در گفت‌وگو با صمت مطرح کردند

جای خالی کارآفرینی در اقتصاد

چندی پیش در دیدار رئیس جمهوری با ۱۸ تن از کارآفرینان و فعالان بخش خصوصی، موضوعاتی درباره تعامل حداکثری کارآفرینان و دانش‌بنیان‌ها مطرح شد؛ به‌گفته ابراهیم رئیسی، هیچ تصمیمی در اقتصاد نباید بدون نظر کارآفرینان گرفته شود. وی در این مراسم گفت: «معتقدیم میدان اقتصاد باید در اختیار بخش خصوصی، تولیدکنندگان و کارآفرینان باشد و دولت صرفا نقش هدایت، حمایت، نظارت و تنظیم‌گری را برعهده داشته باشد». کارشناسان بااشاره به این مباحث می‌گویند؛ تعامل حداکثری کارآفرینان در اقتصاد بیشتر شبیه یک رویا است؛ چرا که در دولت کوچک‌ترین نشانه‌ای هم وجود ندارد که بخواهیم نسبت به تعامل کارآفرینان در اقتصاد دلخوش باشیم. آنها معتقدند فعالیت کارآفرینان در اقتصاد بستگی به سود و ضرری دارد که این فعالان ممکن است، برای دولت داشته باشند. هر جایی که به نفع دولت بوده، پای کارآفرینان هم به آن موضوع باز شده و از کنار آن سود هم برده است؛ اما هر جایی که به ضرر دولت بوده، ردپایی از کارآفرینان در اقتصاد مشاهده نشده است. نظیر صنعت خودرو که دانش‌بنیان‌ها نمی‌توانند در عمل، فعالیتی در این عرصه داشته باشند. صمت در این گزارش نقش و تاثیر کارآفرینان در اقتصاد را بررسی کرده و به صحت گزاره‌های موجود درباره توسعه اکوسیستم نوآوری در کشور پرداخته است.

مهتاب دمیرچی
editor@smtnews.ir



عکس: صمت

رویاپردازی ممنوع

مهدی صداقت، فعال دانش‌بنیان در زمینه تجاری‌سازی، معتقد است: بهتر است وقتی از اقتصاد صحبت می‌کنیم، واقع‌بین باشیم و به واقعیت‌ها تاکید کنیم.

وی در گفت‌وگو با صمت گفت: اگر بخواهیم به آرمان‌هایی که تاکنون مطلوب آحاد مردم و اندیشمندان بوده و اتوپیای امریکایی است، تاکید کنیم، قابل‌ذکر است که بار اصلی مسئولیت جامعه را کارآفرینان باید بر دوش بکشند و آنها مسبب اصلی پویایی اقتصاد به‌شمار می‌روند.

دولت هم در این میان تنها نقش تسهیلگری دارد و باید کمک کند اداره جامعه از طریق اکوسیستم کارآفرینی پیش برود.

در آموزش‌های آکادمیک و دانشگاهی هم دانشجویان درس‌های زیادی درباره این نوع از اقتصاد خوانده‌اند.

وی افزود: اما باتوجه به آنچه تاکنون از کنش‌های اقتصادی کشور و شرایط رفاهی مردم مشاهده کردیم، باید گفت، چنین روندی، رویایی بیش نیست و کارآفرینان نقش جدی در اقتصاد ندارند.

از آنجایی که منابع از طریق دولت توزیع می‌شود، رانت در اقتصاد کشور تبدیل به روندی فراگیر شده است. در واقع دولت پول و سرمایه را به هر که بخواهد، می‌دهد و شرایط رشد و پیشرفت اقتصادی را برای هر فردی که نخواهد، فراهم نمی‌کند.

گفتنی است، این روند اصلا به‌نفع مردم نیست و مردم هم نفعی از چنین اقتصادی نمی‌برند.

▣ با حرف‌های کاریکاتوری کاری پیش نمی‌رود

وی گفت: نشانه‌ای وجود ندارد که امروز بخواهیم بگوییم دولت می‌خواهد مدل اقتصادی کشور را تغییر دهد.

به‌اعتقاد من، در شرایط فعلی نمی‌توان جایگاهی برای کارآفرینان در اقتصاد قائل شد. اگر اقتصاد آزاد باشد، شرایط برای مطالبه‌گری از دولت فراهم می‌شود و به‌تبع آن می‌توان برای کارآفرینان در اقتصاد جایگاهی را در نظر گرفت.

به گفته وی، دولت در جاهایی که توانایی تصدیگری دارد، تصدیگری می‌کند و آنجایی که کم می‌آورد و نمی‌تواند تصدیگری کند، یاد کارآفرینان می‌افتد و به آنها نقش اقتصادی می‌دهد؛ چنین عملکردی به نفع کارآفرینی نیست، بلکه تنها به نفع دولت است.

صداقت بااشاره به تعریف نادرستی که از بخش خصوصی در کشور شده است، گفت: آن بخش خصوصی که از دل مردم بیرون بیاید و رشد کند، در صنعت و تولید کشور وجود ندارد. شرکت‌های فعال که عنوان خصوصی را یدک می‌کشند، به‌طورمعمول دولتی و شبه‌دولتی هستند، چرا که تاکنون هر آنچه به‌عنوان بخش خصوصی شناخته شده است، به منبع دولتی وصل بوده و موجب افزایش رانت در کشور شده‌اند.

این کارشناس اکوسیستم نوآوری با تاکید بر اینکه بخش خصوصی در صنعت و تولید اصلا جایگاهی ندارد و نفع‌های اقتصادی آن از آن دولت می‌شود، گفت: به‌اعتقاد من، تاحدی آن دسته از بخش خصوصی که از جنس مردم است، خود را در بازار و دادوستد نشان داده است.

وی ادامه داد: ۹۵ درصد اقتصاد صنعتی و تولیدی در اختیار دولت است و سازکاری در این بخش وجود ندارد که کارآفرینان و دانش‌بنیان‌ها بتوانند موثر عمل کنند. برای تعامل حداکثری کارآفرینان در اقتصاد خوب است، سرمایه و پول به‌سمت مردمی روانه شود که با پشتوانه علم و فن قصد دارند در اقتصاد نقش‌آفرینی کنند.

صداقت گفت: به‌طورکلی ۲ نگاه در عملکرد دولت‌ها در اقتصاد وجود دارد، زمانی شاهد این هستیم که دولت وظیفه اداره کشور را دارد و به‌عنوان بازیگر اصلی اقتصاد فعالیت می‌کند، اگر چنین دولتی سهامدارانی داشته باشد که مردم از آن نفع می‌برند یا در اصل مردم سهامدار آن هستند، باید به‌گونه‌ای نگریست که که سهامداران منتفع شوند، چون پای مردم در میان است، اما شواهد نشان می‌دهد که چنین نگرشی در کشور ما کمرنگ است و به‌طورمعمول دست مردم در کنش‌های اقتصادی کوتاه است.



وی بااشاره به آینده اکوسیستم نوآوری در ایران و جهان گفت: به‌عبارت روشن‌تر، اگر بخواهیم به اکوسیستم نوآوری با تعریف ۱۰ سال گذشته نگاه کنیم، باید گفت این اکوسیستم دچار بحران شده است. دیگر زمان یونیکورن شدن استارت‌آپ‌ها نیست و دیگر نه در دنیا و نه در ایران چنین اتفاقی برای آنها رخ نمی‌دهد.

می‌توان درباره آینده اکوسیستم نوآوری از چند منظر نگاه کرد، پیرو اتفاقاتی که در دنیا افتاده، اکوسیستم نوآوری در حال ضعیف و لاغر شدن است.

وی افزود: اگر امروز مردم نمی‌توانند کسب‌وکار خود را در هر زمینه‌ای؛ چه نوآوری و چه موارد دیگر راه‌اندازی کنند، اشکال از اقتصاد است. بی‌شک آینده نوآوری در جهان به‌سمت تخصصی شدن می‌رود و هر فردی باید بتواند از تخصص بهره کافی را ببرد، بنابراین امروز نیازمند تغییر بنیادی در مدل اکوسیستم نوآوری هستیم.

> وقتی صنایع دولتی از اقتصاد دولتی نفع می‌برد، چطور می‌توان انتظار داشت که به جریان اقتصادپویا و دانش‌بنیان بها دهد

اقتصاد آزاد، بستر اصلی توسعه دانش‌بنیان‌ها

در ادامه سعید سرکار، رئیس سابق ستاد نانو درباره نقش کارآفرینان در اقتصاد را تنها در شرایطی دانست که اقتصاد آزاد حاکم باشد. وی در گفت‌وگو با صمت گفت: همواره اقتصاد جزو آن دسته از مولفه‌هایی بوده است که در هر دوره‌ای از تاریخ تمدن بشری تحت‌تاثیر مستقیم نگرش حاکمان زمان بوده است.

حال اگر دولت مردم را به‌عنوان بازیگران اصلی اقتصاد قبول داشته باشد، می‌توان شاهد پویایی و تعاملات سازنده در اقتصاد بود.

در واقع، اگر نقشی به آنها بدهند، بازی می‌کنند، اگرنه بی‌شک نمی‌توانند هنرشان را به شکوفایی برسانند.

اما اگر دولت نقش دوگانه‌ای ایفا کند و در هر برهه‌ای تنها به‌نفع خود عمل کند، دیگر صحبت از اقتصاد آزاد، بی‌معنا خواهد بود.

وی افزود: این را هم باید به یاد داشته باشیم که در جریان اقتصاد آزاد است که می‌توان به اقتصاد دانش‌بنیان و کارآفرینی دست یافت؛ در واقع، اقتصاد آزاد، بستر اصلی اکوسیستم دانش‌بنیانی است. به‌طورکلی سرمایه‌گذاری یک بحث کلی و جریان‌سازی‌های حاکمیتی تعیین‌کننده اصلی‌ترین روندهای سرمایه‌گذاری در کشورها است.

▣ سرمایه‌گذاری با کدام بخش خصوصی؟!

سرکار گفت: بی‌شک نیروی انسانی خبره و نخبه در کشورمان می‌تواند چرخ تولید را به‌دست بگیرد. به‌اعتقاد من، با ایجاد منابع برای این نیروی انسانی، آینده کشور مبتنی بر اقتصاد دانش‌بنیان خواهد بود که به باور و فرهنگ نهادینه‌شده بستگی دارد، اما متاسفانه این باور و اعتقاد هیچ‌گاه در نگرش مسئولان دولتی به‌وجود نیامده است.

در واقع آنها باور ندارند که کشور ظرفیت کنار گذاشتن اقتصاد نفتی و بهره‌برداری از دانش و فناوری جوانان کشور را دارد. تا این باور ایجاد نشود و تغییر نگرش را مشاهده نکنیم، نمی‌توانیم شاهد تغییر بنیادی در اقتصاد باشیم.

سرکار گفت: متاسفانه از بخش خصوصی تعریف درستی نشده است و جایگاهی در اقتصاد کشور ندارد. تاکنون هر آنچه در اقتصاد به‌عنوان بخش خصوصی مشاهده کردیم، به‌نوعی دست دولت در کار بوده است. ایران کشوری است که صنعت نفت آن پیشران اقتصاد است و جای خالی رویکردی که براساس آن توانمندی‌های تولید و قابلیت‌های فناورانه به رسمیت شناخته شود و نقش سازنده‌ای در اقتصاد داشته باشد، به‌شدت احساس می‌شود.

وی افزود: در تمام دنیا، خریدها و سرمایه‌گذاری‌های دولتی پیشران توسعه فناوری است، اما چه زمانی در کشور شاهد آغوش باز دولتی‌ها برای دانش‌بنیان‌ها بوده‌ایم؟ عمده اقتصاد در کشور ما به‌دست دولت است و بقیه در قالب خرده‌مقیاس فعالیت می‌کنند.

بخش خصولتی هم بسان ضرب‌المثل مرغ و شترمرغ عمل می‌کند و راهی برای همکاری و دستگیری از دانش‌بنیان‌ها باز نمی‌گذارد؛ در حقیقت وقتی پای عمل به وظایف بخش خصوصی می‌رسد، خود را دولتی می‌دانند و وقتی خواهان حمایت‌های دولتی آنها می‌شویم، تاکید بر خصوصی بودن‌شان دارند.

در واقع نه از دولت تبعیت می‌کنند و نه دل‌شان به حال بخش خصوصی می‌سوزد، چرا که منابع مالی آنها دولتی است. در اصل زمین اقتصاد کشور خالی از بازیکنان بخش خصوصی است. در کل، در اقتصاد کلان کشور، مولفه‌ای به‌عنوان بخش خصوصی نداریم.

▣ آیا ضعف از قانون است؟

به‌گفته سرکار، وقتی صنایع دولتی از اقتصاد دولتی نفع می‌برد، چطور می‌توان انتظار داشت که به جریان اقتصادپویا و دانش‌بنیان بها دهد؟ حتی فرآیند خصوصی‌سازی در کشور از مسیر رانت و دولت می‌گذرد که شرایط را بدتر کرده است.



وی ادامه داد: همواره در بخش خصوصی که سرمایه‌گذار افراد هستند، نه دولت، شاهد اتفاقات خوبی بوده‌ایم.

بخش‌های خصوصی از فناوری نانو استفاده کرده و متوجه کاربرد آن در مصارف اقتصادی خود شده‌اند.

در حوزه ساختمان، دارو و سلامت و صادرات خوبی هم داشته و دنیا از آن استقبال کرده است. در سال ۸۶، رقمی معادل ۷۲ میلیون دلار در حوزه نانو صادرات داشتیم.

ما در ستاد نانو هدف‌گذاری کرده بودیم که تا سال ۱۴۰۴ صادرات محصولات نانویی به یک میلیارد دلار برسد که تحت‌تاثیر عواملی از جمله نصف شدن بودجه ستاد نانو و بحران همه‌گیری کرونا، شیب رو به پایینی را تجربه کردیم. متاسفانه اتفاقات تحت‌الشعاع همه‌گیری کرونا و افزایش نرخ دلار رخ داد که باعث شد، سال گذشته افت شدیدی را در صادرات تجربه کنیم و نزدیک به ۶۲ میلیون دلار برسد.

سخن پایانی

چند سالی می‌شود که برخی اقتصاددانان و کارشناسان، یکی از راه‌های برون‌رفت از رکود و تورم فعلی در اقتصاد کشور را، توسعه کارآفرینی و اقتصاد دانش‌بنیان می‌دانند. شاید اگر کارآفرینی نبود، انسان همچنان در غار می‌زیست. بی‌شک این کارآفرینان بودند که از بدو زیستن انسان خردمند، بشریت را در مسیر تغییر و تحول قرار دادند. بنابراین کارآفرینی پویا یکی از ارکان پیشرفت جوامع بشری است.

کارآفرینان باعث خلق ثروت می‌شوند. آنها به‌واسطه معرفی کالا و خدمات جدید، استفاده از روش‌های نوین، کشف بازارهای هدف جدید و بهره‌مند شدن از حمایت‌های دولتی می‌توانند روند رشد و پیشرفت کسب و کار شخصی خود را سرعت بخشند و از منافع مالی حاصل از کارآفرینی خود بهره‌مند شوند.

از مهم‌ترین ویژگی‌های کارآفرینی، دادن هویت شخصیتی و اجتماعی خاص به کارآفرین است که باعث افزایش اعتماد به نفس و عزت‌نفس و در نهایت، افزایش رضایت از زندگی مردم می‌شود. واضح است که صنعت باید نخستین درگاه توسعه فناوری عرصه‌ای برای فعالیت کارآفرینان باشد؛ این در حالی است که به‌گفته کارشناسان، کشور ما درگیر چرخه معیوبی است که نشانه‌ای از توسعه و تولید در آن یافت نمی‌شود. حال در این شرایط چگونه می‌توان سخن از کارآفرینی در صنعت و تولید گفت. گفتنی است، سود عظیمی که از محصولات دانش‌بنیان به جیب دولت می‌رود،در مقایسه با بودجه‌ای که به آن تخصیص می‌یابد، قابل‌مقایسه نیست. کدام بخش ادعا می‌کند که توانایی چنین سرمایه‌گذاری را برای دولت دارد؟ با این حال، صحبت‌های مسئولان از دانش‌بنیان شدن اقتصاد، تنها چند خط نخست رسانه‌ها را تشکیل می‌دهد و در عمل کاری را به سرانجام نمی‌رسانند. برای مثال فناوری نانو در مقیاس خرد موفق بوده است، به‌همین دلیل، اگر صادرات و تجارت در نانو در مقیاس بزرگ‌تری اتفاق بیفتد، می‌تواند جریان تازه‌ای به اقتصاد کشور ببخشد؛ در نهایت تا عادت بودجه‌ریزی در کشور تغییر نکند، کاری از پیش نمی‌رود.

یادداشت

سناریو غمگین اقتصاد دانش‌بنیان



مهتاب دمیرچی
روزنامه‌نگار

حال و اوضاع این روزهای دانش‌بنیان‌ها و اکوسیستم نوآوری، آدمی را به یاد ضرب‌المثل چوب دو سر طلا می‌اندازد.

افرادی که به‌واسطه دانش و فن روز دنیا، علاوه بر تولید می‌توانند با افزایش بهره‌وری، کمک‌حال اقتصاد بیمار کشور باشند، امروز به‌دلیل رانت‌خواری بخش خصوصی که فقط نامش خصوصی است، کنار گذاشته می‌شوند؛ بخشی که به نام مردم است و به کام دولت. وقتی هم که صحبت از سرمایه‌گذاری دولتی روی دانش‌بنیان‌ها مطرح می‌شود، به اندازه دفتر مشق دبستانی‌ها، قانون پیش‌پای صاحبان شرکت‌های دانش‌بنیان و نوآوران می‌گذارند که تا زمانی که پولساز نشده‌اید، از دست دولت هیچ کاری ساخته نیست و بروید هر وقت سرمایه‌ای برای خود جمع کردید و به تولید انبوه رسیدید، در ادارات دولتی را برای دریافت تسهیلات بزنید؛ گویا تنها زبان دولتی‌ها پول است و بس.

عموما در چنین اوضاعی صحبت از اقتصاد دانش‌بنیان خنده‌دار است؛ خنده‌ای به تلخکامی گریه. امروز باید از واقعیت‌ها حرف زد؛ اقتصاد در هر بخشی از جمله صنعت و تولید و حتی آموزش تبدیل به انگلی شده است که خود به‌عنوان مولد فساد شناخته می‌شود. دانش‌بنیان‌هایی هم که بخواهند فعالیت کنند یا باید همسو با این فساد بقای خود را تامین کنند یا باید فاتحه رشد و پیشرفت خود را بخوانند. چه شرکت‌هایی که بعد از حتی یک دهه فعالیت، عطای کارآفرینی را به لقایش بخشیدند و راهی آن سوی آب‌ها شدند.

بهتر است، پیش از صحبت کردن از اقتصاد دانش‌بنیان، به این موضوع بپردازیم که از کدام دانش‌بنیان حرف می‌زنیم و منظورمان کدام قشر مردم است؛ اگر هدف آن جوانان فارغ‌التحصیل، دانشگاه‌های برتر کشور است که از دل مردم در جامعه رشد کرده‌اند و خواهان راه‌اندازی کسب‌وکار و ایجاد راه‌های جدید خلق ثروت هستند، باید گفت درصد زیادی از این افراد یک دهه می‌شود که با ارسال رزومه‌های تحصیلی خود جذب کشورهایی شده‌اند که اقتصاد کارآفرینی را تعریف کرده‌اند و امروز در شرکت‌های بزرگ بین‌المللی فعال هستند. بی‌انصافی محض است که بخواهیم خصوصی‌سازی فعلی در کشور را با دانش‌بنیان یکسان بگیریم. شرکت‌هایی که ارز ترجیحی گرفته و به قدر کافی از مزایای دولتی بهره برده‌اند، اصلا شبیه استارت‌آپ‌هایی نیستند که با پشتوانه علم و فن به کار و فعالیت می‌پردازند.

۲ دهه است که ردپای شعارهایی با محوریت شکوفایی اقتصادی و حمایت از تولید ملی و اشتغال‌آفرینی و در نهایت اقتصاد دانش‌بنیان در ادبیات سیاسی کشور مطرح شده است. همچنین از سوی مقامات بالادستی دستور داده شده بود که تا سال گذشته اقتصاد دانش‌بنیان ۵ درصد اقتصاد کل کشور را به خود اختصاص دهد که محقق نشد. این در حالی است که بازگشت سرمایه در اکوسیستم دانش‌بنیان نزدیک به صددرصد است. اصلا تخصیص بودجه از سوی دولت در این اکوسیستم نه‌تنها به نفع مردمی است که اشتغال‌آفرینی کرده‌اند، بلکه برای دولت هم می‌تواند سودهی زیادی داشته باشد، چرا که از بخش مالیات، چند برابر آنچه را بودجه‌ریزی کرده است، برداشت می‌کند. بنابراین بودجه در دانش‌بنیان یک سرمایه‌گذاری محسوب می‌شود. برای مثال، فروش سال ۱۴۰۰ محصولات نانو معادل ۱۹ هزار میلیارد تومان معادل ۶۲ میلیون دلار یعنی نزدیک به ۲ هزار میلیارد دلار صادرات بوده که ۱۷ هزار میلیارد در داخل فروش داشته است که ۹ درصد آن مالیات بر ارزش‌افزوده است که وارد خزانه دولت شده؛ مبلغی نزدیک به ۱۵۰۰ میلیارد تومان. در حالی که بودجه ستاد نانو حدود ۱۰۰ میلیارد بوده که ۱۵ برابر آن به خزانه دولت برگشته است. ادبیات سرمایه‌گذاری و پول هم نتوانست مسئولان را اقناع به عملکرد در راستای توسعه اقتصاد دانش‌بنیان کند. این در حالی است که در همه‌جای دنیا دولت‌ها با آغوش باز از چنین روندهایی استقبال می‌کنند. در نهایت تنها نتیجه‌ای که می‌توان از این سناریو غمگین اقتصاد و کارآفرینی گرفت، این است که مردم نقشی در اقتصاد ندارند و دولت هرجا کم بیاورد، جایی به نام جیب مردم وجود دارد که پاسخگوی تامین نیازهای مالی دولت فربه باشد.

یادداشت

وعده شتابزده ندهیم



گل‌محمد الیاسی
عضو سابق کمیسیون اقتصادی

براساس سخنان رئیسی، دولت برای حمایت از تولید کمر همت بسته و قرار است امسال با بکارگیری برنامه‌هایی مانند مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها و تامین اعتبار ریالی و ارزی، توجه ویژه‌ای به این بخش داشته باشد.

رئیس‌جمهوری به تولیدکنندگان وعده داده است که نیاز ارزی آنها را مرتفع خواهد کرد، اما نگفته این نیاز از کدام بازار قرار است، تامین شود. این در حالی است که بومی‌سازی تولید ملزم به‌صرف هزینه‌های دلاری است، در نتیجه میزان موفقیت داخلی‌سازی تولیدکنندگان ایرانی با سطح مصارف ارزی آنها قابل‌سنجش است. تولیدکنندگان داخلی معمولا در سبدمصرفی یا تامین کالا و مواد اولیه؛ سهمی برای تامین هزینه‌های داخلی در نظر می‌گیرند و سهمی نیز برای تامین هزینه‌های خارجی در نظر گرفته می‌شود. بنابراین بررسی سهم هزینه‌های خرید داخلی و خارجی از کل هزینه تولید نشان می‌دهد، داخلی‌سازی و بومی‌سازی تولید در کدام صنعت و رشته فعالیتی بالاتر است. افزایش عمق داخلی‌سازی صنایع که عامل کاهش مصارف ارزی است، با برخورداری از زنجیره تامین گسترده و مسلط بر تکنولوژی‌های تولید به‌دست‌آمده و از نشانه‌های تاب‌آوری در تولید صنعتی به‌شمار می‌رود.

با این همه، سهم مصارف ارزی که رئیس‌جمهوری بدان تاکید دارد نیز، نباید در برنامه‌های حمایتی از بخش تولید مغفول بماند، زیرا هرکدام از تولیدات داخلی به میزانی هرچند اندک به منبع ارزی وابسته هستند. فقط برخی تولیدات هستند که در پروسه تولید و تامین موارد و تجهیزات اولیه هیچ‌گونه نیازی به پول خارجی ندارند؛ اصولا این صنایع جزو صنایع پایه به‌شمار می‌آیند. لازم به ذکر است که در کشور ما بیشترین ارز برای تولید داخل را صنایع خودروسازی می‌بلعد. در واقع، شوک‌های ارزی داخلی یا تلاطم‌های تجاری بین‌المللی اثر عمیق‌تری بر این صنایع خواهند گذاشت که این موضوع نیازمند تدوین و اعمال سیاست صنعتی مشخص برای حمایت از تولید در این بخش‌ها از طریق حفظ سطح دسترسی بنگاه‌های این صنایع به مواد اولیه و تجهیزات و قطعات است. همچنان که نوسانات اخیر نرخ ارز تاثیر بسیار چشمگیری بر قیمت تمام‌شده خودروهای داخلی گذاشت و موجب اوج‌گیری نرخ و ایجاد رانت در بازار خودرو شد. بنابراین بهتر است دولت به‌جای هزینه‌کرد ارز در شرایط تحریم، در صنعتی نظیر خودروسازی که صنعتی وابسته به پول خارجی است؛ راهکار دیگری اتخاذ کند.

در این سیاست، می‌توان این میزان بالای ارزبری را صرف امور عمرانی کرده و واردات خودرو بیش از گذشته در دستور کار قرار گیرد.همچنین در صورت اصرار دولت بر حفظ یک‌میلیون شغل در صنعت خودرو و حفظ این صنعت داخلی پسندیده‌تر آن است که بخش ارزبر این صنعت نیز با کمک دولت بومی‌سازی شود تا از پرت ارز در این بخش عظیم جلوگیری گردد.

به‌طورکلی، سطح مصارف ارزی هر بخش گویای نیاز آن بخش از تولید به مواد اولیه و تجهیزات وارداتی است. از آنجا که در شرایط تحریم بسیاری از صنایع مجبور به افزایش داخلی‌سازی و عمق‌دهی به زنجیره تامین خود هستند، بدون سیاست‌گذاری و تنظیم‌گری نمی‌توان شرایط باثباتی را برای بخش تولید فراهم کرد.

بر این مبنا لازم است، برای هر حوزه صنعتی سیاست‌های ظریف‌تری به کار گرفته شود. در واقع، این امر به‌دلیل وضعیتی است که تولیدات صنعتی کشور در بخش‌ها و رشته فعالیت‌های گوناگون به سطوح مختلفی از ارز برای تامین مواد اولیه خود نیاز دارند.

در صورت ادامه وابستگی تولیدکنندگان به ارز، وعده‌های رئیس‌جمهوری برای تامین کلیه نیازهای ارزی و ریالی این گروه هرگز محقق نخواهد شد، زیرا کشور با محدودیت در منابع ارزی مواجه است. در این شرایط دولت با هیچ سیاستی نمی‌تواند به هر تولیدکننده خرد و کلان برای تامین مواد اولیه و تجهیزات موردنیاز ارز ۲۸ هزار و ۵۰۰ تومانی تخصیص بدهد. اگر تولیدکننده هم بخواهد نیاز ارزی خود را از بازار آزاد تامین کند، نرخ تمام‌شده محصول نهایی برای مصرف‌کننده داخلی سر به فلک خواهد کشید. همچنین، به‌خاطر نوسانات شدید نرخ ارز و نظام چندنرخی حاکم بر این بازار، ممکن است تولیدکنندگان خرد در اثر نوسانات شدید، آرام‌آرام از چرخه تولید حذف شوند.

بنابراین بهتر است از وعده‌های شتابزده در بخش تامین ارزی تولید اجتناب و درآمدهای ارزی کشور را برای نسل‌های آینده و انجام پروژه‌های زیرساختی ذخیره کنیم.

کارشناسان بانکی در واکاوی وعده تامین اعتبار تولید مطرح کردند

پرداخت تسهیلات امکان‌پذیر نیست

مریم غدیرپور
editor@smtnews.ir

رئیس‌جمهوری در صحبت‌های اخیر خود با تولیدکنندگان و کارآفرینان برتر گفته است که هیچ تصمیم اقتصادی بدون نظر فعالان بخش خصوصی گرفته نمی‌شود.

همچنین قرار است دولت برای رفع دغدغه تولیدکنندگان در هر زمینه به‌ویژه پرداخت ارز و تسهیلات بانکی، از هیچ اقدامی فروگذار نکند.

از جمله اقداماتی که بانک مرکزی معتقد است، در راستای حمایت از تولیدکنندگان داخلی انجام می‌دهد،حل مشکل ارزی تولیدکنندگان، تثبیت نرخ ارز و مدیریت منابع ارزی کشور است.

این در حالی است بسیاری از کارشناسان اقتصادی سال پیش‌رو را سالی بسیار سخت برای اقتصاد کشور به‌ویژه تولیدکنندگان ارزیابی کرده‌اند.

بنابراین، باید دید بر چه اساسی دولت می‌خواهد در شرایطی که نقل‌وانتقال ارز به کشور به‌سختی انجام می‌شود، تمامی ارز مورد نیاز تولیدکنندگان را با نرخ ثابت به آنها ارائه کند. به‌گفته فرزین، افزایش رفاه عمومی، ثبات بازار ارز و کمک به تولید از مزایای سیاست جدید ارزی بانک مرکزی است.

صمت در این گزارش ابعاد مختلف سیاست‌های بانکی و ارزی دولت را در قبال تولیدکنندگان از نگاه کارشناسان اقتصادی بررسی کرده است.



عکس: صمت

اگر دولت بخواهد به تعهد خود برای تامین نیازهای ریالی تولیدکنندگان عمل کند، اقتصاد کشور دوباره با حجم بالای نقدینگی مواجه خواهد شد که همین موضوع می‌تواند زمینه‌ساز افزایش تورم در سال جاری باشد

نرخ بهره در کشورهای پیشرو جهان واقعی است، بنابراین بانک‌ها در فرآیند پرداخت تسهیلات ضرر نمی‌کنند

بانک‌ها تمایلی به پرداخت تسهیلات به تولید ندارند



کامران ندری، اقتصاددان و استاد دانشگاه در رابطه با توانایی دولت در تامین تمامی هزینه‌های ارزی و ریالی تولیدکنندگان به صمت گفت: نرخ بهره تسهیلات برای تولیدکنندگان بسیار پایین‌تر از بهره حقیقی در نظر گرفته شده و همین موضوع سبب تمایل نداشتن بانک‌ها برای پرداخت تسهیلات به تولیدکنندگان است. تولیدکنندگان می‌خواهند که نظام بانکی، وام و تسهیلات ارزان‌قیمت در اختیارشان قرار دهد، اما باتوجه به تورم بالای ۴۰ درصد، پرداخت تسهیلات ارزان از توان بانک‌ها خارج است.

وی افزود: از سوی دیگر، سال جاری، سال «مهار تورم و رشد تولید» نام‌گذاری شده است. بر این اساس، یکی از اهداف نظام بانکی باید کنترل نقدینگی در راستای مهار تورم باشد. بنابراین، اگر دولت بخواهد به تعهد خود در رفع نیازهای ریالی تولیدکنندگان عمل کند؛ اقتصاد کشور دوباره با حجم بالای نقدینگی مواجه خواهد شد که همین موضوع می‌تواند زمینه‌ساز افزایش تورم در سال جاری باشد.

▣ هزارویک دردسر ارز چندنرخی

ندری با اشاره به اینکه در حال حاضر چند نرخ ارز در اقتصاد وجود دارد گفت: تولیدکنندگان عموما متقاضی دریافت ارز با پایین‌ترین نرخ یعنی همان ۲۸ هزار و ۵۰۰ تومان هستند؛ این رقم با نرخ دلار در بازار آزاد تفاوت چشمگیری دارد؛ بنابراین دولت با سرکوب نرخ ارز سعی در کنترل قیمت‌ها در این بازار کرده، اما آنچه مسلم است در شرایط فعلی حتی با سرکوب نرخ واقعی ارز، دولت نمی‌تواند همه نیاز تولیدکنندگان به ارز را اجابت کند.

این استاد دانشگاه در رابطه با وعده تثبیت نرخ ارز به تولیدکنندگان اظهار کرد: کشورهای مختلف براساس شرایط اقتصادی و بین‌المللی یکی از انواع نظام‌های ارزی را اتخاذ می‌کنند. در کشورهایی که تورم بالا دارند، نظام ارزی شناور همراه با نوسان خواهد بود. این امر موجب نااطمینانی در مبادلات بین‌المللی و افزایش ریسک سرمایه‌گذاری بر دارایی‌های بین‌المللی خواهد شد.

ندری با اشاره به اینکه نرخ بالای تورم موجب کاهش توان رقابت‌پذیری اقتصادی می‌شود‌گفت:به این ترتیب کشورها برای کنترل تورم، ایجاد فضایی با رقابت‌پذیری بالاتر و افزایش سهم در تجارت بین‌الملل و همچنین افزایش تراز تجاری، تغییر رویه داد و به نظام ارزی ثابت گرایش پیدا می‌کنند. این در حالی است که در شرایط فعلی اجرای این سیاست برای تجارت و تولید ایران جز در موارد واردات کالاهای اساسی امکان‌پذیر نیست.

▣ کمک به تولید با بهبود فضای کسب‌وکار

این اقتصاددان تصریح کرد: دولت باید برای رشد تولید، فضای کسب‌وکار را بهبود بخشد. بنابراین لازم است برای تسهیل فضای کسب‌وکار دولت ضمن برداشتن موانع دریافت مجوزها و کاهش مالیات بخش تولید، سایر موانع پیش‌روی تولیدکنندگان را هم بردارد؛ نه اینکه بانک‌ها را مجبور به پرداخت تسهیلات تکلیفی کند.

▣ سرکوب نرخ بهره

ندری با اشاره به اینکه اجبار بانک‌ها به پرداخت تسهیلات تکلیفی به تولیدکنندگان برای بانک‌ها صرفه اقتصادی ندارد گفت: حتی ممکن است فشار این تکالیف بانک‌ها را با خطر ورشکستگی مواجه کند.

وی با تاکید بر اینکه در نهایت، دولت باید بپذیرد با سرکوب نرخ بهره نمی‌تواند به تولیدکنندگان کمک کند، گفت: اگر نرخ بهره واقعی شود، بانک‌ها منابع مالی موجود را با خیال آسوده در اختیار تولیدکننده قرار می‌دهند و این گردش به رونق اقتصادی منجر می‌شود.

این استاد دانشگاه با تاکید بر اینکه در ایران معاملات آتی ارزی وجود ندارد، عنوان کرد: در نتیجه عدم‌وجود پیش‌بینی معاملات آتی، تولیدکنندگان برآوردی از نرخ ارز ندارند؛ بنابراین برای اینکه پیش‌بینی‌پذیری و آرامش در بازار کالا فراهم شود، ثبات در بازار ارز باید در دستور کار جدی دولت قرار گیرد.

▣ قفل تولید کجاست؟

ندری معتقد است برای باز شدن قفل تولید باید ۲ کار را در کنار هم انجام دهیم؛ نخست اینکه بخش خصوصی را نسبت به گذشته تقویت و از آن حمایت عملی کنیم و از مشکلات بخش خصوصی که ناشی از صدور بخشنامه‌های خلق‌الساعه و دستورالعمل‌های یک‌شبه است، بکاهیم و دوم با واقعی کردن نرخ بهره حقیقی تسهیلات را مستقیم به بخش تولید هدایت کنیم.

وی با تاکید بر اینکه برای تحقق رشد تولید، بانک مرکزی باید سیاست‌های پولی و مالی را تسریع کند، اظهار کرد: نوسانات در بخش ریالی و ارزی موجب شده است که تولیدکنندگان امکان برنامه‌ریزی قابل‌قبولی نداشته باشند و دچار ضرر و زیان شوند. بنابراین، بازارساز باید به‌طور دقیق وارد عمل شود و برای جلوگیری از زیان تولیدکننده با کاهش تورم نوسانات هیجانی بازار را کنترل کند.

این اقتصاددان در ادامه یادآور شد: بسیاری از تولیدکنندگان به‌دلیل همین نوسانات ریالی و ارزی، تولیدات را به بازار عرضه نمی‌کنند؛ بنابراین دولت باید با برنامه‌ریزی و سیاست‌های ماندگار و نه بخشنامه‌های کوتاه‌مدت، فضا را برای تولید طوری فراهم کند که احتکار جنس اتفاق نیفتد.

▣ دور زدن تحریم‌ها با کمترین هزینه

ندری کوتاه‌ترین راه رسیدن به «رشد تولید» را ایجاد ارتباط با غرب و توسعه روابط بین‌الملل دانست و گفت: اگر بخواهیم تورم مهار شود و ارز کافی در اختیار تولیدکنندگان قرار گیرد، یا باید تحریم‌ها برطرف شده و محدودیت‌های ناشی از تحریم رفع شوند و یا اینکه با کمترین هزینه تحریم‌ها را دور بزنیم.

این استاد دانشگاه افزود: دور زدن تحریم‌ها امری امکان‌پذیر است و دولت باید برای گشایش اقتصادی از این راهکار کوتاه‌مدت استفاده کند. فقط باید به این موضوع توجه کافی کرد که دور زدن تحریم‌ها با کمترین هزینه برای کشور انجام شود؛ که البته کاهش هزینه‌ها و دور زدن تحریم قدری سخت است.

ندری با بیان اینکه اجرای این حجم تکالیف تسهیلاتی که به بانک‌ها تحمیل می‌شود، امکان‌پذیر نیست، گفت: دولت می‌خواهد به تولیدکننده وام بدهد و دم‌دست‌ترین محل برای تامین منابع برای آنها بانک است؛ اما توجهی ندارند که این منابع براساس چه حساب‌وکتابی ذخیره شده است و از اساس آن بانک توان انجام این تکالیف را دارد یا خیر. همچنین اصلا به این موضوع توجه نمی‌شود که هر بانکی ترازنامه‌ای دارد که نسبت به وضعیت آن باید پاسخگو باشد، در نتیجه پرداخت تسهیلات به تولید با نرخ بهره غیرواقعی از سوی بانک امکان‌پذیر نیست.

بانک‌ها نباید متضرر شوند



ابراهیم حاتمی‌یزد، بانکدار سابق در رابطه با توانایی دولت در تامین هزینه‌های ارزی و ریالی تولیدکنندگان به صمت گفت: پرداخت تسهیلات به تولید در همه‌جای دنیا امری مرسوم است، اما در این کشورها دولت از بانک‌ها حمایت می‌کند، همچنین نرخ بهره در این کشورها واقعی است؛ بنابراین بانک‌ها در پرداخت تسهیلات ضرر نمی‌کنند.

▣ نابرابری در منابع مالی

وی افزود: واقعیت این است که بانک‌های دولتی و خصوصی از نظر میزان منابع، سپرده‌ها، هزینه جذب سپرده و توان تسهیلات‌دهی، با امکانات مختلفی مواجه هستند.

تعدادی از بانک‌های دولتی به‌خاطر دراختیار داشتن حساب‌های میلیون‌ها کارمند، وزارتخانه‌ها و شرکت‌های بزرگ کشور، در عمل منابع بزرگی از سپرده‌ها را با کمترین رقم هزینه جذب پول در اختیار دارند؛ در نتیجه پرداخت تسهیلات ارزان به تولید برای این بانک‌ها راحت‌تر است.

این بانکدار سابق در ادامه خاطرنشان کرد: چنین بانک‌هایی با مازاد منابع مواجه بوده و در بازار بین‌بانکی نیز به پرداخت وام به سایر بانک‌ها مشغول هستند، در نتیجه مشارکت آنها در تامین نیاز مالی تولیدکنندگان بیش از بانک‌های خصوصی و کم‌شعبه خواهد بود. بنابراین، همه بانک‌ها نمی‌توانند وام ارزان به تولیدکننده بپردازند.

▣ ذات تولید ریسک دارد

وی افزود: منابع مالی بانک‌ها محدود است؛ بنابراین بانک‌ها نمی‌توانند هرچه سرمایه دارند، در اختیار تولیدکنندگان قرار دهند، زیرا ذات تولید با ریسک همراه است؛ همچنین باتوجه به نرخ بهره پایین تسهیلات بانکی برای تولید، همچنین بازده تنفس بازپرداخت بلندمدت این وام‌ها، پرداخت این تسهیلات برای شبکه بانکی مقرون‌به‌صرفه نیست.

حاتمی‌یزد بااشاره به اینکه بانک‌ها هم نهادی تجاری هستند، گفت: هدف بانک مانند هر بنگاه اقتصادی دیگری کسب درآمد است. از این‌رو اگر از بانک انتظار داشته باشیم که فقط تسهیلات ارزان‌نرخ در اختیار متقاضیان قرار دهد، در کوتاه‌مدت تمام بانک‌های کشور ورشکسته خواهند شد.

وی با تاکید بر نیاز مبرم تولید به نقدینگی توضیح داد: حل این معضل یعنی مشکل اقتصادی تولیدکنندگان و نیاز این قشر به نقدینگی چیزی نیست که در حوزه توان و اختیارات متصدیان بانکی باشد و نیازمند راهکارهای اساسی و همت دولتمردان و همکاری و تلاش آنها است.

این بانکدار سابق متذکر شد: تسهیلات تکلیفی در واقع تکالیفی است که از طریق بودجه سنواتی برای بخش‌های مختلف اقتصاد متناسب با سیاست‌های اقتصادی هر سال برای بانک‌های دولتی مشخص و ابلاغ می‌شود و بانک‌های دولتی از نظر قانونی مکلف هستند تا این تسهیلات را با رعایت شرایط ابلاغی در بودجه از نظر سهمیه، نرخ مصوب و نوع وثیقه قبل از پایان سال بودجه‌ای پرداخت کنند.

▣ فشار بر بانک‌ها بی‌نتیجه است

حاتمی‌یزد درباره فشار دولت به بانک‌ها برای استقراض منابع و درخواست‌های تکلیفی و اثرگذاری این موضوع در اجرای تعهدات بانک‌ها در حوزه‌های ارائه تسهیلات به مردم و بخش تولید، توضیح داد: از منظر تسهیلات تکلیفی هم، بین بانک‌های خصوصی و دولتی تفاوتی وجود ندارد و آنقدر حجم تسهیلات تکلیفی بالا است که مدیریت نقدینگی کلان بانک مرکزی و سیاست‌هایی که در حال اعمال و اجرا است، به بانک‌ها چه خصوصی و چه دولتی اجازه نمی‌دهد که بتوانند این حجم از تسهیلات تکلیفی را به اجرا برسانند.

وی تاکید کرد: دولت نمی‌تواند بیش از توان بانک‌ها برای پرداخت تسهیلات با هدف رونق تولید به آنها فشار وارد کند، زیرا اگر بنگاه‌های تجاری در اقتصاد تورم‌زده، دارایی خود را ارزان در اختیار تولید قرار دهند، خیلی طول نمی‌کشد که ناتراز و ورشکسته شوند، به‌ویژه در این شرایط که باتوجه به عقب بودن نرخ سود از تورم مردم تمایلی به سپرده‌گذاری در بانک‌ها ندارند.

سخن پایانی

تولیدکنندگان بر این باور هستند که افزایش میزان سرمایه‌گذاری، شریان حیاتی در افزایش تولید و همچنین نبض حمایت از صنایع است و افزایش پرداخت تسهیلات بانکی هنگامی مطلوب است که موجب افزایش توان و ظرفیت تولید شود. نگاهی به تجربه کشورهای موفق در حال توسعه نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاری از ارکان اصلی پیشرفت‌های اقتصادی آنها است. در حقیقت، گسترش و استفاده بهینه از سرمایه‌گذاری، رشد تولید در سطح کلان را به‌دنبال دارد. متاسفانه در کشور ما سیستم پرداخت تسهیلات به تولیدکنندگان بسیار سختگیرانه است، همچنین دولت می‌تواند با تخصص ردیفی در بودجه به کمک سرمایه‌گذاری در بخش تولید برود، اما در مقابل، کارشناسان بانکی نبود منابع مالی و ریسک بالای سرمایه‌گذاری در تولید و احتمال ایجاد مطالبات معوق را عامل ناتوانی بانک‌ها در پرداخت تسهیلات به تولید می‌دانند.

گزارش خبری

ابلاغ برنامه تحولی یزد در حوزه گردشگری سلامت

در راستای اجرای برنامه تحولی «یزد نوین» و پروژه «طراحی و اجرای مدل گردشگری سلامت در استان» برنامه تحولی استان یزد در حوزه گردشگری سلامت ۱۴۰۵-۱۴۰۲ تدوین و از سوی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی یزد جهت اجرا به دستگاه‌های اجرایی متولی ابلاغ شد. به گزارش خبرنگار صمت به نقل از روابط عمومی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان یزد، این سازمان با توجه به برگزاری جلسات و مصوبات شورای توسعه گردشگری استان و ماموریت استاندار یزد، تدوین برنامه گردشگری سلامت استان را در بازه زمانی ۴ ساله ۱۴۰۵-۱۴۰۲ در حوزه گردشگران خارجی در دستور کار خود قرار داده و اکنون آن را به دستگاه‌های اجرایی متولی در این حوزه برای اجرا ابلاغ کرده است. برنامه تحولی استان یزد در حوزه گردشگری سلامت شامل پزشکی، تندرستی و طبیعت‌درمانی که با حضور و همکاری فعالان حوزه گردشگری سلامت، فعالان بخش خصوصی، نمایندگان شرکت‌های گردشگری سلامت و نمایندگان بیمارستان‌های خصوصی و مشارکت اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی و دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی(ره) یزد تهیه و تدوین‌شده است، شامل ۱۴ حوزه فعالیت و ۸۹ پروژه باهدف دستیابی سالانه به ۲۰ هزار گردشگر خارجی این حوزه در افق ۱۴۰۵ است. قابل‌ذکر است؛ در مسیر تدوین این برنامه از طرح‌های پژوهشی انجام‌گرفته طی سالیان گذشته نیز بهره گرفته‌شده است. ازآنجایی که پیشینه و شهرت اجتماعی اقتصادی مردمان یزد در درستکاری و همچنین تخصص سرمایه انسانی این اقلیم در فراگیری علوم، جهت‌گیری ایجادشده در مردمان این سامان به سمت رشته‌ها و تخصص‌های علوم پزشکی به‌ابتکار سومین شهید محراب در اواخر دهه ۵۰ شمسی، تشکیل دانشکده علوم پزشکی و دانشگاه علوم پزشکی در استان، سرمایه‌گذاری‌های کالبدی و تامین دستگاه‌های تشخیصی درمانی توسط بخش خصوصی و خیّری در کنار بودجه عمومی دولت زمینه توجه به مقوله گردشگری سلامت را به‌عنوان یکی از رشته فعالیت‌های مزیت‌دار استان فراهم آورده است. قابل‌توجه است؛ مقوله گردشگری سلامت به‌عنوان فعالیت نوپا از سال ۲۰۰۰ میلادی به‌طور خاص در جهان موردتوجه قرارگرفته و در کشور ایران و شهر یزد نیز با فراهم آوردن زیرساخت‌های درمانی، گردشگری و ارتباطی می‌تواند منشاء اثرات خیر باشد. لذا در این برنامه ضمن تاکید بر ساماندهی بخش داخلی این نوع گردشگری، بر گردشگران خارجی حوزه سلامت تمرکز شده است. بر اساس آمار رسمی و غیررسمی، سالانه حدود ۲۰۰۰ نفر از اتباع خارجی برای رفع نیاز درمانی و سلامت و همچنین بازدید از جاذبه‌های گردشگری در استان حضور می‌یابند که در برنامه گردشگری سلامت استان برای سال ۱۴۰۵، ۲۰ هزار نفر هدف‌گذاری شده است. از نکات پراهمیت اشاره به مباحث ارتباطی و زیرساختی ازجمله برقراری خطوط مستقیم هوایی از کشورهای مبدأ و همچنین برقراری الزامات این فعالیت، ظرفیت پذیرش بیماران خارجی و داخلی در بیمارستان‌ها و مراکز درمانی، تامین کادر درمان، حراست از سهم جامعه بومی و رضایت آنان از امکانات موجود در استان و توجه به زمینه فعالیت سایر استان‌های فعال در این حوزه‌هاست که در این برنامه موردتوجه قرار گرفته است.

گرهی که به دست دانش‌بنیان‌ها باز می‌شود

احیای گردشگری چهارمحال و بختیاری

یک درصد از ۷ هزار و ۴۵۹ شرکت دانش‌بنیان ثبت شده کشور در زمینه صنعت گردشگری فعالیت دارند، از سویی دیگر گردشگری طبیعی در کشورمان نیازمند توسعه تجهیزات و زیرساخت‌های جانبی است که تامین آنها از عهده برخی شرکت‌های دانش‌بنیان بر می‌آید.

بی‌شک ورود شرکت‌های دانش‌بنیان به حوزه گردشگری، می‌تواند زمینه‌ساز توسعه بیش از پیش این صنعت اشتغالزا و ارزآور به کمک تولید، طراحی، توسعه و نصب تجهیزات و زیرساخت‌های جوار تفرجگاهی باشد که موجب توسعه اقتصادی و فرهنگی کشور و استان می‌شود. برخی از کارشناسان صنعت گردشگری بر این باورند، این صنعت در کشورمان دانش‌محور نیست و نتوانسته از توسعه فناوری در سال‌های اخیر بهره کافی و کامل را ببرد و به همین خاطر بستر ورود شرکت‌های دانش‌بنیان به این عرصه هنوز فراهم نشده است.

گروه استان‌ها
editor@smtnews.ir



گردشگری محرک اقتصاد سبز استان

با وجود تمام مشکلات حوزه گردشگری و تولید، یک واحد فناور در پارک علم و فناوری چهارمحال و بختیاری توانسته در این عرصه گام‌های بزرگی بردارد و اُستان را به قطب تولید زیپ‌لاین، سورتمه ریلی و پل‌های معلق شیشه‌ای و چوبی در کشور تبدیل کند.

زیب‌لاین نام فعالیت ورزشی و تفریحی است که شامل جابه‌جای با استفاده از سیم بکسل و تسمه‌های مخصوص بین ۲ نقطه را میسر می‌کند و آن‌را در گروه تفریحات ورزشی هیجانی طبقه بندی می‌کنند.

امروزه یکی از جاذبه‌های ورزشی شهرکرد زیب‌لاین تولید این واحد فناور است که سرعتی در حدود ۹۵ کیلومتر بر ساعت دارد و تنها زیپ‌لاین موجود در کشور است که ترمز و کنترل سرعت آن در اختیار فرد استفاده‌کننده قرار دارد. مدیر یک واحد فناور پارک علم و فناوری چهارمحال و بختیاری به ایرنا شهرکرد گفت: گردشگری صنعت بزرگی است که می‌توان از آن برای توسعه اقتصادی کشور و استان بهره برد و با استفاده از ظرفیت‌های طبیعی و تاریخی کشور و استانمان می‌توانیم سهم بیشتری از بازار هزار میلیارد دلاری صنعت گردشگری در جهان داشته باشیم.

ابراهیم پاسیار شمس آبادی افزود: جاذبه‌های طبیعی بکر استان از شاخصه‌های مهم در رونق صنعت گردشگری چهارمحال و بختیاری است که در صورت سرمایه‌گذاری، می‌توان آن‌را به منبع درآمد پایدار برای اُستان تبدیل کرد و گردشگری را محرک اقتصاد سبز اُستان قرار داد. وی تاکید کرد: گردشگری طبیعی نقطه قوت استان در زمینه پذیرش مسافر از داخل و خارج کشور است و تمامی ۱۱ شهرستان استان هر کدام دارای جاذبه‌های طبیعی گردشگری بسیاری هستند که هرکدام می‌تواند به منبع درآمد پایداری برای اُستان تبدیل شود.

وی یادآور شد: باید با ایجاد زیرساخت‌ها زمینه رشد صنعت گردشگری را فراهم کنیم و از این صنعت برای توسعه اقتصادی کشور و استان بهره ببریم، زیرا طبق آمار موجود هنوز سهم ما از گردشگری به‌ویژه در بعد بین‌المللی آن بسیار ناچیز است.

نگاه نوآورانه به گردشگری

مدیر واحد فناور پارک علم و فناوری چهارمحال و بختیاری گفت: در صورتی که امکانات و تجهیزاتی مانند زیرساخت‌های ورزش‌های هیجانی در کنار جاذبه‌های طبیعی اُستان ایجاد شود با استقبال گسترده‌تر گردشگران، ورزش دوستان و علاقه‌مندان به ورزش‌های هیجانی در کنار جاذبه‌های طبیعی استان مواجه می‌شویم. پاسیار ادامه داد: با وجود برخورداری بی‌نظیر کشور و استان از ظرفیت‌های تاریخی و طبیعی، متاسفانه در بخش صنعت گردشگری نتوانستیم آن طور که بایسته نقش واقعی خود را ایفا کنیم یکی از مهم‌ترین راهکارها برای حل این مشکل و برای ارائه خدمات همه جانبه و جذب گردشگر، ورود شرکت‌های دانش‌بنیان به این صنعت اشتغالزاست.

این فناور یادآور شد: نگاه نوآورانه اساس فعالیت هر شرکت دانش‌بنیان است و این نگاه در گردشگری می‌تواند فرصت‌های بسیاری را در اختیار کشورمان قرار دهد و نقش کارآفرینان در این عرصه چشمگیر است و این افراد می‌توانند با خلاقیت و نوآوری روی خدمات و ظرفیت‌های موجود به ایجاد ارزش افزوده بپردازند و زمینه ساز رشد صنعت گردشگری کشور باشند.

پاسیار خاطرنشان کرد: شرکت‌های دانش‌بنیان در کشورهای مطرح گردشگرپذیر با طراحی زیرساخت‌ها، جذابیت‌هایی را برای میهمانان و مسافران ایجاد می‌کنند تا از این طریق بتوانند زمینه رشد صنعت گردشگری را در کشور خود فراهم کنند.

وی یادآور شد: در سال‌های اخیر، شرکت‌های دانش‌بنیان گردشگری در کشورمان به لحاظ کمی و کیفیت رشد داشته‌اند ولی تا رسیدن به مرحله مطلوب نیاز به برنامه‌ریزی و حمایت وجود دارد و هنوز شاهدیم که برای دریافت مجوز جهت ارائه خدمات کاغذبازی زیادی صورت می‌گیرد.

وی تصریح کرد: صدور خدمات دانش‌بنیان در زمینه گردشگری نه تنها به رشد فرصت‌های گردشگری در کشور و استان کمک می‌کند بلکه می‌تواند درآمدی برای شرکت‌ها دانش‌بنیان در زمینه صدور خدمات فنی و مهندسی داشته باشد. درهمین راستا تاکنون ۲ زیپ‌لاین در سلیمانیه عراق و مسقط عمان نیز احداث شده است.

پاسیار با تاکید بر حمایت از دانش‌بنیان‌ها و متقاضیان سرمایه‌گذاری و ضرورت سرعت در پاسخگویی استعلام‌ها گفت: بسیاری از ادارات حتی جواب استعلامات مرتبط با مجموعه ما را نمی‌دهند و این برای اُستانی که می‌خواهد جذب سرمایه کند، صحیح نیست و بی‌شک احداث این مجموعه‌های می‌تواند به توسعه استان سرعت ببخشد.

وجود بیش از ۸۰۰ جاذبه گردشگری در ۱۱ شهرستان چهارمحال و بختیاری نعمتی است که استفاده بهینه از آن در گرو توسعه تجهیزات و زیرساخت‌های تفرجگاه‌هاست و تامین آن در توان شرکت‌های دانش‌بنیان قرار دارد

گلایه از تاخیر در پاسخ به استعلام‌های سرمایه‌گذاری

سرپرست معاونت گردشگری و سرمایه‌گذاری اداره‌کل میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی استان گفت: استعلام‌های واحد فناور مستقر در پارک علم و فناوری استان و فعال در زمینه گردشگری برای دستگاه‌های متولی ارسال شده ولی متاسفانه برخی از این دستگاه‌ها هنوز به این نامه‌ها و استعلام‌ها پاسخی نداده‌اند. مرتضی محمدیان دهکُردی ادامه داد: تاخیر دستگاه‌های متولی در پاسخ به استعلام‌های متقاضیان تاسیس مراکز گردشگری با جدیت پیگیری می‌شود و اداره‌کل میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی استان از ورود بخش خصوص به‌ویژه شرکت‌های دانش‌بنیان به حوزه گردشگری استقبال می‌کند. وی افزود: چهارمحال و بختیاری با افزون بر ۸۰۰ جاذبه گردشگری یکی از بهترین مکان‌ها برای سرمایه‌گذاری در زمینه گردشگری است و می‌تواند به بهترین مقصد برای مسافران و گردشگران داخلی و خارجی تبدیل شود. محمدیان یادآور شد: ظرفیت‌ها و قابلیت‌های چهارمحال و بختیاری در بخش‌های مختلف گردشگری از جمله طبیعی، تاریخی، ورزشی، مذهبی و سلامت جایگاه سرمایه‌گذاری در این استان را متنوع و دارای اهمیت خاص کرده است که می‌توان از این ظرفیت برای توسعه استان بهره برد. وی اظهارکرد: تاسیس سفره‌خانه سنتی، اقامتگاه بوم‌گردی، مجتمع گردشگری و هتل‌ها ظرفیت استان در پذیرش مسافر را افزایش می‌دهند و می‌توانند زمینه ساز ایجاد اشتغال برای هم‌استانی‌ها باشد.

توجه به ظرفیت واحدهای فناور

مسئول مرکز رشد واحدهای فناور چهارمحال و بختیاری گفت: پارک علم و فناوری استان در حوزه فناوری و نوآوری ترجیح می‌دهد هیچ‌گاه از کلماتی مانند نخستین و بزرگترین استفاده نکند زیرا احتمال انجام کاری حتی در مقیاس کوچک در گذشته وجود دارد ولی این واحد فناور دارای رزومه قوی در انجام پروژه‌های متعدد در داخل و خارج کشور است. محمد جواد اعرابی افزود: کارهای انجام شده توسط این واحد فناور، دارای نوآوری‌های بالایی است و روش ارائه شده توسط این شرکت دانش‌بنیان می‌تواند زمینه تولید زیرساخت‌های جذاب برای توسعه گردشگری طبیعی را در استان و کشور فراهم کند. اعرابی یادآور شد: واحدهای فناور چهارمحال و بختیاری دارای ظرفیت‌های خوبی در زمینه ایده‌پردازی و شناسایی معضلات و مشکلات هستند و می‌توانند با تولید محصولات دانش‌بنیان و یا ارائه راهکارهای مبتنی بر دانش گام‌های بزرگی برای رفع آنها بردارند. اعرابی خاطرنشان کرد: شرکت‌های دانش‌بنیان به ویژه شرکت‌های فعال در زمینه گردشگری می‌توانند از منابع و حمایت‌های مالی صندوق شکوفایی و نوآوری ریاست جمهوری استفاده کنند که ابزار مالی مهمی برای تامین هزینه‌های تولید در شرکت‌های دانش‌بنیان است و مقدمات تبدیل شدن این واحد فناور به شرکت دانش‌بنیان انجام شده است.

سخن پایانی

درحال حاضر بیش از ۱۷۰ شرکت دانش‌بنیان پارک علم‌و فناوری چهارمحال و بختیاری برای ۹۰۰نفر اشتغال‌زایی کرده‌اند. وجود بیش از ۸۰۰ جاذبه گردشگری در ۱۱ شهرستان چهارمحال و بختیاری در فصول مختلف سال پذیرای مسافران و طبیعت گردان فراوانی است که توسعه زیرساخت‌های گردشگری به کمک شرکت‌های دانش‌بنیان می‌تواند زمینه‌ساز گسترش این صنعت در استان و کشور باشد.

مدیرعامل فولاد خوزستان:

جهش درآمد فولاد خوزستان در اسفند ۱۴۰۱ نوید رشد درآمد فروش ۱۴۰۲ را می دهد

امین ابراهیمی مدیرعامل فولاد خوزستان در گفت‌وگو با خبرنگار روابط عمومی این شرکت، عملکرد «فخوز» در سال ۱۴۰۱ و برنامه‌های این شرکت برای سال ۱۴۰۲ را تشریح کرد.

ابراهیمی اظهار داشت: با وجود رکود در بازارهای داخلی و خارجی فولاد و محدودیت‌های تامین انرژی صنایع، شرکت فولاد خوزستان عملکرد درخشانی در سال ۱۴۰۱ در حوزه رشد تولید و تامین نیازهای داخلی داشته است. در سال ۱۴۰۱، فولاد خوزستان برای تامین نیازهای نوردکاران داخلی و صنایع پایین‌دستی، حدود ۲ میلیون و ۳۱۴ هزار تن فولاد میانی (بیلت، بلوم و اسلب) به بازار داخلی عرضه کرد که رشد بیش از ۶۸ درصدی نسبت به سال ۱۴۰۰ را نشان می‌دهد.

مدیرعامل فولاد خوزستان با ارائه جزئیات بیشتر گفت: تناژ فروش داخلی و خارجی فولاد میانی شرکت فولاد خوزستان در مجموع در سال ۱۴۰۱ حدود ۳ میلیون و ۵۸۲ هزار تن بوده که رشد ۵ درصدی را نسبت به سال ۱۴۰۰ نشان می‌دهد.

رشد تولید در شرایط چالشی

ابراهیمی در خصوص میزان تولید این شرکت بیان داشت: در حوزه تولید با وجود چالش‌های گوناگون، فولاد خوزستان عملکرد موفقی داشته و با تولید ۳ میلیون و ۵۹۲ هزار تن فولاد میانی از ابتدای فروردین تا انتهای اسفند سال ۱۴۰۱، رشد ۸ درصدی را نسبت به سال ۱۴۰۰ رقم زده است.

وی ادامه داد: برای مقابله با رکود در بازار داخلی و جهانی، در شرایطی که قیمت اسلب و مقاطع تخت فولادی کاهش شدیدی (در مقایسه با شمش و مقاطع طویل) یافته بود، و همچنین به منظور تامین بهتر نیازهای نوردکاران مقاطع طویل، فولاد خوزستان سهم شمش در تولیدات خود را افزایش داد. این شرکت در سال ۱۴۰۱، حدود ۲ میلیون و ۲۶۰ هزار تن شمش فولادی تولید کرد که رشد قابل توجه ۴۳ درصدی را نسبت به سال ۱۴۰۰ نشان می‌دهد.



وی تصریح کرد: علی‌رغم رکود در بازارهای جهانی از اوایل خرداد، درآمد فروش محصولات فولاد خوزستان در سال ۱۴۰۱ در مجموع ۵۳ هزار و ۶۴ میلیارد تومان بوده که رشد ۶ درصدی را نسبت به سال ۱۴۰۰ نشان می‌دهد. به این چالش باید محدودیت برق در فصل تابستان و محدودیت همزمان گاز و برق در پاییز و زمستان سال ۱۴۰۱ را هم اضافه کنیم. در مجموع فولاد خوزستان سعی کرد این چالش‌ها را به‌نحوی مدیریت کند که رشد تولید و درآمد فروش شرکت محقق شود که با تلاش همه کارکنان و برنامه‌ریزی و آمادگی خوب توانستیم این هدف مهم را محقق کنیم.

رشد درآمد فروش در اسفندماه ۱۴۰۱

مدیرعامل فولاد خوزستان در خصوص رشد درآمد فروش این شرکت در زمستان سال گذشته گفت: در اسفندماه ۱۴۰۱، فولاد خوزستان عملکرد قابل قبولی در حوزه رشد درآمد فروش داشته که می‌تواند نویددهنده رشد درآمد فروش آن در سال ۱۴۰۲ باشد. درآمد فروش محصولات این شرکت در اسفند ۱۴۰۱، ۷۶۵۰ میلیارد تومان بوده که رشد قابل توجه ۲/۵۳ درصدی را نسبت به بهمن ۱۴۰۱ نشان می‌دهد.

ابراهیمی افزود: همچنین درآمد فروش محصولات فولاد خوزستان در زمستان سال ۱۴۰۱ به ۱۶ هزار و ۳۷۶ میلیارد تومان رسید که رشد ۲۷ درصدی نسبت به فصل پاییز ۱۴۰۱ را نشان می‌دهد.

وی در خصوص میزان صادرات این شرکت گفت: فولاد خوزستان در سال ۱۴۰۱ حدود ۱ میلیون و ۲۶۸ هزار تن فولاد میانی به کشورهای خارجی صادر کرد و جایگاه خود به‌عنوان بزرگ‌ترین صادرکننده فولاد ایران را حفظ کرد. این میزان فروش صادراتی، درآمد ارزی ۸۰۰ میلیون دلاری برای کشور به همراه داشت.

شهرداری اصفهان

مناقصه عمومی همزمان با ارزیابی (یکپارچه) یک /دومرحله‌ای

شهرداری اصفهان در نظر دارد **فراخوان عملیات تهیه مصالح و اجرای نقش برجسته سیمانگری با تلفیق کاشی زیر گذر شهدای صفه واقع در منطقه ۵ شهرداری اصفهان به شماره ۲۰۰۲۰۹۴۳۲۵۰۰۰۰۱۷** را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید.

کلیه مراحل برگزاری فراخوان از دریافت و تحویل اسناد فراخوان تا بازگشایی پاکت‌ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد. متقاضیان شرکت در فراخوان در صورت عدم عضویت در سامانه، نسبت به ثبت‌نام و دریافت گواهی امضای الکترونیکی (به صورت برخط) برای کلیه صاحبان امضای مجاز و مهر سازمانی اقدام لازم را به عمل آورند.

مبلغ سپرده شرکت در مناقصه مبلغ ۴،۸۵۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال می‌باشد.

مواعد زمانی:

- **تاریخ انتشار فراخوان:** ۱۴۰۲/۰۱/۲۶
- **مهلت دریافت اسناد فراخوان:** تا ساعت: ۱۹:۰۰ مورخ ۱۴۰۲/۰۲/۰۴
- **مهلت ارسال پیشنهادات:** تا ساعت: ۱۹:۰۰ مورخ ۱۴۰۲/۰۲/۱۶
- **زمان بازگشایی پاکت‌ها:** ساعت: ۰۹:۳۰ مورخ ۱۴۰۲/۰۲/۱۷
- نوع تضمین و سایر شروط در شرایط شرکت در مناقصه مشخص می‌باشد.
- اطلاعات تماس و آدرس دستگاه: اصفهان - خیابان آیت‌ا... شمس‌آبادی، کوچه شماره ۲۳، معاونت خدمات شهری شهرداری اصفهان

۰۳۱۳۲۲۴۱۸۵۰ - ۰۳۱۳۲۲۴۱۸۶۰ - ۰۳۱۳۲۲۴۱۸۷۰

شهرداری اصفهان

شنبه
۲۶ فروردین ۱۴۰۲- ۲۴ رمضان ۱۴۴۴ - ۱۵ آوریل ۲۰۲۳- شماره ۲۲۹۸-پیاپی ۳۶۱۶

صمت
صنعت معدن تجارت

منشور اخلاق حرفه‌ای روزنامه‌نگاری در روزنامه صمت: www.smtnews.ir/about.html

صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی و مطبوعاتی «صمت»
مدیرمسئول: ناصر بزرگمهر
سردبیر:عاطفه خسروی

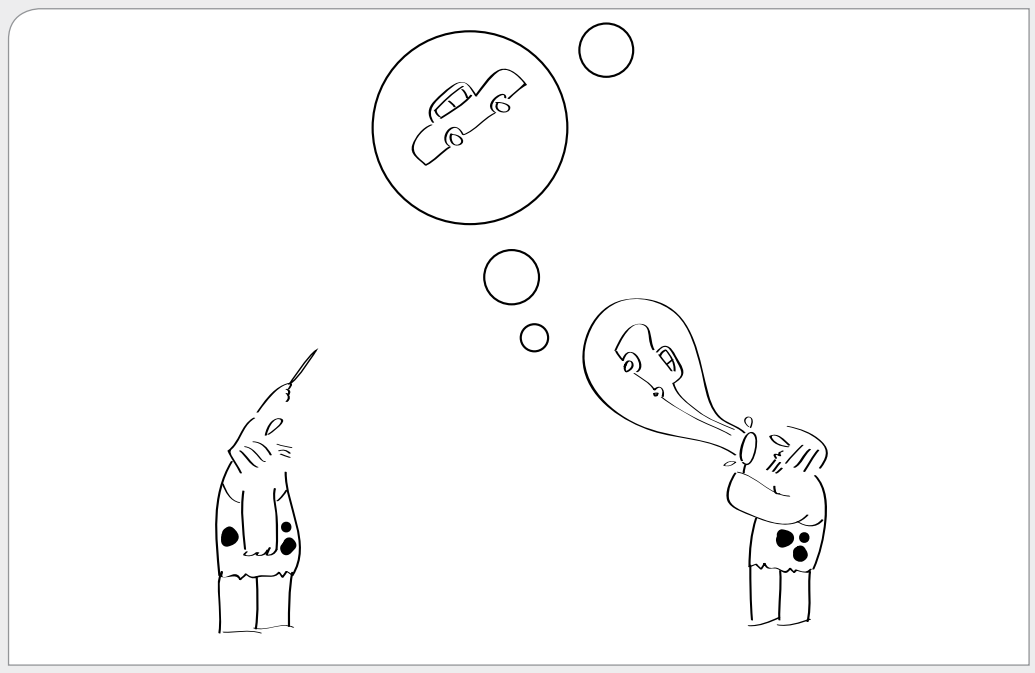
سازمان آگهی‌ها: ۸۸۷۲۲۷۳۲ - ۰۹۹۹۹۱۹۵۷۶۱
ایمیل آگهی‌ها: ads.smtnews@gmil.com
تلفن: ۸۲۱۹۰ - نمابر:(داخلی-۱۰۴) پیامک: ۳۰۰۰۸۲۱۹۰
امور مشترکین: ۸۸۷۲۲۷۳۵ - روابط عمومی: ۸۸۱۰۵۳۰۹
توزیع و سازمان شهرستان‌ها: ۸۸۷۲۲۷۳۵
تهران، خیابان قائم‌مقام فراهانی- کوچه آزادگان شماره ۲۶- کد پستی ۱۵۸۶۷۳۳۸۱۱
روابط عمومی: pr@smtnews.ir
امور استان‌ها: ostanha@smtnews.ir
چاپخانه: انتخاب رسانه

info@smtnews.ir
www.smtnews.ir
instagram.com/smtnewspaper
telegram.me/smtnews
tozi.smtnews@gmail.com

روزنامه صمت با رتبه ۱
در میان روزنامه‌های تخصصی مقام ۱
در میان روزنامه‌های اقتصادی مقام ۲

عضو انجمن مدیران روزنامه‌های غیردولتی
عضو انجمن مدیران رسانه
عضو تعاونی مطبوعات

کارتون روز



بدون شرح

طرح: حسین علیزاده

خانه ملت

میانگین تورم ثابت کشور بیش از ۳۵ درصد است



رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس گفت: می‌توان گفت که میانگین نرخ تورم ثابت در کشور بیش از ۳۵ درصد است و این مسئله بر روی زندگی و معیشت مردم اثرگذار بوده و با توجه به اینکه میزان افزایش حقوق دستمزد به مراتب کمتر از افزایش نرخ تورم است، مردم ما با کاهش قدرت خرید مواجه شده‌اند.

محمدرضا پورابراهیمی در گفت‌وگو با ایلنا، در رابطه با عوامل شکل‌گیری و رشد تورم و همچنین راهکارهای مهار آن در اقتصاد کشور برای سال جدید با توجه به اینکه در شعار سال هم این مسئله مورد تاکید قرار گرفته است، گفت: مهار تورم اکنون اولویت اصلی کشور است که در بیانات رهبر معظم انقلاب نیز به آن تاکید شد. از آنجا که ما طی ۵ سال گذشته شوک ارزی را در اقتصاد کشور شاهد بودیم، بازار و اقتصاد ما تورم‌های بالایی را تجربه کرد.

می‌توان گفت که میانگین نرخ تورم ثابت در کشور بیش از ۳۵ درصد است و این مسئله روی زندگی و معیشت مردم اثرگذار بوده و با توجه به اینکه میزان افزایش حقوق و دستمزد به مراتب کمتر از افزایش نرخ تورم است، مردم ما با کاهش قدرت خرید مواجه شده‌اند.

وی تصریح کرد: اهمیت و اولویت مسئله کنترل و مهار تورم یک مسئله مشخص است و با توجه به اینکه امسال رهبر معظم انقلاب در پیام نوروزی و نامگذاری سال هم به آن اشاره کرد و مهار تورم را اولویت کشور قرار دادند؛ نشان‌دهنده اهمیت این مسئله در اقتصاد کشور و معیشت مردم است.

نماینده مردم کرمان در مجلس در تشریح دلایل شکل‌گیری و تشدید تورم، ابرازکرد: خب برای کنترل و مهار تورم یکی از اقدامات باید این باشد که دلایل ایجاد تورم در اقتصاد کشور را بدانیم و متناسب با آن برای اقدامات موثر برنامه‌ریزی کنیم. یکی از دلایل مهم ایجاد تورم در کشور، وجود ناترازی در نظام بانکی است، ناترازی در نظام بانکی یعنی اینکه اگر منابع کل نظام بانکی به عنوان مثال ۱۰۰۰ واحد است، بانک‌ها ۱۵۰۰ واحد تسهیلات بدهند.

وی افزود: یک علت دیگر مهم و مرتبط با نظام بانکی که باید در کشور مدیریت شود، نظارت بانک مرکزی در عملیات و فعالیت بانک‌های خصوصی و دولتی است. ما در سال‌های گذشته شاهد عملکرد ضعیف بانک مرکزی بودیم؛ که علت این مسئله شاید به این بازمی‌گردد که مقررات مرتبط با این حوزه در سنوات گذشته تدوین شده و حداقل برای امروز طراحی نشده بود.

پورابراهیمی در ادامه ابرازکرد: یک خبر خوبی که در راستای تحقق شعار سال می‌توانیم به مردم عزیز بدهیم این است که در سال گذشته اصلاح قانون بانک مرکزی را آغاز کردیم و اصلاح قانون بانک مرکزی به منظور افزایش اختیارات و نظارت در عملیات بانکی برای عدم ایجاد ناترازی که منجر به ایجاد تورم در اقتصاد کشور شود، دنبال شد.

این قانون در سال گذشته بعد از حدود پنج سال کار کارشناسی در مجلس و کمیسیون اقتصادی خوشبختانه به تصویب رسید و الان مراحل نهایی را در شورای نگهبان طی می‌کند.

رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس با ابراز امیدواری نسبت به اثرات اصلاح این قانون، گفت: امیدواریم ظرف هفته‌های آینده شاهد نهایی شدن و ابلاغ این قانون باشیم زیرا ظرفیت نظارتی بانک مرکزی را به شدت افزایش خواهد داد و به نظارت دقیق برای عدم ایجاد آن ناترازی که منجر به ایجاد تورم می‌شود، کمک می‌کند.

بین‌الملل

صعود ۱۲ رتبه‌ای عراق در شاخص ترکیبی توسعه

مرتضی درخشان- کارشناس اقتصاد: در میان تحلیل‌ها و محاسبات شاخص ترکیبی توسعه، صعود ۱۲ پله‌ای کشور عراق بسیار چشمگیر بوده است.

از آنجا که عراق طی دو دهه گذشته با چالش‌های بسیاری مواجه بوده و ثبات سیاسی و اقتصادی بالایی هم نداشته است، زمانی که در شاخص ترکیبی توسعه یکی از کشورهای دارای بیشترین صعود در طول یک‌سال قرار می‌گیرد، به‌نظر می‌رسد که راه و ریل خود را پیدا کرده است و می‌توان آینده بسیار خوبی را برای آن پیش‌بینی کرد.

کشور عراق با ۴۰ میلیون جمعیت به‌لحاظ بزرگی اقتصادی در رتبه ۴۹ جهان قرار دارد و از نظر درآمد سرانه نیز جزء کشورهایی با درآمد متوسط به پایین و در رتبه ۱۲۰ از ۱۹۰ کشور طبقه‌بندی شده است.

عراق برحسب شاخص ترکیبی توسعه در همه ابعاد، در سال ۲۰۲۱ میان ۱۵۴ کشور در رتبه ۱۲۲ قرار داشت و ۱۷ رتبه پایین‌تر از ایران (جایگاه ۱۰۵) بود. اما این کشور در سال ۲۰۲۲ به رتبه ۱۱۰ صعود کرده است و ۷ رتبه بالاتر از ایران قرار گرفته است.

در طول سالی که گذشت شاخص ترکیبی توسعه در همه ابعاد در کشور عراق ۸ درصد رشد داشته است. سوال این است که کشور عراق در کدامیک از ابعاد توسعه خوب عمل کرده است که توانسته وضعیت توسعه خود را بهبود بخشد؟

کشور عراق در طول یک‌سال توانسته است ۲۰ درصد وضعیت سیاسی خود را بهبود بخشد. بنابراین اصلی‌ترین تغییری که باعث بهبود وضعیت توسعه کشور عراق شده است، تغییرات سیاسی بوده است. بعد از آن کاهش آسیب‌های زیست‌محیطی در طول سال گذشته نسبت به قبل به‌طور چشمگیری ارتقا یافته است. در نهایت عملکرد خوب عراق در توسعه اجتماعی و فردی نیز به ایجاد مکمل‌های لازم برای توسعه همه‌جانبه کمک کرده است.

در منظر سیاسی، امنیت و ثبات سیاسی ۱۹ درصد و سلامت سیاسی نیز ۱۲ درصد رشد داشته‌اند. در این بحث هم شاخص فساد و هم درک فساد هر دو بهبود را تجربه کرده‌اند. جالب اینکه در منظر سیاسی، آزادی‌های مدنی مانند آزادی بیان و آزادی رسانه‌ها در طول سال گذشته بسیار افزایش داشته‌اند. در منظر اجتماعی با اینکه ایمنی و امنیت اجتماعی و همچنین برابری اجتماعی بیشتر شده است، برابری سلامت و برابری آموزشی اصلی‌ترین بهبودها در این بخش بوده‌اند. به‌نظر می‌رسد در طول سال گذشته سرمایه اجتماعی در عراق کمی کاهش یافته است.

از نظر فردی دسترسی به امکانات اولیه به‌شدت افزایش یافته است و ارتقای بخش فردی از همین بهبود در دسترسی ناشی می‌شود. در این منظر کیفیت آب آشامیدنی و کیفیت تغذیه بهبود یافته است و درصد افرادی که از سوءتغذیه رنج می‌برند نیز بسیار کاهش یافته است. در بعد زیست‌محیطی، هم آلودگی‌ها و انتشار گازهای گلخانه‌ای نسبت به سال قبل کمتر شده و هم مدیریت منابع بهبود یافته است.

در مجموع به‌نظر می‌رسد کشور عراق پس از دوران سخت سیاسی و اجتماعی خود برای بازگشت دوباره به ریل توسعه و قرار گرفتن در بین کشورهای در آستانه توسعه تلاش می‌کند. هرچند هنوز به این دسته کشورها نرسیده است و زیرساخت‌های سیاسی و اجتماعی بیشتری لازم دارد که بتواند در دسته سوم قرار گیرد، بااین‌حال مسیر خود را یافته است. مسیر قرارگرفتن بر ریل توسعه برای کشور عراق از بهبود نقاط ضعف این کشور در منظر سیاسی و اجتماعی می‌گذرد و بنابراین تمرکز ویژه این کشور بر ایجاد بیشتر ثبات و امنیت سیاسی و اجتماعی بوده است و رشد بسیار قابل ملاحظه‌ای را در این بخش‌ها شاهد بوده‌ایم.

همچنین برای کاهش فقر و گرسنگی اقدامات اخیر این کشور مفید بوده است و توانسته بهبود کمی را در این بخش ایجاد کند. به‌نظر می‌رسد اگر کشور عراق بتواند چند سال پیوسته و پیاپی ثبات سیاسی را حفظ کند و امنیت را در کشور خود برقرار کند، با ورود سرمایه‌گذاری‌های خارجی و کاهش ریسک می‌تواند مسیر توسعه اقتصادی خود را نیز آغاز کند. اما همان‌طور که مسئولان این کشور به‌درستی تشخیص داده‌اند، امنیت و ثبات سیاسی و اجتماعی و ایجاد برابری و آزادی‌های اجتماعی و تداوم آن اولویت اصلی این کشور برای ایجاد محیطی مناسب و مطلوب برای توسعه اقتصادی است.

نظرگاه

رشد تولید در گرو تقویت بخش خصوصی



حسین پیرموذن- کارشناس اقتصاد: در دنیای امروز مشارکت بخش خصوصی در تصمیم‌سازی‌ها از طریق حضور در تشکل‌ها و نهادهای غیرانتفاعی است.

خواست تشکل‌ها خواست‌های جمعی است و نمی‌تواند منافع ملی را زیر پا بگذارد. از این رو بخش‌خصوصی عموما در قالب تشکل‌ها به میدان می‌آید و چارچوب‌های فعالیت خود را به شیوه‌ای که سلامت اقتصاد ملی را مختل نسازد، طراحی می‌کند.

دولت باید با آمادگی کامل حضور این نهادهای مردمی و غیرانتفاعی را تسهیل نماید و اجازه دهد که آنها زمینه‌های فعالیت کارآمد را پی‌ریزی کنند و براساس تجربه عینی خود در تصمیم‌سازی‌ها یار دولت باشند.

بدیهی است وقتی بخش‌خصوصی در چارچوبی سالم و پویا فعالیت می‌کند، انباشت ثروت سالمی دارد که منافع آن از طریق گسترش امکاناتی که از بالا رفتن پس‌انداز در اقتصاد ملی حاصل می‌شود، بین تمام گروه‌های جامعه تقسیم می‌شود.

به بیان دیگر، ثروت‌های خصوصی در راه افزایش ثروت ملی و توسعه‌ای عادلانه به کار گرفته می‌شود. امروزه با گسترش شبکه زندگی اقتصادی جهانی و پیوندهای الکترونیکی، اشخاص می‌توانند در هر جا که باشند، با استفاده از توانایی‌های خود، منابع مورد نیاز خود را به‌دست آورند. با این اوصاف، جا دارد که نظام اقتصادی کشور به ترتیبی تجهیز شود که بتواند از توانمندی‌های اشخاص ایرانی در داخل و خارج کشور و در چارچوبی سازمان‌یافته استفاده کند و پس‌اندازهای افزوده شده را برای توسعه هرچه بیشتر منابع ملی به کار اندازد.

در چنین نگرشی است که کارفرمایی و کارآفرینی خصوصی، برای توسعه ملی اهمیت می‌یابد و این وظیفه بر دوش دولت گذاشته می‌شود که زمینه فعالیت سالم و رقابتی کارآفرینان را فراهم سازد تا بسیاری از مشکلات اقتصادی و ازجمله مشکل بیکاری و تورم را که هر دو ناشی از کاهش سرمایه‌گذاری است رفع نماید.

در چنین شرایطی، کارآفرینان توانایی یاری‌رسانی به دولت را پیدا می‌کنند و در کنار دولت برای آبادانی کشور فعالیت خواهند کرد و آماده فداکاری بیشتری برای کشور نیز خواهند بود و به حمیت ملی آنها نیز افزوده خواهد شد. از سوی دیگر فعالان بخش خصوصی طی یک دهه اخیر به‌صورت مستمر تاکید کرده‌اند که اقتصاد ایران برای گام برداشتن در مسیر توسعه و سرعت بخشیدن به اهداف قابل تحقق شامل رشد پایدار، افزایش حجم سرمایه‌گذاری، اشتغال‌زایی و بهبود سایر شاخص‌های کسب‌وکار راهی جز کاهش سهم دولت از کیک اقتصاد ایران ندارد و به بیانی دیگر دولت باید در هموارسازی مسیر توسعه فعالیت‌های بخش خصوصی، تحکیم و تقویت تشکل‌های بخش خصوصی اقدامات ارزنده و درخور نتیجه باید انجام دهد.

همچنین بر طبق سیاست‌های ابلاغی اصل ۴۴ قانون اساسی دولت به‌عنوان سیاست‌گذار باید به کاهش تصدی‌گری اقدام کند و راه را برای حضور بخش خصوصی هموار کند؛ اما متأسفانه در سال‌های گذشته به این اصل به‌عنوان منبع تأمین مالی دولت نگریسته شده و کمتر به دغدغه‌های واقعی بخش خصوصی توجه شده است و رکود حاکم بر فضای کسب‌وکار هم بر اجرای ناصحیح این اصل مترقی تأثیر گذشته و از سوی دیگر باید به این واقعیت اذعان کرد که بی‌تدبیری سیاست‌گذاران دولتی و بی‌اعتنایی آنان به انذارها و هشدارهای کنشگران و فعالان بخش خصوصی طی یک دهه گذشته، آثار و تبعات جبران‌ناپذیری را بر اقتصاد ملی و معیشت عامه مردم تحمیل کرده؛ ازاین‌رو شایسته است که تصمیم سازان و سیاست‌گذاران دولتی از ظرفیت‌های نهادهای بخش خصوصی در تصمیم‌گیری‌های مهم بهره ببرند و در استماع صدای رسای بخش خصوصی در اتاق‌های فکر خودشان تلاش وافری انجام دهند.

امیدواریم در سال ۱۴۰۲ به‌جای تردید و نگرانی، امیدواری نصیب صنعتگران، بازرگانان و کشاورزان باشد.

یادداشت



سیاست‌گذاری علمی حلقه گمشده اقتصاد ایران

موسی غنی‌نژاد
اقتصاددان

رونق تولید در گرو سیاست‌گذاری درست اقتصادی است و این ممکن نیست؛ مگر با گماشتن اهل علم و تخصص بر مصدر امور و تصمیم‌گیری برمبنای یافته‌های علمی روز و تجربه عمومی جوامع بشری.

مطابق آمارهای رسمی بانک‌مرکزی، رشد اقتصادی کشور ما در سال ۱۴۰۰، بدون محاسبه نفت، حدود ۴ درصد و با محاسبه نفت اندکی بیشتر بوده و با توجه به داده‌های ۶ ماه نخست سال ۱۴۰۱، پیش‌بینی می‌شود که رشد اقتصادی در این سال هم کم‌وبیش در حدود سال ۱۴۰۰ یا اندکی کمتر باشد. سوای مسئله شیوه محاسبه این متغیرها، به‌ویژه با توجه به عدم‌شفافیتی که در خصوص برخی داده‌ها مانند مقدار صادرات نفت وجود دارد، باید گفت نرخ رشدهای مورد اشاره عملا به معنای بهتر شدن وضعیت رفاهی اکثریت مردم یعنی اقشار متوسط به پایین جامعه نیست.

کارمندان دولت و کارکنانی که در بخش خصوصی درآمد ثابت داشته‌اند آشکارا در این دو سال اخیر بخش مهمی از قدرت خرید خود را از دست داده و فقیرتر شده‌اند؛ چراکه افزایش درآمدشان نسبت به تورمی که بر آنها تحمیل شده بسیار کمتر بوده است. شأن نزول شعار سال ۱۴۰۲، یعنی «رونق تولید و کنترل تورم»، همین واقعیت است. به سخن دیگر، اگر رشد اقتصادی هم در حدود ۴ درصد اتفاق افتاده باشد، به هر دلیلی، شامل حال عامه مردم نشده است، از این رو جا دارد که این نرخ رشد بسیار بیشتر از این باشد. به این ترتیب پرسش اصلی این است که چگونه می‌توان به رونق تولید شتاب داد؟

واقعیت این است که کشور ما به‌طور بالقوه همه ابزارهای لازم برای رشد شتابان را در اختیار دارد؛ اما به دلایلی که نیازمند توضیح است، نمی‌تواند آنها را از قوه به فعل درآورد. نخستین و مهم‌ترین توضیح شاید این دیدگاه سیاستمداران و سیاست‌گذاران باشد که صِرف داشتن امکانات بالقوه که شرط لازم برای رشد است، شرط کافی هم هست؛ یعنی با هر تدبیر و سیاستی می‌توان آن را محقق ساخت. این توهم خطرناک موجب سهل‌گرفتن کارها شده، به طوری که معیار «تخصص» عملا به کناری نهاده شده و تنها «تعهد» برای گماشتن افراد بر مصدر امور ملاک قرار گرفته است. بدیل قرار دادن تعهد و تخصص اشتباه مهلکی است که نه‌تنها نظام تدبیر را از کارآیی می‌اندازد، بلکه در عمل کل نظام را از تعهد تهی می‌کند. تخصص امری عینی، عقلایی و قابل احصاست، از این‌رو، احتمال اشتباه در تشخیص آن اندک است؛ در حالی که تعهد امری درون‌ذهنی است و به‌جز پای‌بندی به برخی ظواهر و البته وفاداری به مقامات بالاتر عملا معیاری برای تشخیص آن وجود ندارد.

واضح است در چنین شرایطی که امر ذهنی و غیرقابل احصای تعهد ملاک دست‌یافتن به مقامات دولتی و قدرت و ثروت در اقتصاد دولت‌زده می‌شود، متظاهران دست بالا را در نظام سیاسی و اقتصادی پیدا می‌کنند. بدون علت نیست که اکثریت قریب به اتفاق دزدان بیت‌المال، اختلاسگران و مفسدان مالی همیشه از همین متظاهران به تعهد بوده‌اند و در نظام تدبیر و به طور کلی در جامعه تیشه به ریشه اخلاقیات زده‌اند.

اگر به بحث رونق تولید برگردیم، تردیدی نیست سیاست‌گذاری درست اقتصادی که خود مستلزم دانش تخصصی است، گام نخست برای رفتن به سوی چنین هدفی است. اما متاسفانه از دولت نهم به این سو، جریان شعاری و مخربی دوباره بر نظام تدبیر کشور ما سایه انداخت که تلاش‌های دولت تدبیر و امید هم نتوانست آن را مهار کند. این جریان در دولت سیزدهم دوباره با شکل و شمایل جدیدی به قدرت رسید و با نادیده‌انگاشتن تجربیاتی که با صرف هزینه‌های سنگین برای جامعه به‌دست آمده بود بار دیگر نیروهای غیرمتخصص‌تر و ناکارآمدتر را بر مصدر امور قرار داد. نگاهی به سیاست‌گذاری‌های دولت سیزدهم از فاصله‌گرفتن بیشتر با معیارهای علم اقتصاد و دست‌آویختن به اندیشه‌های متناقض و ناکارآمدی حکایت دارد که بارها پیش از این در کشور ما مورد آزمون قرار گرفته و شکست خورده‌اند. دانستن اینکه ثبات متغیرهای اصلی اقتصاد کلان و در رأس آنها نرخ تورم، شرط لازم برای سرمایه‌گذاری و رونق تولید است حتی به دانش تخصصی نیازی ندارد. اما تصمیم‌گیران اقتصادی به‌جای پرداختن به این معضل که از منظر علم اقتصاد راه‌حل‌های مشخص و روشنی دارد، هم خود را برای پایین آوردن نرخ برابری ارزهای خارجی و آن‌هم البته با دستورات اداری و انضباطی می‌گذارند! استدلال نظریه‌پردازان دولت این است که گویا برخلاف همه یافته‌های علم اقتصاد و تجربه بشری، نرخ تورم تابعی از تغییرات نرخ برابری ارز است، نه برعکس. این کشفیات جدید که باید ملت رنج‌دیده ایران هزینه آن را بپردازد نه‌فقط محصول بی‌خبری و بی‌اعتنایی به اولیات علم اقتصاد بلکه به چالش کشیدن این واقعیت بدیهی است که حتی در یک اقتصاد کاملا بسته و منزوی از دیگر کشورها که نرخ برابری ارز در آن اصلا مطرح نیست، ممکن است تورم اتفاق بیفتد و قدرت خرید پول در دست مردم را کاهش دهد.

تردیدی نیست که مداخلات دولت در اقتصاد، به‌ویژه در حوزه قیمت‌گذاری‌های دستوری در بازار، عامل بازدارنده مهمی برای رونق تولید است. قیمت‌گذاری‌های دستوری، نظام اطلاع‌رسانی قیمت‌ها در بازار را مخدوش می‌کند و با ارسال اطلاعات نادرست نامرتبط با کمیابی منابع و کالاهایی که در قیمت‌های نسبی در بازار انعکاس می‌یابند، تخصیص منابع را غیربهینه و تولیدکنندگان را سردرگم می‌کند. نرخ تسهیلات بانکی که در ظاهر برای حمایت از تولید در سطح بسیار پایینی، نسبت به تورم، به صورت دستوری تعیین می‌شود نتیجه عمده‌ای که دارد و تجربیات گذشته بارها بر آن صحه گذاشته، ایجاد رانت و منافع بادآورده برای رانت‌خواران حرفه‌ای وابسته به قدرت‌های سیاسی صاحب نفوذ بوده و جز اتلاف منابع مالی و فساد نتیجه‌ای برای تولید واقعی نداشته است. باید توجه کرد که منبع اصلی این تسهیلات سپرده‌های مردم در بانک‌هاست که با نرخ‌های دستوری بسیار پایین، بخش مهمی از قدرت خرید خود را در زمینه تورم‌های بالا از دست می‌دهند که معنایی جز آب‌رفتن دارایی‌های مردم به نفع دولت و وام‌گیرندگان بزرگ صاحب نفوذ ندارد. خلاصه کلام اینکه رونق تولید با شعار دادن و اختراع نظریه‌ها و روش‌های من درآوردی علم‌ستیز و عقل‌ستیز امکان‌پذیر نیست.

با عکس مار کشیدن و تراشیدن بهانه‌های واهی برای سیاست‌های غلط ممکن است بتوان به‌طور موقت عوام مردم را «قانع» کرد؛ اما باید دانست که واقعیت سرسخت است و نهایتا خود را بر همگان تحمیل می‌کند. رونق تولید در گرو سیاست‌گذاری درست اقتصادی است و این ممکن نیست؛ مگر با گماشتن اهل علم و تخصص بر مصدر امور و تصمیم‌گیری برمبنای یافته‌های علمی روز و تجربه عمومی جوامع بشری. ما تافته جدابافته نیستیم، پذیرفتن این واقعیت نخستین گام در مسیر عقلانیت و تصمیم‌گیری درست است.